



# رستوران میشو



میزبانی بر یادمانندی در مجالس شما



سعادت اباد، بلوار شهرداری، یابین تر از اتوبان یادگار امام، جنب خیابان شهید حسینی

22 14 72 11 | 22 14 72 10 | 22 13 44 29 | 22 14 72 13 | 22 14 72 12

Instagram icon Mishov.restaurant

## پذیرش آگهی در فصلنامه پیام شبستر

فصلنامه پیام شبستر آماده درج آگهی‌ها و تبلیغات شما می‌باشد.

درج آگهی در این نشریه علاوه بر آنکه در معرفی شما به همشهریان ابزاری مناسب خواهد بود، بدلیل نوع مطالب مندرج در آن که منجر به ایجاد انگیزه برای نگهداری طولانی مدت مجله می‌گردد، اثری طولانی خواهد داشت. ضمن آنکه با سفارش آگهی، دست‌اندرکاران را در تداوم انتشار مجله، که برای سال‌ها از آرزوهای مردم فرهنگ دوست شهرستان بود، یاری نموده و از این جهت فعالیتی فرهنگی نیز محسوب می‌گردد.

شماره‌های دریافت آگهی:

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

## فراخوان مقالات

دست به دست هم دهیم تا سرزمین مادری را به مکان بهتری برای زندگی تبدیل نمائیم.

فصلنامه پیام شبستر تریبونی برای تمامی اهالی منطقه و فرصتی برای چاپ مقالات، خاطرات، اسناد، عکس‌ها، داستان‌های شما و پیشنهادات و انتقاداتتان در خصوص فعالیت‌های نهادها و ارگانهای دولتی و غیر دولتی می‌باشد.

● مطالب حتی الامکان کوتاه و حداکثر برای ۴ صفحه نشریه تهیه، تایپ و از طریق ایمیل ارسال فرمایید. چون مطالب به نام خودتان چاپ خواهد شد لذا درج نام و نام خانوادگی الزامی است.

● منابع مطالب در گیومه مشخص گردد.

● تحریریه در رد، تلخیص و ویرایش مطالب ارسالی آزاد است.

● مسئولیت مطالب و آگهی‌ها به عهده نویسنده و سفارش دهنده است.

● استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع آزاد می‌باشد.

صاحب امتیاز: جمعیت خیریه شبستریهای مقیم تهران

مدیر مسئول: جمشید صالحی شبستری

سردبیر: سید حسین غزالی

هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسن امین‌لو، حسین روشن، محمد رضا رونقی، اکبر صالحی

شندی، جاهد فیضی زاده، ابوالفضل موحد، ابوالفضل هدایتی آذری

مدیر مالی: جمعیت خیریه شبستریها

مدیریت پشتیبانی و تدارکات: جمشید کتانی - فرج کریمی

مدیریت اجرایی: سیدمحمد ورنذیلی

روابط عمومی: حسین شوقی - فرج کریمی

مدیر هنری و ناظر چاپ: فرزانه عالمی

صفحه آرا و گرافیک: فاطمه تیموری

همکاران: محمد چایک، فتح‌اله کمالی اصل، عباس امیر هدائی، حسین اقدسی

بهمن صالحی، مهدی فرید پور

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۹۱۸۸

فکس: ۰۲۱-۶۶۹۳۷۳۶۴

۰۲۱-۶۶۴۳۹۲۹۴

سندوق پستی: ۱۵۸۷۵۸۴۶۷

پست الکترونیکی: Payamshabestar@gmail.com

مجله پیام شبستر در کلیه نقاط به‌ویژه شهرستان شبستر و تهران نماینده می‌پذیرد. شما نیز در صورت علاقه همکار افتخاری ما باشید.

کلیه خیریه‌های شهرها و آبادی‌های شهرستان شبستر در صورت علاقه می‌توانند ما را در بخش فصلنامه شبستریاری و پشتیبانی نمایند.



صفحه	سرفصل	عنوان	نویسنده/تهیه کننده
۶	سرمقاله	توسعه	جمشید صالحی شبستری
۸	سخن روز	قیمومیت یا مهندسی اجتماعی	سید حسین غزالی
۱۰	مقالات	جمعیت هلال احمر شبستر و فعالیت‌های انسانی آن	تقی خبازی
۱۲	تاریخ و جغرافیای شبستر	مسجد خیراب - آقا قبری	اسماعیل اسماعیل زاده شبستری
۱۳	گزارش	مراسم افطاری جمعیت خیریه شبستری‌های مقیم مرکز	
۱۴	شهرها و آبادیها	چهرگان	
۱۵	تاریخ شفاهی	خاطرات یک معلم	دکتر سیروس برادران شکوهی
۱۹	نیکنامان و خیرین	میر علی اکبرهاشمی	محمد مصطفی سید شبستری
۲۱	نیکنامان و خیرین	حاج علی مردپرور	محمود سخاوت بنیسی
۲۲	فرهنگ و ادبیات محلی	اولکر اوجقارین چیراقلار کیتابی حاقدا	اکبر صالحی «قاداش»
۲۴	فرهنگ و ادبیات محلی	توررؤم (تورم) گندر وادی - رحمته، سئوگیلیم	اصغرساعی «وولکان»، نادر ایلاهی
۲۵	فرهنگ و ادبیات محلی	شهر، اراده	لزگی پور، حسین روشن
۲۶	فرهنگ و ادبیات محلی	یا هن دئی! یا یوخ!	حسین اقدسی
۲۸	فرهنگ و ادبیات محلی	ایمام عابباس قؤللوغونا گندن تولکو	حسین محمد خانی «گونئیلی»
۲۹	فرهنگ و ادبیات محلی	شبستردن گلن سس پوستو	علی اصغر سفیری
۳۰	فرهنگ و ادبیات محلی	سن شیندیواریم سان منیم، شبسترتلی میرزه علی معجز	اکبر صالحی «قاداش»
۳۱	فرهنگ و ادبیات محلی	من بیر توزام	رامیز رؤوشن
۳۲	فرهنگ و ادبیات محلی	تورکجه بایاتیلار و فارسجا دوبئیتی لر	محمد رضا رونقی
۳۳	فرهنگ و ادبیات محلی	رسوم عروسی در روستای تیل	جیران امینی
۳۷	اندیشه	چرا ودرچه صورتی به داوری دیگران اهمیت ندهیم؟	ابوالفضل هدایتی آذز
۴۰	از دریاچه ارومیه چه خبر؟	تراز فعلی دریاچه ارومیه بیش از ۲ متر با تراز اکولوژیک فاصله دارد	جاهد فیضی زاده
۴۴	دانستنی‌ها	دانستنی‌هایی از حقوق خانواده	محمدعلی صفی زاده شبستری
۴۶	دانستنی‌ها	معالجه مرض قند(دیابت) با غذا و گیاهان داروئی، شیشه آشی	دل افروز دلربا، ام‌البین خسروی
۴۷		خیرین فرهنگی شهرستان شبستر	
۴۸	گزارش	داور زمانخانی دبیر انجمن ادبی شبستر	
۴۹	گزارش	بانوان تلاشگر روستای «تیل»	جیران امینی
۵۰	گزارش	بزرگداشت مقام معلّم نهمین مجمع عمومی‌بازنشستگان آموزش و پرورش	
۵۱	اخبار	اخبار منطقه	جاهد فیضی زاده
۵۴	با مخاطبین	نظرات مخاطبین	ناصر جعفرزاده
۵۵	جدول		سهیلا رونقی

## سپاس



جمشید صالحی شبستری

بوده و ما صمیمانه از همه این بزرگواران سپاسگزاریم. یکی دیگر از خواسته‌های تعداد زیادی از همشهریان فرهیخته شهرستان تهیه آلبوم فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شهرستان شبستر (ارونق، انزاب و رودقات) می‌باشد. با توجه به این که بسیاری از این عزیزان در خارج از کشور و در قاره‌ها و کشورهای مختلف ساکن و مشغول می‌باشند و خیلی‌ها در نقاط مختلف کشور پخش هستند کاری بسیار مشکل می‌باشد ولی گروهی از همکاران عاشق مجله اعلام آمادگی کردند تا به یاری شما همشهریان ارجمند این کار ارزنده را انجام دهند و ما ضمن اعلام اسامی و تلفن این عزیزان از همه شما علاقمندان تقاضا داریم این فارغ‌التحصیلان خانم و آقا از دانشگاه‌های داخلی و خارجی را همراه با تلفن آن‌ها به این گروه معرفی نموده و در تهیه و تکمیل این آلبوم ما را یاری دهند و در استمرار این حرکت در آینده نسبت به تهیه آلبوم تولیدکنندگان و کسبه و اصناف مختلف و سایر خواسته‌های منطقی شما شهروندان با فرهنگ خواهیم پرداخت.

طبیعی است که این آلبوم شامل کسانی خواهد بود که شما به ما معرفی نموده و یا ما موفق به دریافت اطلاعات آن‌ها شده‌ایم. همشهریان فرهیخته؛ ما با یاری خدای متعال و همکاری همدیگر در آینده کارهای ارزنده و لازمی را که تاکنون اقدام نشده انجام خواهیم داد چون همه آگاهییم که رمز موفقیت در کارهای بزرگ اتحاد، همدلی و همکاری می‌باشد.

۹۸/۸/۲۰ در پردیس تأثر تهران همایش بزرگداشت استاد عاشیق قشم جعفری کندرودی گرانقدر را با حمایت و پشتیبانی کندرودی‌های ارجمند و با همکاری استاد عاشیق سلجوق شهبازی مدیرعامل و ریاست هیئت‌مدیره خانه عاشیق‌های ایران، مدیریت موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران به نحو مطلوبی با شرکت عاشیق‌های محترم کشورهای آذربایجان، ترکیه و گرجستان و عاشیق‌های پرآوازه سراسر کشور برگزار کردیم و با استقبال گسترده شما بزرگواران مواجه شدیم بطوری که در سالن یکهزارنفری حدود یکهزار و چهارصد نفر تماشاگر مستقیم این همایش کم‌نظیر بودند و شکوه و جلال خاصی به آن بخشیدند و لذا ما نیز در برابر همه این علاقمندان گرمی و همه پیشینیانان ارجمند مجله سر تعظیم فرود می‌آوریم و سپاسگزاری می‌کنیم و واضح است که این استقبال افتخارآمیز نتیجه اطلاع-رسانی گسترده رسانه‌های گروهی بوده و گزارش کامل مراسم همه و همه نتیجه همکاری قابل تحسین همکاران خبرنگار و ادمین‌های عزیز فضای مجازی

سپاس، تشکر و قدردانی اولین وظیفه و ساده‌ترین کاری است که هر انسان می‌تواند در مقابل کمک-کننده و یاری‌دهندگان انجام دهد. با توجه به این که خالق هستی نزدیک‌ترین و مهربان‌ترین یاری-دهندگان می‌باشد؛ شایسته است که شکرگزاری اصلی از پروردگار رحمان و رحیم باشد و همه می‌دانیم که تشکر از مردم همانند سپاس از ایزد یکتا خوانده می‌شود؛ لذا ما نیز به عنوان گردانندگان مجله پیام شبستر ضمن شکرگزاری به درگاه خدای یگانه از صاحبان اصلی فصلنامه یعنی شما خوانندگان بزرگوار و همشهریان عزیز کمال تشکر و قدردانی را داشته و اعلام می‌داریم تمام تلاش ما و هدف اولیه مجله در راستای تأمین نظرات خردمندان و شایسته شما عزیزان ارجمند می‌باشد و بر همین اساس در پائیز سال گذشته یادمان سزاوارانه‌ای برای شاعر محبوب منطقه‌مان شادروان میرزاعلی معجز شبستری پس از بیش از هشتاد سال از درگذشت آن مرحوم برگزار کردیم و شما سروران ضمن استقبال فاخر از ما تقاضای استمرار این حرکت را داشتید و ما با لبیک به این خواسته در



## دموکراسی؛ حکومت انتخابی (۲)



ابوالفضل موحد



نشده‌اند. پس معرفت ما ناشی از توانائی ما در ابطال است، نه نتیجه اثبات یقینی و قطعی.

### ۲ حکومت بر خود موجه تر از حکومت دیگران است؛

توماس جفرسون، سومین رئیس جمهور آمریکا و از مدافعان استقلال آن کشور از امپراطوری انگلستان، نویسنده اصلی اعلامیه استقلال آمریکا و بنیانگذار سنت اصلی دموکراسی آمریکائی (دموکراسی جفرسونی) می‌گفت؛ که اگر آدمیان چنانکه مخالفان دموکراسی معتقدند، نمی‌توانند بر خود حکومت کنند، بطریق اولی نمی‌توانند بر دیگران نیز حکومت کنند. پس حکومت بر خود موجه تر و ممکن تر است، تا حکومت بر دیگران.

جفرسون چهار اصل اساسی برای دموکراسی قائل بود: اول، مشارکت

### قطعی؛

برخی از فلاسفه قدیم و جدید از جمله جان استوارت میل، برتراند راسل و کارل پوپر از موضوع معرفت شناسانه‌ی شکاکانه از دموکراسی دفاع کرده‌اند. میل بر آن بود که دانش و معرفت به طور عمده محصول تعامل اجتماعی، مشاوره و مذاکره است، وگرنه حقیقت را نمی‌توان به صورت عینی، مطلق و کلی دریافت کرد. پس چون شک و عدم یقین و قطعیت بیانگر وضع انسان است و هر معرفتی حاصل تعامل به شمار می‌رود، در نتیجه دموکراسی تنها نظام معقول ممکن است. راسل و پوپر نیز استدلال می‌کردند که نمی‌توان با قطع و یقین مطلق به معرفت امور دست یافت و قطعی ترین حکمی که می‌توان در باره‌ی قواعد علمی صادر کرد، این است که بگوئیم که هنوز ابطال

در قسمت اول مقاله؛ به موضوعاتی چون: "مفهوم و منشاء دموکراسی"، "شهروندی و حقوق مدنی" و "سه مفهوم اصلی دموکراسی در سده بیستم"، پرداختیم. در این قسمت به مبانی نظری و توجیهای عقلی که در دفاع از دموکراسی از منظرگاه‌های متفاوت نظریه پردازان علوم سیاسی آورده‌اند، اشاراتی گذرا خواهیم داشت. این مبانی نظری، بر اساس طبقه بندی دکتر حسین بشیریه استاد سابق علوم سیاسی دانشگاه تهران بیان خواهد شد:

می‌توان توجیهای و مبانی منطقی و عقلی در دفاع از دموکراسی را بر حسب نقطه عزیمت اندیشمندان بصورت زیر طبقه بندی کرد:

### ۱ توجیه دموکراسی بر اساس عدم امکان کسب معرفت یقینی و

آنها یکسانند، بنابراین هیچ چیز دیگر جز آنکه مردم برای خود می‌پسندند، غایت حکومت به شمار نمی‌رود.

#### ۶ توجیه دموکراسی بر اساس مصلحت‌اندیشی انسانها.

اگر تاسیس حکومت برای تامین و پاسداری از مصلحت مردم است، در آن صورت مردم خود بهتر از مرجع دیگری می‌دانند چه می‌خواهند و مصلحت خودشان چیست و از این رو بیش از هر مرجع دیگری شایستگی حکومت (بر خود) را دارند. نظریه‌های جدیدتر دموکراسی بر چنین اساسی حکومت مردم سالاری را توجیه کرده‌اند. در این نظام رای مردم، بالاترین ملاک و بهترین وسیله ارزیابی حقانیت حکومت است. هراستدلالی که مرجع دیگری جز خود مردم را در تشخیص مصلحت‌ایشان برتر و صالح تر بداند، لاجرم به حکومتی غیر دموکراتیک، خودکامه و یا توتالیتر می‌انجامد.

#### ۷ توجیه دموکراسی بر اساس پیرومند دموکراسی با صلح طلبی.

بر اساس این استدلال، احتمال آن که دموکراسی‌ها با یکدیگر درگیر جنگ شوند، کمتر از احتمال درگیری جنگی میان حکومت‌های غیردموکراتیک است، زیرا عامه مردم اصولاً از جنگ و ستیز گریزانند و اگر در حکومت حضور داشته باشند، از جنگ پرهیز می‌کنند. جنگ‌های بزرگ و کوچک را معمولاً حکام خودکامه و خودسر و یا حکومت‌های الیگارشوی بسته به راه‌انداخته‌اند.

این تقسیم بندی تلخیصی از تقسیم بندی مبانی توجیهی دموکراسی بر اساس نظریات دکتر حسین بشیریه در کتاب "دموکراسی برای همه" می‌باشد.

لازمه قرارداد اجتماعی برای پذیرش قدرت حکومت است و چنین حکومتی همان دموکراسی است.

۴ توجیه دموکراسی بر اساس اطاعت مردم از قوانینی که خود وضع کرده‌اند؛ به نظر روسو تنها در دموکراسی، انسانها که آزاد شده‌اند، می‌توانند در عین فرمانبرداری از حکومت آزادی خود را حفظ کنند؛ زیرا در دموکراسی انسانها از قوانینی اطاعت می‌کنند که خود وضع کرده‌اند. پس اطاعت از قوانین خود همان اطاعت از خود یعنی آزادی است. بنابراین در دموکراسی اطاعت از قوانین و آزادی یکی و یکسان است. در این شرایط حتی آزادی مردم عمیق تر شده و خصلتی مدنی و اخلاقی یافته است. از چنین دیدگاهی دموکراسی تنها حکومت مشروع و ممکن است، زیرا در آن آزادی و قانون یکی هستند، به سخن دیگر دموکراسی تنها حکومت بر حق و مشروعی است که با آزادی انسان سازش دارد.

#### ۵ توجیه دموکراسی بر اساس فایده.

جرمی بنتهام فیلسوف سیاسی بزرگ انگلیسی استدلال می‌کرد؛ که اگر همه انسانها خواستها و نیازهای یکسانی دارند و شادی و رنج‌هایشان همانند است، پس ارضای نیاز و تامین شادی هیچ کس نمی‌تواند بر شادی دیگری برتری داشته باشد. بنابراین آن چه در تصمیم‌گیری‌های عمومی باید ملاک باشد، تنها کمیت یعنی شمار افرادی است که از آن تصمیم‌گیری‌ها بهره مند میشوند. پس دموکراسی حکومتی است که در آن بیشترین میزان شادی برای بیشترین شمار مردم در نظر گرفته می‌شود. از آنجا که کار ویژه اصلی حکومت به نظر بنتهام تامین رفاه و سعادت و فایده عمومی است و مردم نیز از حیث شایستگی در برخورداری از

سیاسی دوم، برابری اقتصادی، سوم آموزش فضائل مدنی و چهارم، نمایندگی مردم. آرمان جفرسون برقراری دولت شهرهای کوچکی بود که هر یک حدود صد خانوار را در برگیرد و امکان "دموکراسی مستقیم" را فراهم آورد. باین حال وی با توجه باینکه نمی‌توان کشور بزرگی چون آمریکا را با نظام دولت شهرهای کوچک اداره کرد، "نظام فدرالی" را پیشنهاد کرد.

نمایندگان مردم در این جمهوری فدرال به تعبیر جفرسون می‌بایست از درون "اشرافیت طبیعی دانش و فضیلت" برگزیده شوند تا از سلطه مصنوعی "تبار و ثروت" جلوگیری شود. بدین سان جفرسون می‌خواست دموکراسی مستقیم کلاسیک را با نظام دموکراسی نمایندگی مدرن در هم آمیزد.

وینستون چرچیل نیز می‌گفت دموکراسی در میان انواع دیگر حکومت، بهترین نوع حکومت است. به سخن دیگر اگر توجیهی برای حکومت هست، اول برای دموکراسی است، بعد برای سایر اشکال حکومت.

#### ۳ توجیه دموکراسی بر اساس برابر طبیعت انسانها؛ (قرار داد اجتماعی)

اگر بپذیریم که انسانها برابر زاده شده‌اند، باید در نتیجه بپذیریم که همگان حق یکسانی در شرکت در حکومت بر خودشان دارند. همچنین از آنجا که انسانها به حکم طبیعت، آزاد زاده شده‌اند، حق دارند نسبت به پذیرش اقتدار سیاسی و اطاعت از آن، آزادانه رضایت یا مخالفت خویش را اعلام دارند. استدلال اصحاب نظریه قرارداد اجتماعی مانند "جان لاک" و "ژان ژاک روسو" و "منتسکیو" مبتنی بر چنین منطقی است. به نظر آنها، آزادی و برابری مقدمه حق است؛ حق مقدمه توافق و رضایت است و توافق و رضایت



## خاطره‌ای از گذشته‌های دور

جمشید محبوبی

محل مرا به خیابان فردوسی تبریز مسافربری خورشید هدایت کردند که هر روز بامداد یک دستگاه اتوبوس موتور جلو قدیمی به مقصد بندر شرفخانه در سواحل دریاچه در حال احتضار حرکت می‌کرد و بعد از ظهر همان روز به تبریز برمی‌گشت.

یادم نیست چه روزی از هفته بود در یک بامداد زیبای پائیزی ساعت ۶ بامداد با اتوبوس شرفخانه به سوی شبستر مرکز بخش حرکت کردم. مشهدی علی خطیبی که راننده و مالک اتوبوس هم بود و در محل او را عمو خطاب می‌کردند. در شبستر پس از گرفتن ابلاغ آموزشی عصر همان روز برای تهیه وسائل مختصر

عمر دو بایست در این روزگار تا به یکی تجربه اندوختن با دگری تجربه بردن به کار بازگشت به گذشته یا ایستایی زمان امری محال است. تذکر این یادمان‌ها در اعماق ذهنم در شعور ذاتیم به زبان حرکت می‌دهد که بگویم و بنویسم لذا شادی و سرور از این یادآوری یاد ایام جوانی را دوباره به روح و روانم جان می‌بخشد. اجازه فرمائید به آبان‌ماه ۱۳۳۹ خورشیدی برگردم. که ابلاغ آموزش و پرورش در دست پسران پسران نشانه‌ی کوزه‌کنان و مرکز بخش شبستر را گرفتم. کدام وسیله نقلیه مرا به آن‌جا خواهد رسانید؟ بالاخره برای رسیدن به آن

**یاد ایام جوانی جگرم خون می‌کرد خوب شد پیر شدم کم کم نسیان آمد**  
این نوشتار بی‌هیچ تعارف یادمان یادگاران شیرین و دلپذیر از مردمان نجیب و مهربان روستای کوزه‌کنان است که امروزه شهر کوزه‌کنان نام گرفته است. بیش از نیم قرن پیش چند سالی در میان مردم خونگرم این شهر به خوبی و خوشی زیسته ام. هنوز هم یاد ایام شباب و مرور خاطرات گذشته ذهن به خواب رفته‌ام را بیدار و آرزوی بازگشت به گذشته را در اندرون دلم بیدار می‌کند. ولی به ناچار با زمزمه بیتی از سعدی بزرگواری خود را تسلی می‌دهم:  
مرد خردمند هنرپیشه را

گلی با سقف کوتاه بود که تیرهای چوبی آن سیاه بود. مختصر نوری که از پنجره چوبی و موربانه خورده به درون می‌آمد اتاق را نیمه‌روشن می‌کرد. در محل سه نفر آموزگار زندگی می‌کردند. با اضافه شدن من به این جمع، جمع چهارنفره ساکنین آن خانه را تشکیل دادیم.

روستا از آب لوله‌کشی بهداشتی و برق بی‌بهره بود. توضیح می‌دهم این خانه حیاط کوچکی هم داشت. سرویس بهداشتی آن در گوشه‌ای از حیاط قرار داشت. البته نمی‌توان بسیار متوقع بود که منزل معلم از کیفیت بهتر از خانه‌های اهالی می‌شد؛ بلکه به جز چند یا چندین خانه ثروتمندان وضعیت زیستی مردم برتر و بهتر از منزل ما نبود.

آب شرب اهالی فقط از چشمه هادی (هادی کهریزی) تأمین می‌شد. مظهر آن در انتهای جنوبی روستا قرار داشت. آب خوردن و آب مصرفی آشپزی ما و دبستان را آقای میرصالح ملکی فرزند آقای میرآقا ملکی خدمتگزار مدرسه از همان قنات با کوزه می‌آورد. آب شست‌وشو و سایر مصارف از جویباری تأمین می‌شد که از وسط دهکده می‌گذشت.

آقای میرصالح بعد از مدتی سکونت در تهران به رحمت ایزدی پیوست که برایشان طلب مغفرت می‌کنم.

نخستین آموزشگاه ۴ کلاسه پسرانه بنا به تقاضای اهالی در سال ۱۳۲۹ خورشیدی بنیاد نهاده شده بود که به نوشته تاریخ فرهنگ ارونق و انزاب که در شهریور ۱۳۳۸ خورشیدی چاپ و منتشر گردیده است. نصف هزینه این مدرسه را شادروان مهدی ابراهیمی

پس از پذیرایی و مختصر استراحت، جوانان رختخواب و اندک وسائل مرا به درب منزل مسکونی آموزگاران دهکده حمل نمودند. از اولین برخورد و خوش آمدگویی و خوشرویی آقای کمال‌الدین شفیعی که مدیر دبستان نیز بودند بسیار مسرور شدم. با تشکر و قدردانی از راهنمایان وسائل زندگی مرا در گوشه اتاق جای دادم. (با آرزوی سلامتی برای آقای شفیعی که بعد به مدیریت دبیرستان شرفخانه منتقل و بعد از بازنشستگی آن شهر را به اقامت دائم برگزیدند و در حال حاضر نیز در آن محل اقامت دارند). رختخواب و کیف مرا در گوشه‌ای تاریک و نور که هیچ شباهتی به اتاق نداشت جای دادند. محل اقامت یا به اصطلاح خانه آموزگاران، اتاقی تاریک با دیوارهای

++++

زندگی با اتوبوس عمو مشهدی علی به تبریز برگشتم. بعد از چند روز با همان اتوبوس به مقصد کوزه‌کنان که در مسیر خود بعد از پیاده‌کردن مسافران در شبستر و خامنه به شرفخانه می‌رفت حرکت کردم.

در این سفر هم‌صندلی من در اتوبوس مردی از اهالی خامنه بود. در طول مسافرت از حال و هوای کوزه‌کنان و اخلاق و آداب و خلق و خوی آنان پرسش‌ها کردم. گویا خشم خفته آن مرد درباره مردم این مکان بیدار شد. از گفتار او چنین استنباط می‌شد کوزه‌کنان کانون شقاوت و مرکز مردمان بی‌شفقت و بی‌رحم است. زندگی در آن جا برای مردم غیربومی به ویژه جوانان بسیار اندر بسیار سخت و ناگوار است. همسفرم افکارم را پریشان و روانم را آزرده کرد. پس از پیاده‌شدن او در خامنه اتوبوس راه خود را ادامه داد و پس از عبور از قهوه‌خانه ی بین راهی قره کهریز و رودخانه کم‌آب و پر سنگلاخ که از عرض جاده جریان داشت در جلوی قهوه‌خانه آقای حسن صفا که کدخدای کوزه‌کنان نیز بود متوقف شد. با دلهره و دلشوره فراوان از مشتریان قهوه‌خانه نشانی مدرسه و منزل معلم ساکن دهکده را جویا شدم. برخلاف انتظار اهالی حاضر در آن محل با مهربانی و شفقت و با احترام تمام مرا به صرف چای و رفع خستگی دعوت کردند. افکار منفی و تصورات واهی ناشی از تلقین آن همسفر که به کلی مرا دگرگون کرده بود، کاسته و به ادامه کارم امیدوار شدم. و با کمک اهالی مختصر وسائل موجود در صندوق اتوبوس تخلیه و به قهوه‌خانه منتقل گردید.



بودم. به زحمت مختصر اجاره‌بها را به ایشان پرداخت می‌کردم. یادش به خیر و روانش شاد. از سایر معتمدین و محترمین کوزه‌کنان تا آن جایی که حافظه فرسوده‌ام اجازه می‌دهد می‌توان از آقایان عباس عباس‌زاده، غلامحسین قادری، اکبر و حسین آقازاده، میرآقا ملکی، حاج محمود مقدسی، و خندانی نام برد. در آن سال‌ها استفاده از گاز خانگی حتی به صورت کپسول گاز در مرکز استان و تهران نیز معمول نگردیده بود. هیچ‌گونه نهاد بهداشتی از قبیل درمانگاه، بهداشتی و موسسه بهداشتی در این دیار وجود نداشت. حتی حمام دوش بهداشتی نیز دایر نبود. افراد روستا همین‌طور آموزگاران مقیم روزهای پنج‌شنبه با طی کیلومترها راه کوهستانی خود را به خامنه می‌رساندند. ضمن خرید مایحتاج از گرمابه بهداشتی آن‌جا نیز استفاده می‌کردند. من هم روزهای پنجشنبه پس از تعطیلی مدرسه با پای پیاده همراه با روستائیان به خامنه رفته از موهبت پنجشنبه بازار و حمام بهداشتی آن بهره‌مند می‌گشتم.

تنها روحانی کوزه‌کنان در سال ۴۰ و ۴۱ خورشیدی میرزا ستار دهقان بود که در آن زمان در قم به تحصیل اشتغال داشت. در ماه‌های محرم، صفر و رمضان در مساجد منبرداری را تمرین می‌کرد.

گویا حجت‌الاسلام دهقان نیز چند سالی است که جهان فانی را ترک کرده‌اند. برای ایشان رحمت الهی آرزو می‌کنیم.

مهمان انافاک ما بود. آقای میرکریم موسوی از آموزگاران بومی و ساکن کوزه‌کنان بود. گویا در حال حاضر در شبستر به فروش لوازم مشغول هستند. با آرزوی تندرستی ایشان او به فرد فرد آموزگاران محبت خاصی داشت.

یادآوری آن ایام تارهای روحی مرا به ارتعاش درمی‌آورد. درون پریشانم را جان تازه می‌بخشد. به یاد رادمردانی می‌افتم که بی‌منت و با خلوص نیت چترهای مهربانی را بر سر آموزگاران از جمله حقیر گسترده بودند. از آن جمله می‌توان از روان شاد حاجی‌نوروز نوروزی یاد کرد. که از هیچ کوششی برای رفاه حال ما دریغ نداشتند. او تنها خواربار فروش دهکده بودند که در مدت یکسال مستأجر ایشان

++++

دریانی و بقیه به کمک اهالی تأمین می‌گردد. نخستین دبستان کوزه‌کنان به وسیله آقای عباس قلی آقاجانی با همکاری میریوسف گلابی اداره می‌شد. بنا به گفته اهالی برای تأسیس دبستان در کوزه‌کنان آقایان میرفتاح موسوی، سیدعباس موسوی و میرعلی حبیبی پیش‌قدم بودند و زحمات زیادی کشیدند. شنیده‌ها حاکیست هر سه نفر دنیای خود را عوض کردند و به رحمت ایزدی رفتند. سیدعباس مردی محترم و مقدس مآب و در میان جمعیت روستا به قداست مشهور بود. میرفتاح و برادرش میرمرتضی از ثروتمندان به حساب می‌آمدند. آقای حبیبی سخنگوی مشکلات آبادی در مقابل مسئولان دولتی بودند که گاه‌گداری به محل می‌آمدند. در آن زمان کدخدا حسن صفا عهده‌دار دهبانی محل بود. قهوه‌خانه سر جاده اصلی نیز متعلق به او بود که از روستا فاصله چندانی نداشت. این قهوه‌خانه که پاتوق اهالی بود به وسیله فرزندش (سرخوش) اداره می‌شد.

در سال ۱۳۳۹ دبستان کوزه‌کنان ۶ کلاسه بود. آقای کمال‌الدین شفیعی مدیریت مدرسه را عهده‌دار بودند. آقایان اسماعیل غفاری و لطیف کریم پور و اسماعیل طهمورثی که اهل و ساکن خامنه بودند در روزهای کاری فاصله چند کیلومتری جاده کوهستانی از خامنه و بالعکس را با دوچرخه رکاب می‌زدند.

آقای محمدرضا رونقی اهل و ساکن شبستر با انرژی پایان ناپذیر جوانی، فاصله ۱۲ کیلومتری را با دوچرخه خود رفت‌وآمد می‌کرد. گاه‌گاهی نیز به علت شرایط آب و هوایی و خستگی

# محله سیسبک



اسماعیل اسماعیل زاده شبستری



سیسبکلنون انباری یوخ آغالار      وارلیلری کهریز آلاز باغ آلاز  
 چوخ قور خورام بیر بیر بنی بوغالار      سودان اتری خان باجیلار آی بالا  
 بیر دامجی سوقلیتینه توکولر      اول گن نودان اوسته تیکیلر  
 قاب دو لونجا جوان قدی بوکولر      یتیمیش عورت نوبت بکلر آی بالا (معجز)

۱۳۷۶ احداث گردیده همچنین مسجد قدیمی محله سیسبک با همت ایشان در سال ۱۳۹۶ تجدید بنا شده است. بین ساختمان حسینیه و مسجد کوچهای وجود دارد که در سمت دیوار غربی مسجد یاد شده حوض آبی وجود داشته که شاخهای از آب قنات خیراب

میباشد. در طول محله مزبور ده باب کوچه و دربند وجود دارد که در ورودی هیچکدام از آنها، تابلوی نام کوچه نصب نشده است. لازم به یادآوری است که در محله مذکور حسینیهائی توسط خیر محترم جناب آقای یوسف کلاهی در سال

محله فوقالذکر در سمت شرقی ورودی راسته بازار واقع گردیده که در نبش شمالی آن مسجد آقا قرارداد که اخیراً از طرف اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان شبستر تجدید بنا شده است. طول محله یاد شده ۳۸۰ متر و عرض آن ۹ متر و در بعضی قسمتها ۱۰ متر

صورت بود که کرم ابریشم (۱) حشره کوچکی به طول حدود دو سانتیمتر میباشد.

این حشره از ترشحات بزاق دهان خودش پرده محافظی به دور خودش تنیده و در میان آن محصور میشود.

خوراکش برگ توت است و با خوردن آن در یک پیله ۱۲۰۰ متر تار ابریشم می‌تند

بدینسان جهان را درباره آفرینش سرگشته و حیران مینماید، این پیله‌ها جهت بافت پارچه ابریشم به تغلیس ارسال میگردید.

۲- آقایان رضا و علیاکبر اقدام نسبت به بافت چادرشب مشغول بودند.

۳- آقایان اسدپوربابا، میرزاعلی محمد حسین زاده، بافندگان فرش

۴- کربلایی... حاسبی نبات ریز.

(۱) تاریخ معجم به آن هم اشاره کرده است.

محمد رضا مؤدب، محمدباقر مصحفی، محمدجعفر مصحفی، حمدطاهر تاراجی، ابراهیم تاراجی، میرزا نصرالله یحیی پور، میرزا علیاکبر خلوصی، حاج جواد حسینزادگان، غلامرضا کلاهی، حاج قربانعلی عسل فروش، آقاحسین حبیبی، میرزا علی محمد حسینزاده (چاوش)، کربلایی میرهاشم پیمان، میراسماعیل پیمان، حاج میرجواد پیمان، حاج علی اکبر علوفی، حاج عباسقلی پورعلی محمدی، میرزا علی عطاری، کربلایی علی حاسبی، میرزا علی معجز شبستری، قاسم طاحونچهچی و...

### ● مشاغل رایج در گذشته:

۱- جد پدري مرحومین برادران مصحفی (محمدباقر و محمد جعفر) حدود ۲۰۰ سال پیش به شغل باریما اشتغال داشتند.  
باریما (پرورش پیله ابریشم) به این

به آنجا جاری بوده که آن محل قلتین نامیده میشد که مردم محل آب مورد نیاز خود را از آنجا تأمین میکردند، روبهروی قلتین سمت شمالی معبر کوچهای وجود دارد که منزل مرحوم معجز در وسط آن مستقر میباشد، در نبش جنوبی انتهای محله سیسبک که به گذرگاه عمومی ختم میشد اداره دارایی شبستر در زمین باغ سابق مرحوم عبدالله جعفری احداث گردیده است، در نبش شمالی انتهای محله نیز ساختمان مدرسه امیرکبیر در زمین قبرستان متروکه به مساحت ۲۶۵۲ متر در سال ۱۳۵۲ ساخته شده است که در حال حاضر نیز دایر میباشد، در سمت شرقی معبر عمومی انتهای محله سیسبک جوی آبی وجود داشت که رودخانه چای به طرف جنوب جاری بود و چند متر پائینتر از انتهای محله، آسیاب مرحوم قاسم طاحونچهچی معروف به قاص دده (مردی نابینا و سخنور که در نوازندگی ساز استاد بود).

مرحوم معجز با ایشان دوستی دیرینه داشت و اکثر شبها در پشتبام آسیاب نامبرده حضور پیدا میکرد و ضمن استماع آهنگ ساز دلنواز قاص دده به قصه‌گویی و داستانهای ایشان گوش میداد.

### ● درگذشتگان شاخص ساکن در محله سیبک

حاج تارورد، حاج مهدی و حاج سلمان حسین زادگان، آقامیرجعفر ساداتیان، حاج غلامرضا قرهیاضی، کربلایی محمد علی قرهیاضی، حاج محمدحسین اختری، حاج لطفعلی برقی،



## بزرگداشت استاد عاشیق قشم کندرودی

تنظیم گزارش: محمد باقر احسانی (آراز گونئیلی)



کندرودیهای مقیم تهران (همشهریههای عاشیق قشم) و سایر سازمانها و افراد علاقمند به فرهنگ و هنر آذربایجان و گونئی برگزار شد، در ابتدا گروههای عاشیقهای شرکت کننده که از نقاط مختلف ایران در مراسم حاضر شده بودند، به اجرای دسته جمعی پرداختند، سپس نوبت به سخنرانی افراد و شخصیتها رسید.

اولین سخنران مراسم آقای جمشید صالحی شبستری مدیر مسئول نشریه پیام شبستر بود که به عنوان دبیر فستیوال و همایش بزرگداشت، به ایراد سخن پرداخت.

آقای صالحی در ابتدا ضمن تبریک هفته وحدت و میلاد پیامبر اسلام (ص) در معرفی شهرستان شبستر گفت: این منطقه به منطقه فرهنگ و ادب و شهرستان خیرین معروف است و مردم این خطه آذربایجان در مواقع بروز مصیبت در ایران و جهان همیشه یار و یاور و شریک غم مصیبت دیدگان بودهاند. وی از تمامی دست‌اندر کاران برگزاری مراسم و سازمانها و اشخاصی که به هر طریق در برگزاری مراسم بزرگداشت عاشیق قشم دخیل بودند از جمله اهالی روستای کندرود زادگاه عاشیق قشم و جمعیت خیریه کندرودیهای مقیم تهران، خانه ایران عاشیق‌قلاری و مدیر عامل آن عاشیق سلجوق شهبازی، و شهرداری تهران به

بزرگداشت استاد عاشیق قشم کندرودی (گونئیلی) با حضور شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی، ادبی و هنری آذربایجان و ایران در سالن پردیس تئاتر تهران در اواخر آبانماه سالجاری برگزار شد. در این مراسم، که در ادامه بزرگداشت بزرگان و نام آوران منطقه شبستر و ارواق وانزاب برگزار می‌شد، علاوه بر عده کثیری از اهالی شهرستان شبستر و همشهریان مرحوم عاشیق قشم و علاقمندان هنر عاشیقی، نمایندگانی از کشورهای آذربایجان، ترکیه و گرجستان، شخصیت‌هایی از جمله دکتر حسین زاده معاون وزیر صنعت و معدن، دکتر امین لو نماینده شهرستان در ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، پروفیسور آصف محمد اوو، خانم دکتر آقا پور علیشاهی نماینده فعلی مجلس، دکتر علی اکبر صفی پور، فاریس خلیل اوو، علیرضا قجاری معاون مدیر کل ارشاد آذربایجان غربی، دکتر عابدینی مشاور وزیر صنعت و معدن، دکتر حسین صیامی فلکلور شناس و محقق فرهنگی، دکتر بابک ربوفه رئیس اداره موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران و شخصیت‌های ادبی، فرهنگی، و سیاسی علاقمند به هنر آذربایجان و خانواده عاشیق قشم، حضور داشتند.

در این مراسم که به همت و تلاش خانهای عاشیق‌های ایران (ایران عاشیق‌قلاری انوی)، نشریه پیام شبستر، جمعیت خیریه

سخنران مراسم هم طی سخنانی به معرفی این مجله و نشریه برای حضار پرداخت و سرفصلهای این نشریه را بر اساس اهداف آن برشمرد. وی از حضار و اهالی شهرستان خواست همچون گذشته پشتیبانی و حمایت‌های خود را از نشریه دریغ ندارند.

یکی دیگر از سخنرانان مراسم بزرگداشت عاشیق قشم، آقای نقابی از فرهیختگان و پیشگامان فرهنگ و ادب شهرستان شبستر بود. آقای نقابی به بیان خاطرات خود از عاشیق قشم پرداخت و سخنان خود را با خواندن این بایاتی به پایان برد:

عاشیقین‌هارا یندان ائل یاتمازهارا یندان  
گونده بیر کرپیچ دوشور عمرومون سارایندان  
سخنرانی بعدی مراسم، آقای داور زمانخانی جمع‌آوری‌کننده آثار و اشعار عاشیق قشم در دو کتاب: «ائل منی آتماز» و «وطن بولبولویم، ائل عاشیقیم» بود.

وی طی سخنانی به زبان ترکی، صحبت‌های بزرگانی را بیان کرد که در مورد شخصیت، استادی و تبحر عاشیق قشم در هنر گفته بودند.

آقای زمانخانی ضمن تعریف خاطرات خود با استاد و توجهات‌ایشان به خودش، به مقطعی از زندگی عاشیق قشم اشاره نمود که به دلیل دفاع از مظلوم و حق مردم و مقاومت در مقابل استبداد شاهی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در کوه ساکن شده بود. وی اضافه نمود: انقلاب اسلامی انتقام عاشیق قشم را گرفت و ما اکنون به برکت همین انقلاب است که برای آن مرحوم و دیگر بزرگان مراسم بزرگداشت می‌گیریم.

دکتر حسن امین‌لو نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی از شهرستان ارومق و انزاب (شبستر) هم طی سخنانی، ضمن خوش آمدگویی به مهمانان و حضار شرکت‌کننده در مراسم گفت: قرار بود دکتر محمد زاده استاندار محترم آذربایجان شرقی هم در این مراسم شرکت و سخنرانی داشته باشند اما متأسفانه به دلیل وقوع

خاطر تخصیص سالن محل برگزاری مراسم، تشکر و قدرانی کرد. آقای صالحی افزود: بعد از برگزاری مراسم بزرگداشت شاعر بزرگ شهرستان، مرحوم معجز شبستری، عده زیادی از فرهنگ‌دوستان و علاقمندان به بزرگان و مفاخر منطقه و آذربایجان، درخواست کردند که اینگونه مراسمات بزرگداشت ادامه پیدا کند و ما هم در همان راستا، امروز شاهد برگزاری بزرگداشت عاشیق قشم، استاد سخن و هنر عاشیقی هستیم.

مدیر مسئول نشریه پیام شبستر در مورد مرحوم عاشیق قشم گفت: وی یکی از افتخارات بی‌بدیل منطقه ما و رهرو حق و استاد سخن است. اصولاً همه عاشیق‌ها رهرو حق بودند و هستند که عاشیق قشم هم در راه دفاع از مظلوم دادش بلند بود و به این خاطر در رژیم گذشته مجبور شد چند سالی را در کوه‌ها سپری کند.

آقای جمشید صالحی دبیر اجرایی بزرگداشت ادامه داد: ما به پاس قدردانی از زحمات این استاد و تلاشی که یک عمر برای شادی مردم داشته است، این مراسم را برگزار می‌کنیم و من از طرف دست‌اندرکاران مجله پیام شبستر به برگزاری این گونه مراسمات افتخار می‌کنم.

بعد از صحبت‌های آقای صالحی، آقای بابک ربوفه رئیس اداره موسیقی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران سخنرانی نمود: وی با نگاه تخصصی به موسیقی عاشیقی گفت: موسیقی عاشیقی تنها موسیقی است که تمامی کشورهای که این نوع موسیقی را دارند در یک دستان و پرده بندی، با مقام‌هایی که برای آن تعیین شده‌اند، اجرا می‌شود و این نشان دهنده قدرت، صلابت و قدمت این نوع موسیقی است.

دکتر ربوفه در پایان سخنان خود گفت: ما می‌بایستی همیشه به یاد بزرگان قوم خود باشیم و آنان را گرامی بداریم.

آقای سید حسین غزالی سر دبیر مجله پیام شبستر، دیگر



تلاشهایی می‌شود که این مراسم یکی از همین تلاشهاست. وی در پایان سخنان خود از مجله پیام شبستر و سایر دست‌اندرکاران برگزاری مراسم و گروه‌های عاشیقی شرکت کننده در مراسم، استاد سلجوق شهبازی مدیر عامل خانه ایران عاشیقاری، مهمانان خارجی و شخصیت‌های ادبی و فرهنگی، تشکر و قدرانی کرد.

دکتر حسین زاده معاون وزیر صنعت و معدن هم طی سخنانی در این مراسم، ضمن ابلاغ سلام وزیر صنعت و معدن به حضار گفت: ما باید تلاش کنیم سنتها و فرهنگ خود را به فرزندمان منتقل کنیم و ملتهایی که سعی در حفظ ریشه‌های خود هستند در تمام اعصار و قرون پایدار و پابرجا هستند. این بیانات معاون وزیر که به زبان ترکی انجام شد مورد تشویق شدید حضار حاضر در سالن واقع شد.

در این مراسم گروه‌های عاشیقی از نقاط مختلف ایران و کشورهای ترکیه، آذربایجان و گرجستان شرکت کرده بودند که به اجرای برنامه پرداختند.

از جمله عاشیق «صفر آک اوزوم» از ترکیه که به اجرای اشعاری از عاشیق قشم پرداخت

و عاشیق قارا بور چالی از کشور گرجستان و گروه عاشیق‌های گونئی به سرپرستی عاشیق احد علیشاهی گروه عاشیق‌های کرج و استان البرز به سرپرستی عاشیق فرج مرادی

گروه عاشیق‌های همدان به سرپرستی عاشیق نصرت اله زرگر گروه عاشیق‌های تبریز به سرپرستی عاشیق شهباز سلیمانی گروه عاشیق‌ها سهند آوا به سرپرستی عاشیق اروج ناجی وند گروه عاشیق‌های اهر به سرپرستی علی فریدی گروه عاشیق‌های استان قزوین به سرپرستی عاشیق مجیدی

پور

گروه عاشیق‌های قره داغ به سرپرستی عاشیق عارف حمیدی گروه عاشیق‌های میانه به سرپرستی عاشیق عارف قاسمی گروه عاشیق‌های ده قور قورد به سرپرستی عاشیق ستار

بابایی

گروه عاشیق‌های مشکین شهر به سرپرستی عاشیق علی حضرتی

و گروه فولکلور به سرپرستی استاد فرامرزی و خانم فاروقی و گروه عاشیق سلجوق شهبازی

یکی از نقاط قوت این همایش، استفاده از اجرای دو مجری توانمند به نام‌های خانم سمیرا تقی زاده و دکتر قدیر پاشاپور بود که صحبت‌های آنان بخصوص صحبت‌ها و دیگلمه‌های ترکی دکتر پاشاپور در میان برنامه‌ها، رنگ و بوی خاصی به همایش بخشیده بود به طوری که تحسین حضار را برانگیخت.



زلزله دز استان، ایشان نتوانست در این مراسم شرکت کنند که من حاوی سلام ایشان برای شما حضار محترم هستم.

دکتر امین لو ادامه داد: هر قومی دارای فرهنگ بخصوص خود می‌باشد و ما ترک‌ها هم دارای فرهنگ مخصوص خود می‌باشیم. یکی از مولفه‌های مهم و اصلی فرهنگ ما ترک‌ها و آذربایجانیها، سنت و موسیقی عاشیقی است.

دکتر امین لو گفت: بعد از ظهور اسلام و حتی قبل از آن، عاشیق‌ها با نام‌های مختلف از جمله «اوزان»، «ده ده»، «بخشی» و غیره در جامعه و میان مردم حاضر بودند و عاشیق‌ها نقش مهمی در گسترش اسلام داشتند و با ساز و آواز خود، بنا به گفته کتاب حماسی ده ده قور قود، مبانی اسلام را به مردم معرفی می‌کردند. دکتر امین لو افزود: تمام و اکثریت قریب به اتفاق ترک‌های جهان مسلمان هستند و می‌توان گفت ترک‌ها بزرگترین قوم مسلمان را از نظر جمعیت در جهان تشکیل می‌دهند و عاشیق‌ها نقش بزرگی در گسترش دین اسلام و بسط آن در میان این قوم داشتند.

دکتر امین لو در مورد تعریف واژه عاشیق گفت: عاشیق عارف است، عاشیق شاعر و نوازنده است و در اشعار و صحبت‌های خود، مسائل اجتماعی و دردهای جامعه را بیان می‌کند.

نماینده سابق مردم شبستر افزود: مهمترین نکته‌ای که عاشیق‌ها را برتر از سایر هنرمندان قرار می‌دهد عرفان است که در میان آنان وجود دارد. عاشیق باید عارف باشد و عاشیق‌ها عارفند، حالا عارف به چه معناست؟ شیخ محمود شبستری در مورد عارف می‌گوید:

«دلی که معرفت نور و صفا دید

ز هر چیزی که دید اول خدا دید».

که عاشیق علمسکر این جمله را به ترکی ترجمه و در اشعار خود آورده است.

دکتر امین لو گفت: ما باید در کنار حفظ سایر سنت‌های خود، به حفظ این هنر و سنت خود هم اهتمام بورزیم. البته

# وطن بۆلبۆلو، ائل عاشیقی



دکتر ح. م. صدیق / استاد سابق دانشگاه‌های تهران

من بو مقاله مده‌ایکینجی کیتابی اینجه لمه یه چالشمبشام. متالارین سؤنودا وئردیییم صفحه سایلاری، همین کیتابا عائددیر.

عاشیق قشم کۆندۆرلۆدور، میشوو داغینب اته یینده دۆنیایا گۆز آچمیشدی. قشم اۆزۆنۆ- عاریفلر دیلی ایله- مهمان حساب ائدیر. یعنی غیب عالمیندن بورا قوناق گلیمیشدی و جاهل گۆزلردن گیزلنمیشدی. هم مهمان و همده پنهان ائدیلیمیشدی:

میشوو سنه قوربان اولوم،

منی مهمان ائيله دین سن.

یامان گۆنده، بد چاغمدا،

منی پنهان ائيله دین سن (وطن بولبولویم- ص ۲۳)

و یا:

بئش ایل اولدوم داغدا پنهان،

قۆدود منی قاری دوشمان،

ایاغیمی دلدی تیکان،

مأمورلار منی گۆددۆلر،

عایله می اینجیتدیلر. (وطن بولبولویم- ص ۲۰)

و یا:

ائی اولو آتامین سیر داشی میشوو،

ائی آغری داغینب قارداشی میشوو!

بو زامبور قشمین بولداشی میشوو،

پنهان ساخلا منی، گلدیم، ها گلدیم! (وطن

بۆلبۆلویم- ص ۴۵).

عاشیق، گۆنچ و اویونچ ایله اۆز اصالتی و اۆز کۆکۆندن دانیشاندا، قومی منسوبیتینی ایتیرمه مه یی بیر اصل حساب ائتمه یینی اۆزه چکیر. بیز اوندان یادگار قالان شئعرلرینین بیر نچه یئرینده بو مسأله یه راست گلیریک. آنا محبتی و وطن عشقی، ائل قایغیسی ایله ده بیرلشنده، شاعیرین «منده تۆرکم» کیمی اویناق گرایلبسی یارانیر:

آنام منه لایلا دیئیپ،

ائلیم تۆرکدۆر، من ده تۆرکم.

سۆد وئریب منی بسله ییب،

عاشیق شئعی و عاشیق داستانلاری، آذربایجان کلاسیک ادبیاتی ایله یان- یانا بۆیۆمۆش و یئتگینلییه چاتمبشدر و اۆزۆنه مخصوص بیر معنوی ده یر و یارادچیلیق یاتاغینا چئوریلیمیشدیر. تۆرک دیلی خلقلر آراسیندا یارانان بو ادبیات یاتاغی، اولوسلار و میلتر آراسیندا تایی تاپیلماز بیر گئیش ساحه دیر. شفاهی عاشیق ادبیاتی، رسمی کلاسیک ادبیاتیمبزیله یاناشی یوزایلردن بو یانا گلیب بیزه چاتان معنوی بیر وارلیق ساییلیر. یعنی باشقا میلترلایله فرقلی اولراق، آذربایجان تۆرک شئعی ایکی اساس دالا بۆلۆنۆر: ۱. رسمی کلاسیک شئعر، ۲. عاشیق شئعی.

بوایکی بۆلۆمۆن یانیندا البته کی اۆچۆنچۆ فولکلوریک شئعلرده، هر میل آراسیندا اولدوغو کیمی بیزده ده واردیر.

عاشیق شئعی میزده ایشلنن شئعر اۆلچولری عمومیتله هجا اۆلچولری دیر و اۆزۆنه مخصوص قاید- قانونلاری واردیر. بو قایدالاری ایلیک نظمه سالان ادبیات نظریه چیسسی امیر علی شیر نوایی اولموشدور. او میزان الاوزان ادلی شئعر اۆلچولرینه عائد یازدبغی کیتابدا «اوزان» ozan شئعلرینه ده یئر وئرمیشدی.

اوزان یا عاشیق شئعی نده، هر شئعده اولدوغو کیمی ایهام، خیال، ایجاز، عاطفه و بو کیمی شئعه عائد صنعتلر و ایچه ریکلر گۆرۆنۆر و اؤنلاردان داها اهمیتلی بودورکی، سۆز جۆک داغارجبغی و موسیقی گئدیشی داها قاربیق شکیلده گۆزه چاریپر. بلکه ده دئمک اولار کی، موسیقی عاشیق شئعی نین ان اساس عامیلی ساییلیر.

عاشیق دئدیکه، بورادا شئعر یازما قابلیتینه ده مالیک اولان ساز و سۆز اوستادلارینې نظره آلبرام. اؤنلاردان بیز ایله چاغداش اولان بیرسی، مرحوم عاشیق قشم دیرکی، بورادا شئعلرینین بعضی مضمون و معنالارینې سبرالاماغا چالپشاجام.

عاشیق قشمین شئعلری ایندی. اۆچ مجموعه حالیندا علم عالمینه معلومدور: ۱. ائل منی آتمازه. ۲. وطن بۆلبۆلویم، ائل عاشیقیم.

آذربایجان، آذربایجان (وطن بولبولویم - ۱۵).  
 آذربایجانن هر نقطه سی اونا دوغما دپر، سئویمیلیدیر.  
 عمر و نون بعضی ایلرینده بیر مدت اورمودا یاشامیشدپر و  
 بو گۆزل جنت بوجاگی اولان شههره شئعرلر یازمیشدپر:  
 نه قده ر اورمودان دانبشسام آزدپر،  
 نهرلرده اوزن اوردکدی، قازدپر.  
 قشمین وار - یوخو صدقلی سازدپر،  
 گۆزل اولار ییغنجاغی اورمونون (وطن  
 بولبولویم - ۴۷).

و یا تبریز اوچون حصر ائتدییی قهرمانلیق مضمونلو  
 شئعرلرینده، حماسه پرور بیر عاشیق - شاعیر  
 کیمی چپخپش ائدیر:  
 بۆتۆن تاریخلرده آدین - سانین وار،  
 حسین باغبانین وار، ستارخانین وار.  
 استبداد غنیمی باقرخانین وار،  
 سنه آرخالانیر بوایران، تبریز! (وطن بولبولویم - ۴۸)  
 و یا مشکین، مغان و اردبیله عائد یازدبغی بیر قوشمادا،  
 وطنه باغلی روحو و صمیمی دیلی ایله ائللریمیزین شرف  
 و شوکتیندن سۆز ائدیر:  
 قوجا بیگلی گۆردوم آغبر ائللیدیر،  
 ساری خوجالیدپر، سیاه تئلیدیر.  
 مقدم طایفاسی شیرین دیلیدیر،  
 چوخ اوجا دۆشۆبدور داغلی آنلانین (وطن بولبولویم -  
 ۴۸).

اول قاشی کمان گلمهدی! (وطن بولبولویم - ۲۱)

قشم غم و کدردن چوخ سۆز ائدیر. اوزونۆ درد یاناغی  
 سایپر. لاکن، اصلینده او، سئوینج و گۆلمک - دانبشماق  
 شاعیریدیر. گۆلمه یینی ایسه، ائللرین شادایانالپغینا  
 باغلاپر:  
 دلی کۆنلۆم باتما غمه،  
 ائللر گۆلسه، من گۆله رم (وطن بولبولویم - ۱۶)

عاشیق قشم اوزونۆ دندیینه گۆره، آذربایجان خلقینین  
 دوشمنی اولان شاه رژی می ایله مبارزه ایلرینده ۱۵ ایل  
 داغلاردا - داشلاردا قاچاق یاشامیشدپر:  
 قشم بولبول ایدی گۆل بوداغیندا  
 بئش ایل قاچاق اولدو میشوو داغیندا. (وطن بولبولویم -  
 ۴۸)

دیلم تۆرکدۆر، منده تۆرکم. (وطن بولبولویم - ص ۱۷)  
 و یا:

قشم سئور گۆنئی ائلین،  
 خدمته باغلادی بئلین.  
 اونودمادی انا دیلین،  
 دۆز بۆلبولۆم باهار گل سین (وطن بولبولویم - ۱۸)  
 اونون نشر اولان شئعر مجموعه لرینین آغبر حصه سی  
 یوردونون تعریفیندهدیر. عاشیق، اوزونۆ گۆنئی یوردونا  
 باغلی بیر ورغون حساب ائدیر و هر سۆز باشیندا  
 گۆنئیدن دانبشپر و «گۆنئیستان» ی وصف ائدیر:  
 یازدیم تاریخلرده قالسین یادگار،  
 باهار گۆنئیده دیر، یاز گۆنئیده دیر.

همی یایلاغی وار، همی آرانپی،  
 قوبا گۆنئیده دیر، قاز گۆنئیده دیر (وطن بولبولویم - ۴۴)  
 عاشیق محمد علی اوغلو عاشیق قشم، اوزونۆ خسته  
 قاسیمین نوه - نتیجه لریندن حساب ائدیر. او،  
 بعض «قلندر» و گاهدا «زامبور قشم» تخلص ائتمیشدیر.  
 او، همده اوزونۆ عاشیق حسین جوانین دوستو و معنوی  
 قارداشی سایپر و اونا بیر چوخ شئعرلر هدیه ائدیر:

عاشیق حسین قویدو گئتدی،  
 اۆرگیم سؤیدو گئتدی.  
 یوخسا مندن دؤیدو گئتدی،  
 گلمهدی جوان، گلمهدی،  
 عاشیق قشم گۆنئیلیدیر. دفعه لر گۆنئی بۆلگه سینه اولان  
 محبت و عشقینی دیله گتیرمیشدیر. اوزاق دۆشدویۆ  
 زمان ایسه، آلاهدان بیر داها اوزایا دۆنه بیلمه یی دیله  
 میشدیر:

قشم، سئویرم یوردوم ایرانی،  
 منه قسمت ائیله آدرستانی.  
 کۆنلۆم چوخ ایسته بیر گۆنئیستانی،  
 بو میسکین قولونا کرامت ائیله،  
 قادر الله منی حمایت ائیله. (ص - ۱۶۲)

آنا یوردو آذربایجانا جانان سئوگی بسله یین عاشیق قشم،  
 اونسوز اوزونۆ یوخ حساب ائدیر، اونون قوچاق نبی، هجر  
 و کوز اوغلو سونا گۆوه نیر و اوزونۆ سؤیکنه جک و دایاق  
 سایپر:  
 سنین واردپر قوچاق نبین،  
 بوز آتا میندی هجرین.  
 تورکو دیلینده شئعرلرین،



یارانمبشارلرین پناهی،  
ایکی دۇنیا پادشاهی،  
سنسن عفو ائدن گناهی،  
سن ماسوانی یاراتدین (وطن بولبولویم- ۳۳)  
اؤنون جوشغون مذهبی بیر روحی واردپر. مشهده زیارته  
گئتدییی زمان بیر نئجه گرایلی و قوشماایله اۆره کدن  
آغلاپر، سبتقاپر و امام رضا(ع)دان عنایت ایسته بیر:  
گلدیم آغا زیارته،  
ضریحینده عبادته.  
من محتاجام عنایته،  
اجازه وئر غریب آغا (وطن بولبولویم- ۳۵)  
عاشبق قشمین یارادبجیلپغبندا «حیدر بابا  
مکتبی» اینجیلریندن سایپلان «میشوو داغی» منظومه  
سینین اؤزونه مخصوص یئری واردپر. شاعیر، ۴۰ بنده-  
باخین اولان بو منظومه نین هر بندینی، میشوو داغبنا  
خطاب ائده رک سؤزلرین دئییر، طبیعت گؤزلیکلرینی  
و جنّت کیمی گوشه لرینی وصف ائدیر، کندلرین و دره  
لرین آدلارین سبرالایپر، گووه نرک شیخ محمود و میرزا  
علی معجزدن آد آپارپر و بیر سؤزله فخریه کیمی یازدبغی  
منظومه نی عاشبق ادبیاتی خزینه سینه آرتپر:  
میشوو داغی پاییز تویبار باشلانار،  
قؤورغانین یانانلاری داشلانار.  
گؤل تعریفی بیزیم ائله خوشلانار،  
میشوو داغی سندن الهام آرارلار،  
عاشبقلار کؤکله ییب سازین چالارلار. (وطن بولبولویم،  
ص ۲۱۲).  
عاشبق قشم جعفری، شمسی ۱۲۸۸- نجی ایله  
دوغولوموش ۱۳۶۸- نجی ایله وفات ائتمیشدیر. ۸  
یاشبندا ایکن آتاسپن و بیرایل سؤنرا آناسپنی الدن  
وئرمیشدی. ۱۳۱۳- نجوایله کیمی غربتده یاشامبش  
و ۲۵ یاشبندا ائولنمیشدی. اؤنون اثرلرین، آقای داور  
زمانخانی و آقای حسین محمد خانی گونئیلی تویلاپب.  
چاپ ائتمیشلر.  
۱۳۹۳- نجوایل شهریور آپیندا اؤنچون طنطنه  
لی آغبلاما توره نی بریا ائدلمیشدیر. عاشبق قشمین  
یاشادبغی ائو، اؤلکه میزین ملی اثرلری سبراسبندا ثبت  
اؤلونموشدور و اؤنون آدبنا مدنیت ائوی قورولماقدادپر.  
الله اؤنا غنی- غنی رحمت ائله سین.

«میشوو» سؤزؤن بورادا معنوی بیر آنلامیدا اولمالدپر.  
یعنی سؤز یوخ کی بؤیا- باشا چاتدیغی و منسوب  
اؤلدوغو ائللریده قصد ائدیر. او، عاشبق حسین جوان  
کیمی سیاسی مهاجرته اؤز گتیرمه دی و یا گتیره بیلمه  
دی. لاکن ائللرینین حمایه سینده و یوردونون قوینوندا  
یاشادی و عزت گؤردو. چؤن کی اؤزؤ دئمشکن دؤیوشکن  
و مبارز بیر روحیه صاحبی ایدی:  
ظلم کارا اؤز وئرمه ریک، قان سؤرانی ازه ریک،  
ائل یؤلوندا هر سیتمه دایاناربق، دؤزه ریک.  
قشم کیمی بنش ایل تمام یایلاقلاردا گزه ریک،  
اینانمبشبق ازل گؤندن اسلاما، قرآنا بیز.  
عاشبق قشم عارف بیر عاشبقدپر. دده قوربانی کیمی،  
علسگر تکی عرفان نغمه کاری دیر اؤزؤ شریعت طالب،  
حقیقته وورغون و شاه مردان علی(ع) مریدی سایپر:  
من طالبم شریعته،  
وورولموشام حقیقته،  
چوخ دئمشم جمعیته،  
مولامدان الهام المیشام (وطن بولبولویم- ۲۴)  
قشمین آذربایجاندا یایغبن اولان طریقتلرین هانسبنا  
باغلی اؤلدوغو هله آیدینلاشمامبشدپر. اما هر حالدا  
او اؤزونه «قلندر» لقبی وئریر و بیر طریقتچی عاشبق  
کیمی ظهور ائدیر:  
شاه مرداندپر مرادیم،  
قلندر قشم دیر آدمیم. (وطن بولبولویم- ۲۴).  
اؤزؤن کفرؤن دوشمنی حساب ائدیر و بیر مبارز حقیقی  
مسلمان کیمی دئییر:  
من قشمم شئعر یازپر،  
کفرؤن کؤکؤنؤ قازپر (وطن بولبولویم- ۲۵).  
و یا:  
من آلاهبین بنده سییم،  
الله منه مددکاردپر،  
من ائلمین گور سسی یم،  
یازدبقلاریم یادگار دپر. (وطن بولبولویم- ۲۶)  
و یا:  
مولام منی ارشاد ائدیب،  
مرشدؤم شاه مرداندپر.  
اؤخوموشام دؤرد کیتابی،  
اما کیتابیم قراندپر. (وطن بولبولویم- ۳۰)  
تانری درگاهبنا ایسه اؤز گتیرنده ده عارفانه دانبشپر،  
شئعلری، طریقت اهلی آراسبندا سسلن «کلام» لارا  
بنزه بیر:

ایلك اؤنجه، یئری وار بو دانیشیقلاری، هیدایت و مودیریت ائدن، آذربایجانین شرفلی و ائلینین، یوردونون، مدنیتی اوغروندا چالیشان اینسان، جناب موهندیس محمد زیدی دن درین تشککورلریمیزی بیلدیره رک، بو عزیز ائل آغ ساققالینیا داها اوغورلار دیله یک.



## عاشیق حسن اسکندری ایله دانیشیق



منوچهر فضلی



وحید فرشاف

چالمیشام، اوندا عاشیق قشمین آدین ائشیدردیم، ۱۳۵۰-دن ساز گۆتورموشم، یاواش- یاواش ساز گۆتورن زامان، هردن بیر قهوهیه گلردی. عاشیق قشم کونورده اولاردی. هامی سئوینردی عاشیق قشم گلیب. اوجا بویلو بیر شخص ایدی، لبه دار پاپاق قویاردی، عینک ووراردی. بیر سؤز عرض اندیم کی، بیز گندیب اونا سلام وئرمهیه ده اوتاناردیق، موقید اولاردی بیز اونا سلام وئرنده. او زامان اونون قییافه سی یله تانیس اولدوق. اؤزو ده بعضی واختلار قهوه ده اوخویاردی، چوخ گؤزل حزین سسی وارایدی. عاشیق قشم سؤز اوستادی یدی، واقعن- یاواش- یاواش تانیس اولدوق. ۱۳۵۴-ده تربیت کیتابخاناسیندا برنامه قویدوم، اورجلق گنجه لری، او زامان بیر هفته قاباقدان آدلاریمیز گئردی ساواک،

آشان عاشیقلا ریمیزدان دیر. پیام شبستر فرشاف: عاشیق، بوندان کی، واختینیزی بیزه وئردینیز، میننت داریق. عاشیق قشم آدینا چاپ اولوناجاق پیام شبستر درگیسی نین اؤزل سایینا گوره واختینیزی آلمیشیق، آلتی یئددی سورغوموز اولاجاقدیر. عاشیق قشم له باغلی اولان معلوماتینیزدان ایستیفاده ائده جه بیک . عاشیق حسن: چوخ خوشگلیب سینیز، خیدمتینیزده یم. فرشاف: عاشیق قشم له تانیسلیغینیزهاچان باشلادی؟ کیمین توسطویه اولدو؟ عاشیق حسن: تامام ائشیدن دوستلاریمیزا، عاشیق لاریمیزا، موغنی لریمیزه، ایران خالقینا، او تایلی- بو تایلی آذربایجان خالقینا سلام عرض اندیرم. من، ۱۳۴۹-۱۵ بیرایل قوال

**دانیشیق آپاران: موهندیس وحید فرشاف**  
**کاغیذا کؤچورن: منوچهر فضلی**  
**خلف (آزر ائلی)**

آذربایجانین، ان سئویلن، خالقین اوره بینده یئر سالان، ائلیمیزی اونودولماز خاطیره لر یاشادان عاشیق حسن اسکندری نین قوللوغونا گئتدیک، آچیق قاپی و قوناق سئورلیک له قارشیمیزا چیخدی. خوش-بئش دن سونرا دانیشیغا کئچدیک، اتکده، سیزی بو صمیمی دانیشیغین اوخوماغینا قوناق اندیریک. آشیق حسن اسکندری بؤیوکلیو قده ر ده آلچاق کؤنول دور. آشیق حسن اسکندری یه بیر چوخ آغیرلامالار توتولوب دور، او سیرادان، بهمن فرهنگ سراسینین شهید آوینی زالیندا، تای هله گورونمه یین طنطنه لی آغیرلما صاییر و ساهیر ادبی درنکلری نین رفیندن توتولموشدو، او، سسی سرحدلردن



فیلان سوآلیم اولاجاق، بیلیردیم او حاضیر جاوابدی. دوزایش دئییلدی، اونا دئیم، سندن بو سؤزو سوروشاچام، نه جاواب وئره جک سن.

برنامه نین مجری سی ده اوزوم ایدیم، او زامان کی، اعلان ائیله دیم، ایندی عاشیق قشم گله جک، دئمک هم، گوردوم قاباقدا بیر نچه شخص دستمال چکیب آغلایرا، هم آن دا دؤندوم- گوردوم عاشیق قشم گلیر، اما! ائیله بیل کی، ساولان داغی دی گلیر- سازی دا قولتوغوندا، من اوزوم ده کدرلندیم.

آنچاق، گلدی، سؤز صؤحبت باشلاندى، خوش- بئش دن سونرا، عاشیق دان خبر آلدیم: عاشیق قشم، نچه ایل دی عاشیق لیق ائدیرسن؟

وارایدی. او زامان برنامه نین بیلیتی ۵ تومن ایدی، عاشیق لارلا قرار قویموشدوم هرگونلرینه بئش تومن وئردیم، پولون قالانینی او گون آپاریب خرجله یردیک. او جور ده اولاردی پولون قالانینی هم گون خرچلردیک. عاشیق قشم ده بیرینجی گون سازینی گتیرمه میشدی، منیم سازیم لا چالدى- اوخودو. هر گون برنامه دن قاباق عاشیق لارا بیر سیرا سوآل لار وئردیم، او سوآل لار کی، ذهنیمه گلردی.

عاشیق قولو بؤیوک عاشیق ایدی، حسین جاوانین شاگردی ایدی، مثلن، اونا بیر سوآل وئردی، او بیر آشیغا آیری سوآل وئردیم، دئیردیم: بوگون سندن بو سوآلی ائده جم، جاوابین نه اولاجاق؟ اما عاشیق قشمه دئمه دیم سندن

بیزه جاواز گلردی. او طریقله فرهنگ و هونرایداره سیندن جاواز آلاردیق. اوچ ایل اورادا برنامه آپاردیم، اوچ ایل دن سورا، عاشیق قشمه داها تانیس اولدوم. سالام- علئیک لریمیز داها صمیمی لشدی، اوزو ده عاشیق قشم دن سؤز- مؤز سوروشمازدیق، موقیید اولاردیق..

آنچاق، اوره بیمه دوشدو، دوستلارین طریقی یله عاشیق قشمی ده برنامه یه دعوت ائیله دیم، گلدی، برنامه یه. بیر نچه عاشیق، عاشیق قولو کی، رحمت لیک عاشیق حسین جاوانین شاگردی ایدی، عاشیق علسگر مرندی ایدی، او دا رحمته گندیب. عاشیق بشیر ایدی، گتندی جیبه ده شهید اولدو، یئددی سکیز عاشیق داها

خولاصه، گلديم ائوه، ائويميز، قاپینی دؤيدوم، گوردوم، بولار ياتمايب. يئر زاد سالديق، گوردوم، قاپی دؤيولدو، دئديم: دده وای...! بو کؤپک اوشاغی (ساواک) گلديلا! بير بالاجا پنجره ميز وارايدی، آچديم، گوردوم، عاشيق قشم له بالابانچی دی. قشم دئدی: دئديم، گنجه نين بو واختی حسن ی آپارالار من ياتام؟! دور منی آپار، اولارا!

قاپینی آچديم، منی قوجاقلادی- آغلادی.

مشهدی تیمور دئدی: آخی، بو ياتمايب کی، گنجه نين اوولیندن باشلايب آغلاماغا

تیمور قاپیتدی- گنتدی، عاشيق قشم له گلديک ائوه

بو منیم اول خاطره مایدی کی، عاشيق قشم له تانیش اولموشام،

ياواش- ياواش رحمت ليکله ياخينلاشديق، گل- گنديميز

چوخالیدی، بيزه چوخ گليب- گنردی. بو بيرنجی خاطره

می ايندييه جن بير يئرده دئمه ميشديم. سونرا اينقيلاب دا بير

نتجه يئره منی معرف ليک ائلهدی، تويا - زادا گنتديم. او توی لارين

بیری ده صوفيان دا ایدی، گنتديم صوفيان دا مجلسه

ايندی مجلسده بير طرفده فدایی! لر، بير طرفده موجهيدلر!

بو طرف دئير: موجهيدي! تعريفله، او طرف دئير: فدایی نی

تعريفله! من ده قالميشديم آرادا، اوندان سونرا، عاشيق قشم له

شرفخانادا بير تويا گنتديم، حیطی دؤشه ميشديلر، باغلی

بیری جيبimde دئمه ذوالفقارين شئعی او بیری جيبimde قاليميشدی، اونو چيخارتديلار، دئديلر بودو باخ، سن کارگردن اوخوبورسان، شاهی تولکو ائله ييب سن؟ باشلاديلار اوخوماغا، اوخويا ييلمه ديلر.

دئديم: وئرين اؤزوم اوخويوم. آلدیم اؤزوم اوخودوم، دوز دئير ديلر، آنجاق مستقيم ايشاره

اولماديغينا گؤره بوروشدوردوم و دئديم، بوردا ائله بير سؤز يوخدور.

منی ساواکين «سه راه امين» کوميته سينه طرف آپارديلار.

بونلارايکيسي ده گنجه منی اورا آپارماقدا، بير آزدان سونرا،

پاسبانلارين بیری، او بيرينه دئير کی، بابا، اؤتور گنتسين،

ساوادسيز بير آدامدی، وئريب لر، بو دا اوخويوب، ويلله گنتسين!

دئدی: يوخ، اوجور دئيل، گرک آپارام!

دئديم: آغا، قوی آپارسين دای! اولن، سیزی بورا قوبوبلار دعوا

دوشمه سين! سونرا دا، بير دعوا يوخ ایدی کی، قوی آپارسين!

پاسبان دئدی: يوخ، اؤتورورم گنت، أما بو سؤزلری بير يئرده

اوخوما. آپارالار يازيق ائيلر لر. سن دئيرسن؟! بس شاه گنتسه،

يئرینه کومونيست گله جک؟!، ماللا گله جک، سیزی ده در به-

داغين ائده جک بیزی ده! پاسبان بو سؤزو دئيه ن اينقيلاب

دان -زادان خبر يوخ ایدی، ۵۲-جی ایل ایدی. أما بو سؤزلر

گرک دئيله!

دئدی: من، يئددی يوزايلدی آشيغام!

گولومسه ييب، سوروشدوم: نتجه ياشين وار عاشيق؟! دئدی: يتتميش بئش ياشيم

دئديم: يتتميش بئش ياشين وار!، نه تهر ۷۰۰ يئددی يوزايلدی

عاشيق سان؟! دئدی: بالام، سن اوشاقسان،

بيلمزسن، منيم دده م محمدعلی عاشيق ایدی، خسته

قاسيم عاشيق ایدی، علسگر عاشيق ایدی، کيم عاشيق ایدی-

کيم عاشيق ایدی. باشلادی اوخوماغا

گنجه لرايکی پاسبان گلردی، برنامه نين سونوندا، اونلارا

دا بير پول وئرديم. او گنجه ذوالفقار (سلطانی) بير شئعيرینی

اوخوموشدوم. برنامه نين سونوندا پاسبانلارا زحمت يانا

وئرنده، دئديلر، قوی جماعات گنتسين سينله ايشيميز واردير.

بیز او زامان نتجه يولداشا بير ژيان آلميشديق. يولداشلاريم

ماشينين ايجينده ايدلر. ماشينا طرف گنتديم، باشیمی پنجره

دن ايجه ری سوخوب يولداشلاريم دئديم، جيبلریمی تئز بوشالدين،

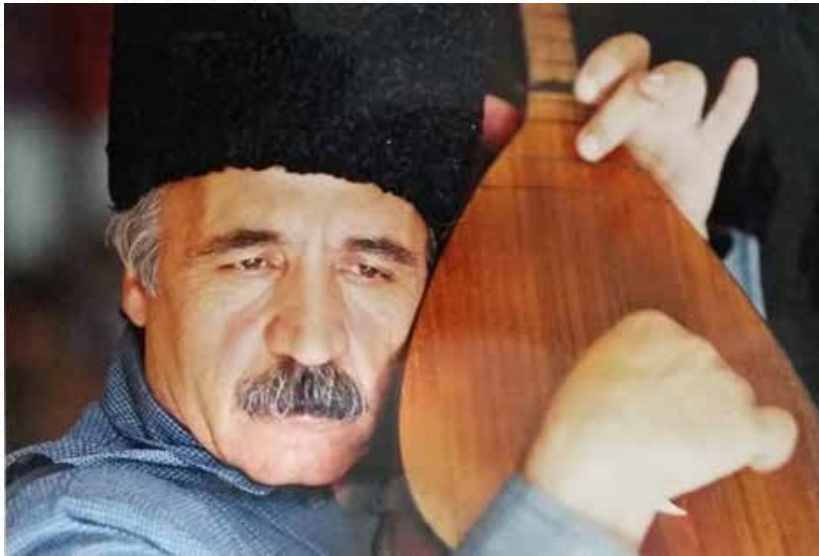
کار- کاغيد اولماسين. هامی گنتدن سونرا، منه دئديلر: اونلار نه

دير سن اوخورسان؟ سن گرک سکينه دایی قیزی دان- زاددان

اوخويا سان! دئديم: مگر نه اوخوموشام؟

دئديلر: آپاريب ديرناقلايرینی چکنده گؤرسن!

جيب- قولتوغومو آختاراندا، بو



بیر حیطایدی، دام- دووار دا دولو آروار- قیز- گلین، حیطده ده ایگنه سالماغا یئر یوخدو! من ده اوخویورام، اؤزو ده او زامان سسیم زیل ایدی، سسیمی آتمیشام باشیما! اوخویورام، عاشیق قشم ده اوتوروب یوخاری باش دا پپ چکیر. آما، هئچ سؤزومه قولاق آسان یوخ ایدی کی، بونه دئییر- نه اوخویور!؟

ایش اورا یئتیشدی کی، ایته دیلر، عاشیق قشم اوخوسون، گلدیم- اوتوردوم عاشیقین قاباغیندا، دندیم: مئیدان سیزینکی دیر! رحمتلیک، دوردو آیاغا، بالابان- قوالچی دا منیمکی ایدی. بالابانچی تیمور، قوالچی رضایدی عاشیق قشم آیاغا دورماق همن! ائله بیل، قورباغا گولونه داش آتدیلار، هئچ کیمدن جینقیر چیخمیردی، اوجور کی، ائشیدیردیم، یاواش- یاواش پیچیلداشیردیلار، بیر دئییردی: عاشیق منیم فامیلیمدی، او بیر دئییردی، عاشیق منیم قوهومومدور، بیر دئییردی بیزیم آغ ساققالیمیزدی.

فرشباف: عاشیق قشمین یازیب- اوخوما ساوادی یوخ ایدی، شئعیرلری- داستانلاری- سؤزلری هاردا ساخلایاردی؟ عاشیق حسن: قشمین ساوادی یوخ ایدی، شئعیرلری- داستانلارینی دئییردی، بیر نوه سی وارایدی، او یازاردی. قشم اؤزو منه دئییردی، تا باشلا بیرام داستان اوخوماغا، داستان گلیر- دورور گؤزومون قاباغیندا. او سینه

دفتر ایدی.

: فرشباف: عاشیق قشم، اؤزوندن قاباکی عاشیقلارین هانسیندا، چوخ تاثیر آلمیشدی؟

عاشیق حسن: عاشیق قشم بیزه دئمزدی، اوستادلاری نین کیم اولدوغونو، کئچمیش عاشیقلارین هامیسی نی اؤزونه اوستاد بیلردی. خسته قاسیم، دده قوربان، عاشیق علسگر، بولاری اؤزونه اوستاد بیلردی. آما اونون دؤوره سینده یاخشی عاشیقلار وارایمیش، مثلن، عاشیق تقی و بیر چوخ بیلن عاشیقلار وارایدی، چوخ بیلن عاشیقلاردان، گونئیین اؤزونده، چوخ اوستاد عاشیقلار اولوب آدلاری ایندی یادیمدا دئییل.

قشم، همیشه اونلارین آدلارینی دئییردی. اؤز قیزیمین توپون دا قشم چالیب- اوخویوب ۶۲-ینجی ایلده، عاشیق قشم ایدی- عاشیق

عبدالعلی ایدی، بیر ده علی فرشباف ایدی. گون چیخاناجن چالیب- اوخودولار. قشمین چوخ گؤزل حافیظه سی وارایدی، او گنجه، قشم بیر سئگه اوخودو، عاشیق ایدی دا، آما سئگه چی چوخ گؤزل اوخودو، سلیمان روستم اونا بیر شئعیر یازمیشدی، اونا اوخودو. البته، ایندی او شئعیر یادیمدا دئییل.

بیر تویدا او شئعری اوخوتدوق، اوخوماسی دیکلمه سی بیر ساعات زامان چکدی. عاشیق دا اونا جاواب یازمیشدی.

قشمین حافیظه سی کا میو تر کیمی ایدی فرشباف: بیز بیله نی، سیز عاشیق قشمین شاگردی کیمی قوللوغوندا اولوبسوز، او دؤوره دن- اؤزیندی کلریندن نه لر یادیزدادیر؟

عاشیق حسن: دندیم دا، عاشیق قشم دن اوتاناردیم، هئچ نه سوروشمازدیم، چکینردیم. مثلن،

چۆرك- چای گتیریلیر، یئیب- ایچدیکن سورا، خبر آلیر: بالا، هاردان گلیرسیز؟ هارالی سیز؟ سربازیق، قاچمیشیق، گلدیک بو کنده، گۆردوک سیزین قاپی آچیق دی.

اون سکیز گون اولاری ساخلایر ائوینده. اون سکیز گوندن سورا، گتیریر کندلرینده تحویل وئیر. قشم بیله بیر شخصیت ایدی! عوضینده، بیر عاشیق واریدی، آدین دئیمیرم، چوخ دا بیلن عاشیق ایدی ها، قوی آدینی دئیمیرم، دا، عاشیق محمد ایدی، مامند، دئیردیر، حتتا قاپیسینا توچو گلنده، قاپینی باغلاردی- چیخیب کوچه ده توچولارلا دانیشاردی. اونا گۆره ده، باجاریقلی بیر عاشیق اولاراق (آلاه رحمت ائله سین دوستوم ایدی)، آد قازانمادی، آدی هئچ یئرده یوخدو.

آلاه قشمین قاپیسی همیشه آچیق اولاردی، توچو گلردی- قاپینی دؤیوب اؤسگوره- اؤسگوره گئردی ایچهری. آریم دی بوتون عاشیق لار بوجور اولسون- قاپیسی آچیق اولسون، بیزیم کیمی یوخ! ایش لر تئلفون لا اولوب، زامان بئله دی. اؤزوموز ده خانیم لا هرایکیمیز مریض له میشدیک تزه یاخشیلاشمیشیق. توچو قاپی یا گلنده، چاغیراریق ایچهری- قوناق اوتاغینا عاشیق ائلین چۆره بین یئیب، اؤز ائلینه بورجلودو. نه تهر دئیرلر: اتی ده اؤزون اولسا، سومویو ائلین دی.

منیم باغیم- بوستانیم یوخ ایدی

فرشیا: آغ ساققلار معمولن؟ عاشیق حسن: هامیسی- هامیسی، جاماعات هامیسی!

او زامان کی بیز گئدیردیک، بیر کنده توپا گئتدیم، ارسنجانا. بو یئرله عاشیق قشم آز گلردی، کوندوردن باشی اینیمازدی کی، بو یئرله ده گل سین، کنده یئتیشدیم، قشم دن سوروشدولار، قشم دن اوخو، دئیلر، من ده بیلدییم قدر اوخودوم دا!

یئر اوتورانان سورا، خبر آلدیم، قشم، بورا گلیب دی؟!

دئیلر: یوخ، گلمه ییب دی دئدیم: قشمی هاردان تانییرسیز، شئیرلریندن خبر آلیرسیز؟

دئیلر: او زامانلار کی، سرباز توتدو اولاردی، بیزیم کنددن اوچ دنه سرباز توتوب آپاریرلار گونئی طرفینه، بولار دا جاواندی لار دا، سؤز قویورلار کی، قاچسینلار. بولار قاچیر- گلیرلر قشم گیلین کندینه، کنده هئچ کیمی تانییرلار کی، گتسین لر اؤ قاپییا! گۆرورلر، بیر قاپی آچیق دی. قشم بین قاپیسی همیشه آچیق اولاردی. قشم باشقا بیر کیشی ییدی. گتیرلر ایچهری. عاشیقین ایکی طبقه لی ائوی واریدی. بیلیمیرم ایندی ساتیلار یا قالیر، یوخاری طبقه دن سسله ییر، کیم سیز؟

دورور گلیر، گۆرور بولار سربازلیق لیباسیندادی. گۆروشور، آپاریر یوخاری. خانیمی نین آدی فاطما- یدی، چاغیریر: فاطما- فاطما چۆرك گتیر- چای گتیر. کوندورده گۆزل لاواش لار بیشیردیلر، بولارا

دورادیق گئردیک کندلرینه- اونون یانینا، گۆروشردیک، آما، هئچ نه سوروشمازدیم. فقط، بیر گنجه ایکیمیز تک ایدیک ائوینده، عاشیق علسگردن صؤحبت ائیله دی، علسگردن منده ۵ کیتابی وار، لاتین جا، او سؤزلری کی، دئیردی، هئچ بیری بو کیتابلاردا یوخدو. قشم دن هئچ نه سوروشمامیشام، آما، اوخوماقلارین اوخوموشام. ایکی کاسئت اوخوموشام عاشیق قشم دن، جوازین دا آلمیشیق، یئنه ده تزه لیکده بیر کاسئت اوخوموشام او دا عاشیق قشمین او تایی سفری دی، جاوانلیقدا گتیب دی، اورانی سئچیب اوخوموشام داستان لا بیرلیکده. خوب، من کی، اوخویا جاغام، قوی اوندان اوخویوم دا!

آلاه رحمت ائیله سین، خسته قاسیم- دده قوربانی، عاشیق عابباس دا بیزیم اوستادیمیزدی. بوتون شاعیرلر بیزیم اوستادیمیزدی. اولارین شئیرلرینی ده اوخویارام، آما، قشمی هامیدان قابق بیلیمیشم و قباق دی دا! قشمین سؤزلرین اوخویاریق. ایندی من گتیمیشم کانسئرت قشمین ایکی شئیرین اوخوموشام، هئچ بیرین بیلن یوخدو!، دئیمیرم، قشمین سؤزلرین سیزه اوخویان اولماییب؟! بونلاری ازبرله بین اوندان علاوه، قشمین گتیدی یئرلرین بیر چوخونا گتتمیشیک، آدی گلنده خالق روحونون حقیقنده صلوات چئویریب دی.

توتدوق. اردبیلدن سلیمی دعوت  
 ائتدیک مراسیمده اوخوماغا،  
 گلدی. او زامان جاوان ایدیم  
 الی- آیاقلی یدیم، مچیدی ده  
 من دولاندیردیم. قشمین اؤز  
 شئعیرلرینی وئردیک اوخودو. سون  
 دقیقه یه جن مچیددن دوروب  
 گئدن اولمادی. هامی گلن لر  
 آخیراجا اوتوردولار. بیزلردن ده  
 دانیشان فالان اولدو. روحانی  
 ده بوستان اوانین امام جمعه  
 سینی دعوت ائتمیشدیک،  
 گلیب چاتا بیلمه دی. حاجی  
 محمد صؤحبت ائیله دی (حاجی  
 محمد پاسدارایدی) گؤزل ده  
 صؤحبت ائیله دی. قشم گؤزل  
 معلوماتلی اینسان ایدی، یاددان  
 چیخاسی دئیل، یاددان  
 چیخمایا جاق منیم ایدی کیتابیم  
 وار، کیتاب کی! تایید اولماسی  
 اون یکی ایل چکدی. عاشیق  
 قشم له دئیشمه لیم وار او  
 کیتاب دا، البته، اوز- اوزه دئیشمه  
 میشیک. اوز- اوزه دئیشمک  
 جورعتیم اولمازدی. عاشیق  
 رحمته گئندن سورا، دئیشمه  
 سایاگی جاواب لار یازمیشام،  
 اوستادین شئعیرلرینه، وئرجم  
 باخاسیز، کاغیز باهادیر، آز سایدا  
 چاپ ائیشم. احتیمالن، چاپ  
 اولوناجاق، ۳۱۱ صفحه دیر.

کی، گلیب بورانی آلمیشام،  
 ائلین گوجودو، اونا گؤزه ده ائلین  
 قدرینی بیلمه لیبیک، ائلدارلیق  
 چوخ چتین دی  
 فرشباغ: عاشیق قشم دن سورا  
 اونون یولونوهانسی عاشیق لار داوام  
 ائدی؟ ایندی هانسی عاشیق یا  
 عاشیق لار او یولدا گئدیر؟

عاشیق حسن: عاشیق قشمین  
 یولونون داوامچیسی اولمادی،  
 یوخدو! قشم داستان دئیردی،  
 شئعیر معدنی یدی. ایندی نه  
 داستان وار نه ده اونون لحنی-  
 لهجه سی له اوخویان وار- قشمین  
 سسی تک ایدی. هئچ کیم اونون  
 یولون گئدنمز. فقط سس دئییلدی  
 کی، بیر تقلید ائیله سین-  
 اوخوسون اونون دیلینجه، ایندی،  
 من دئیم، فیلانکس اونون یولون  
 گئدیر، یوخ! ایندی داستانلار  
 یوخدو، البته، عاشیق دا دا  
 گوناغ یوخدو، زامان جمع لیب.  
 قشمین اوغلو مظاهیر، کرج ده  
 اولار، او دا اوخویار، آما، سسی  
 قشمین سسینه بنزه میر. او جور  
 بیر تاپیلماز کی، قشمین یولون  
 گئده. قشم آدی دیللرده دئییله  
 جک، فالاجاق. اؤز ده قشم چوخ  
 گؤزل اینسان ایدی پاک آدام ایدی.  
 فرشباغ: عاشیق بیلیم کی،  
 سیزین قشم حاقدا ساعاتلار  
 دانیشماغا سؤزونوز واردیر، آرتیق  
 سیزی یورماق ایسته میرم، سون  
 سؤزو بویورون!

عاشیق حسن: قشم رحمته  
 گئدن زامان بیز نچه عاشیق  
 گئتدیک تعزیه سینه، قایتدیق-  
 تبریزده ده گوی مچیدده مراسیم

# عاشیق دهقان لا دانشیق



**دانشیق آپاران: موهندیس شافعی  
فیلم چکن: سرهنگ رسول غلامی**

عاشیق دهقان، بیلگین، سینه دفتر، گۆزل روایتچی و اوزونه مخصوص و اوره یه یاتان سسله اوزون ایللردیر، عاشیقلیق صنعتینین لذتینه ائلینه پای وئیریر.

شافعی: عاشیق دهقان، بیز گرک سیزی دده چاغیراق، سیز چوخ بؤیوک عاشیقیمیز سینیز.

عاشیق دهقان: سن واقعن هونر سئون و هونر تانیان اینسان سینیز، ساغ اولون!

شافعی: ایکی هفته قاباق سیزه بیر آغیر و طنطنه لی تۆرن توتدولار، او موناسیته ده سیزه تبریک دئییریک عاشیق!

عاشیق دهقان: ساغ اولسونلار، او اوچونجو آغیرلامایدی کی منه توتولموشدو. گلن هفته ده منی تبریزه دعوت ائدیبلر.

شافعی: ماشاللاه اولسون، همیشه سیزه بئله ساغلام گۆرک!

عاشیق دهقان: ساغ اولون، من آلاهدان اوزون عؤمور آلمیشام، عیلتی ده بو دور کی، ایندی یه دک، آغزیما، سیغاردا، نه بیلیم نه دن، نه دن، ضررلی بیر شئی لر دن دیمه ییب دیر.

شافعی: چوخ گۆزل! عاشیق، سیزین اوستادلارینیز کیملر اولوبدور؟

عاشیق دهقان: اوستادلاریم، باشدا عاشیق فرهاد، قیرمیزی باش علی، عاشیق موسی، عاشیق عباد، بونلارین مجلس لرینده اولوب اویرنمیشم.

کلبه قولام قهوه خاناسیندا چالیردی. چالیب- اوخومانین سونلاری ایدی. بیر اورتا بوی، عاشیق ساز الینده کۆینک ده، چکمه آیغیندا، بالابانچی یانیندا، اوستاد فرهادا یاخینلاشیب، دئدی: عاشیق من ده آشیغام! من سونرا بیلدیم کی، او عاشیق قشم دیر. عاشیق فرهاد دا دئدی: بیر قاطر چال، اوخو!

رحمتلیک عاشیق قشم، سازینی چیخارتدی، بیزیم طرفده بالابانچی اولماز، اؤزده، بالابانچی دا چالدیلار، قشم بیر آز باش گۆزونو اوخویا- اوخویا اوینادی، اوخودو. هامی خوشلارینا گلدی، گولوشدولر.

شافعی: قشم اؤزوايله ساز گتیرمیشدی؟

عاشیق دهقان: هیه! سازدا، بالابانچی دا!! منیم تانیشلیغیم عاشیق قشم له اوردان باشلانندی. سونرا من زنجیر خیوانیندا، کافه برادران دا ۱۸ ایل اوخوموشام. قشم ده اورانین یانیندا مصطفی نین قهوه خاناسیندا

مثلن، عاشیق امراه و قوربانلی داستانلارینین چوخونو، عاشیق موسی دان اویرنمیشم.

شافعی: شاگیردلرینیز حاقدان نه دئییه بیلر سینیز؟

عاشیق دهقان: اورمودا شرقی و غربی آذربایجاندا، البته چوخو غربی ده ۲۴ نفر شاگیردیم اولوبدور.

غربی آذربایجاندا بوتون عاشیقلا شاگیردیم اولوبلار. آذربایجان شرقی ده، بناب دا عاشیق باهار دا منیم شاگیردیم اولوبدور. اینقیلابدان قاباق دا ایللر بویو اورمورادیوسوندا، عاشیقلا برنامه سینی من دولاندرمیشام.

شافعی: اوستاد دهقان بیز ائشیتیمیشیک کی، سیز عاشیق قشم له اولوبسونوز. عاشیق قشم له نه وقت وهانسی ایلدن تانیشلیغینیز باشلانندی.

عاشیق دهقان: دوز دئییرلر، منیم ۱۶-۱۷ یاشیم ایدی، بؤیوک اوستادیم عاشیق فرهادین شاگیردی ایدیم. باهار فصلی ایدی. اورمودا مرکزده



وارايدی، اوردا گنديب چالاردیم. قشم ايله ائله يئرلرده گوروشردیک. قشمین اؤز ائوی کوندور ده ایدی. شبستردن تبریزه طرف گئندنه سول الده، داغلارا طرف بیر کندایدی. کوندوره ده گنتمیشم. اونولا تبریزه ده گوروشوموز اولوبدور. شافعی: سونوندا عاشیق قشم دن نه بیلیرسینیز بویورون. عاشیق دهقان: عاشیقلیغین دالیسیجا دوشموشدو، ایشی عاشیق ایدی، خوش عاشیق ایدی، اما بونو دا دئییم، بیر داستان دوزه لیدی کی عاشیق فرهادی، گویا دئیشمه ده باغلابیب دیر. من عاشیق قشمین اؤزوندن بیر گون سوروشدوم: سن عاشیق فرهادی، باغلابیسان؟ قشم دئدی: یوخ! اونا گوره اوستادیمیز عاشیق فرهاد دا ائله بیرناغیل قوشماق دوزایش دئییلدیر. آلادهامی اوستادلارا رحمت ائله سین، فرهادا، قشمه، عاشیق موسی یا، عاشیق علی قیرمیزی باشا، عاشیق عیبادا، دده کاتبیه، پور آذره و بوتون دونیادان کؤچن اوستادلارلا بئله.

ساوادی وارايدی. هئج یوخ دئییلدی. آز-ماز اکابیر اوخوموشدو. کیتاب دا چیخارتمیشدی. کیتابینا اونون-بونون شئعرلریندن ده قاتیشیب دیر. مثلن قاسیم(خسته قاسیم) ین شئعرلریندن قشمین کیتابا قاتیلیمیشدی. شافعی: قشم اؤزوندن بیر یئنی هاوا چیخارتمیشدی می؟ عاشیق دهقان: واللله اونو بیلیم. اونو بیلیم کی، بالابان هاوالارینی یاخشی چالیب اوخویاردی. اورانین (او تاین) آرهاواسی یوخ ایدی کی! اوهاوالاری چالیب قورتارماق اولاردی؟! شافعی: عاشیق قشمین شاگیردی وارايدی؟ اونون یولونو بو گون کیملر گئدیر؟ عاشیق دهقان: من شاگیردلریندن بیرینی تانییاردیم. شبسترده، دیزه خللی کندینده، عاشیق کاظم اونون شاگیردی ایدی. عاشیق قشم له فقط اورمو دا گوروشوبسونوز، یوخسا سیز ده اوینلارا گندیسینینز؟ عاشیق دهقان: بورا گلردی، منده شبستره، دیزه خللی یه و آیری کندلره توپا گئدردیم، تسی ده بیر قهوه خانا

اوخویاردی. مصطفی نین قهوه خاناسیندا ایکی دوکان آشاغا، بیر اه یری آغاچ وارايدی. اوخوماقدان باشیمیز آییلاندا، او آغاجین یانینا بیغیشاردیق. اوردا اوتوروب دانیشاردیق. من ایدیم، رحمتلیک قشم ایدی، رحمتلیک پور آزايدی و بیر نچه نفر آیرسی ایدی. اوردا قشم بیزه دانیشاردی. قشم سؤز- صؤحت بیلن، ائل عاشیقی، مشهور عاشیق ایدی. خوش عاشیق ایدی. شافعی: پور آذرده عاشیق ایدی؟ عاشیق دهقان: پور آذر شاعیر ایدی. شافعی: عاشیق قشمی عاشیقلیق عالمینده نجه تانیییرسینیز؟ عاشیق دهقان: دئدیم کی، یاخشی، مشهور و ائل عاشیقی ایدی. شئعر-مئر ده دئییه ردی. شافعی: عاشیق قشمین اوستادی کیملر ایدی؟ کیملردن ایلهام آلیب، اؤیرنمیشدی؟ عاشیق دهقان: اوراسینی من بیلیم. اما یادیمدادی، قشم چوخ اسماییل بی دن دئییه ردی. مثلن دئییه ردی اسماییل بی-ین یانیندا، فیلان عاشیقلا باغلاشدیم. قشم، اوتايدا قالمیشدی. باکی طرفینده اؤیره نیب، گلمیشدی. شافعی: اونون، سازایفاسی یاخشی ایدی، یا سسی، سؤزو؟ هانسی؟ عاشیق دهقان: تقریبین خوش ایدی. اؤزونه گوره خوش عاشیق ایدی. شافعی: دئییرلر قشمین ساوادی یوخ ایدی. بونون دئییبی شئعرلری و چالیدیغی هاوالار حاقدا نه دئییه بیلیرسینیز؟ ساوادی یوخ ایدی نجه شئعر دئییردی؟ عاشیق دهقان: ساوادی وارايدی. آز



▲ ساغدان سولا: عاشیق دهقان- موهندیس شافعی- سرهنگ رسول غلامی

# قش، کیمه ئیله میشدی؟

سۆموشدو. او هنج وخت و هنج یئردە کند اربابلارینی تعریف ائله مە میشدی. او، اۇنلارین کندلردە رعیتە ائله دیکلری طۆلمون وکۆبود حرکتلردن بیزاریدی. بونا گۆره دە اربابلار اۇنونلا دۆز گلمیردیله. اۇ اۆزۈ بو باره دە بئله دئییردی:

- آذربایجاندا ۱۳۲۵- نجی ایلدن سۇنرا اربابلارین تحریکیله گۆنو- گۆندن مئیدانی بیزلره دارالدیدیلار بیزیم ائومیمزه تۆکولوب، عاییله میزی قۇرخودوردولار. حتتا گۆردوم عوامی تحریک ائله بییلرکی، منی توتسالار، اۆلدوره لر. بونا گۆره گنجه ایله کنددن قاچدیم، نئچه گۆن اویان بو یاندا گیزلندیم. «سیس» کندی نین اهالی سیندان اۇلان «کربلایی آلاسه وئردی» و آیری بیز شخص ایله «قالایچی» و ساییلی گۆتوروب، قارا داغ ماحالیندا قالایچیلیق ائتمه یه یولا دۆشدوک.

\*\*\*

میشو ووقارلی عاشیق قش حۆدودو سوز شۆهرته مالیکدیر. چۆخ شاعیرلر اۇنون شائینده شئعری یازیپ و اۇنون کمالاتین نظمه چکیبلر، آذربایجانین شانلی شاعیر عالیمی دۆقتور زهتابی نین عاشیق قشمه یازدیغی قۇشمانین ایلك بندی همین سۆزه یاخشی مثال دیر: سلام میشوومون اۆلولو سسی شاهها باش ایمه دین هنج زامان قش میاشا گونئییمین اودلو نفسی بیس گۆنده ائل ایله یاشایان قش...

قوجا عاشیق دایانیب دئدی:

- گل سین، گۆزوم اۆسته یئری وار! بیز عاشیق قش ایله اۆپوشوب گۆروشدوک، او بیزی ائوی نین ایکینجی طبقه سینده اۇلان اۇتاغا آپاردی. بۆیوک بیر کۆرسو کند سایاگی اۇتاغین یۇخاری باشیندا قویولموشدو. بیز ایستی کۆرسوده سالاندىق. چای گتیردیله. بیر آز سۇنرا کۆندورون میلاق اۆزوملریندن کۆرسو اۆستونه قویولدو.

عاشیق اۆزۈ اسکی بیر کیتاب ایدی، دئمک اۇلار، اۆز عصرینده، گۆنئی ماحالی نین جانلی تاریخیدی. اۇ گۆجلو بیر حافیظه یه مالیک اۆلدوغو اۆچون گنج چاغلاریندا گندی، گۆردویو شمالي آذربایجان و جنوبي آذربایجانین چۆخ یئرلیندن چۆخلو خاطیره لر نقل ائیدیدی. آذربایجانین چۆخ یئرلینده، اۇ جۆمله دن گۆنئی ماحالیندا، اۆسگوده، خیسرؤوشادا، قارا داغدا چۆخ- چۆخ تویار

+++++

یازان: رحمتلیک اۆستاد  
«منظوری خامنه»

او ایل (۱۳۶۶) قیش چۆخ آغیر کئچیردی. من تهراندان خامنه یه گتمیشدیم، قشمن اۆلوموندن بیر- ایکي ایل قاباق ایدی. من اۆزۈمله بئله بیر قارا گلمیشدیم کی، کۆندوره گندی، عاشیق قشمی یاخیندان گۆروم.

صوفیانین یاخینلیغیندا، شبستر- تبریز جاده سیندن میشو داغی ائینده یئرله شن کۆندور- کۆل آوا کندلرینه بیر یؤل آیریلیدی. بیز اۇ یؤل ایله گندی، کۆل آوانی کئچدیک، کۆندوره چاتدیق. گۆن- گۆن اورتانی کئچمیشدی، ایکیندی چاغیدی. گۆی بۆلۈدسوز اۆلدوغو اۆچون کنده گیرن یئردە، مئیدانین بیر بۇجاغیندا گۆنه وردە نئچه نفر دایانیب، اۆز لرینی گۆنه وئریپ، بیر- بیرله دانیشیردیله. بیز اۇنلاردان عاشیق قشمن ائوینی سۆروشدوق. بیر جوان اۇغلان قاباغا دۆشوب دئدی:

- گلین گئدک، من قش دایی نین ائوینی گۆرسدیم!

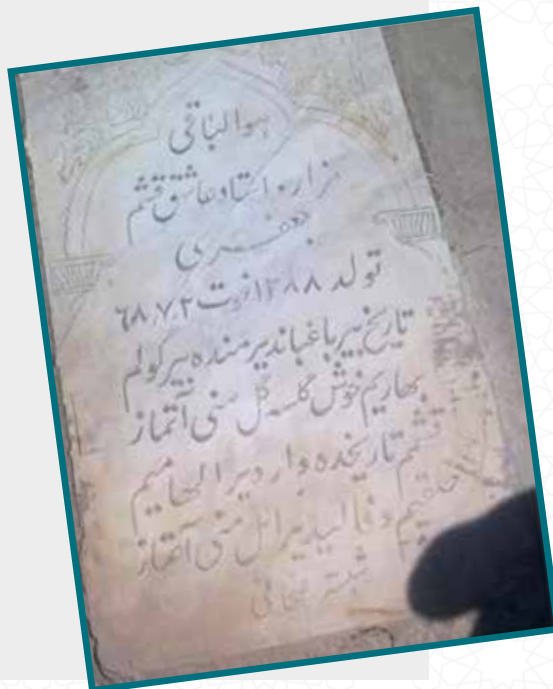
او ایل قار چۆخ یاغمیشدی. داریسقال کۆچه نین آراسینی قارلا ائله دۆلدورموشدولار کی، بو تایدان باخان، او تایداکینی گۆره بیلمیردی. اۇجا بۆیلو، الینده چلیک، قوجا بیر کیشی بیزه طرف گلیردی، جوان اۇغلان قاباغا یئرییب، اۇنا دئدی: قش دایی، قش دایی، سیزه قۇناق گلیر.

## قشمین وفاتینا گوره

آزرم تبریزی

قشم، سنسبز کمانچا ناله چکدی داغدار اولدو  
 هونر دونیاسی نالان اولدو، گۆزلر اشکبار اولدو  
 طبیعت سوسدو، خلقلین عنعناتی دوشدورونقدن  
 ادب پیرایه سی خلقلین گۆزوندی بیر غویار اولدو  
 هونر اۆلدو، سۆز اۆلدو، نغمه اۆلدو، چنگ و تار اۆلدو  
 قشم گنتدی، هونر دونیاسی یکسر تیره-تار اولدو  
 ل افت دوشدو سۆزلردن، قیزیل قان آخدی گۆزلردن  
 ترنم کۆچدو مجلسدن، ایشیق گون دؤندو تار اولدو  
 بیزیم خلقلین دیلیندن سن، جوشار داشقین سئل اییدین سن  
 سنین گنتمک لییینله گۆزلریمیز اشکبار اولدو  
 آدین جاری دیر دیلرده، غمین جوشدو اورکلرده  
 کلامین شانلی ائللرده، توکنمز بیر عیار اولدو  
 روادیر لال اولآ آزرم میضرایین دیلی غم دن  
 کی، او شیرین سخن قومرو گولوستادان کنار اولدو

مهر ماه ۶۸



## عاشیق قشم وفات اتدی

محمدعلی اؤغلو عاشیق قشم جعفری اوزون سۆرن  
 آغیر خسته لیکن سۆنرا یکشنبه گۆنو ۱۳۶۸/۱۷/۲ ده  
 وفات ائتمیشدیر. او معاصر عاشیق صنعتی نین  
 گۆرکملی نماینده سی و آذربایجانین مثلسیز عاشیقی  
 اولموشدور. مرحومدان چۆخلو قوشمالار، اؤستادنامه  
 لر و غیره چاپ اولونموشدور. وقتیله تیقلیس ده عاشیق  
 صادقی، گنج ده عاشیق تیموری، تبریزده گۆموش  
 کمر عاشیق علسگری، اؤرمیه ده عاشیق فرهادی و  
 داها بیر چۆخ بو کیمی گۆرکملی عاشیقلاری دئییشمه  
 لرده باغلایمیشدیر. عاشیق قشمین مۇعاصیر آذربایجان  
 عاشیقلاری نین بۇنۇندا اؤستادلیق حقی واردیر.

\*\*\*

مرحوم عاشیق قشمین سون شئعرلریندن:

قۇجالیق، یۇخسوللوق دۇشدو بیر یئر  
 تامام قۇھوم قارداش، ائلیم یاد اولدو  
 بیر گۆجلو چای اییدیم دالغالاناردیم  
 کسلیب طاقتیم، سئلیم یاد اولدو

\*\*\*

نتجه اولدو گزیدییم اۇباغچا-باغلار  
 داها اله دۆشمز اۇ جوان چاغلار  
 آه چکیب اۆره بیم، قلبیم قان آغلار  
 بۆلبول فغان ائدر، گۆلوم یاد اولدو

\*\*\*

مجلسلر گزیدییم عشوه نازیله  
 صۇحبت ائیله یردییم خوش آوازیله  
 یانیق کرم ایله، تتلی سازیله  
 دئییب دانیشماغا دیلیم یاد اولدو

\*\*\*

«قشم» هشتادا چاتیب دیر یاشیم  
 گئدیپ آتام، آنام، قالمیر قارداشیم  
 قبری می قاز ماغایۇخدور سیرداشیم  
 ایلیب قامتیم، بئلیم یاد اولدو

# عاشیق قشم ایله اربابین حنکایه سی



. بو ایشین آچاری مشه قشمین  
الینده دیر، اؤدئسه یاخشی دیر-  
: بو سؤزو ائشیدن ارباب آرتیق  
تعجؤبله دئییر

- بو آد ایندی یه کیمی قولاغیما  
دیمه بییدیر، مشه قشم کیمدیر  
کی، سؤزو خاندان دا، اربابدان دا،  
کدخدان دا، آغ ساققالدان دا  
یاخشی یئر بییر؟

: اونا بئله جواب وئریرلر  
. مشه قشم عاشیق دیر، اؤزوده  
کؤندورلودور، سیزین رعیتلرینیزدن دیر  
: ارباب  
! - آدام گؤندیرین، مشه قشمی منیم

صاندىقلارا سالماييلار، من بو باره ده  
اونا آرخايينلىق وئرميشم!  
بو سؤزو ائشیدن آغ ساققاللار  
دئییرلر:

- خان ساغ اؤلسون، خالق بیزدن  
سؤز ائشیتمز، بیزیم دئدییمیزه  
باخمازلار!  
بو سؤزو ائشیدن خان تعجؤبله  
سؤروشور:

نئجه باخمازلار؟ بو سؤز منیم  
سؤزومدور، منیم سؤزومه باخمايانلار،  
کیمین سؤزونه باخارلار؟-  
: قؤجا کیشیلرین بییری نین ديلي  
توتار- توتماز دئییر

**سؤبله ين: عاشیق قشمین اؤغلو)**  
**عاشیق مظاهر جعفری)**  
**قلمه آلان: منظوری خامنه**

اسلامي انقلابدان نئچه ایللر قاباق،  
اؤلكه ده ميلي شورا مجليسي،  
سئچگيلري اولاجاغيدي.

بیر گۆن کؤندور و اورانین قونشو  
کندلری نین اربابی تبریزدن  
«سیس» کندینه گلیب، نئجه آغ  
ساققالی اطرافینا تۇپلایب دئییر: -  
بۆتون کندلی لره تاپشیراجاقسینیز  
کی، یالنیز منیم یاخین دوستوم  
اۆلان..... خاناسس وئره لر و  
اوندان باشقا بیر آدامین آدینی

. سنين ايسته ديگين منيم  
اليمده اولسا، يازيب، قۇل چكيب  
وئره جه يم -  
قشم دئيبير :

- من اوزومه بير زاد ايسته مه  
بيرم، يازيب- ايمضالا كي، «بو  
گۆندن بري اربابي اولدوغوم بو نئچه  
كندين رعيتلريندن اكديكلري نؤخود  
و يۇنجايا بهره آلماياجاغام و يالنيز  
بۇغدا و آرياني بهره سينه قناعت  
انده جه يم!»

ارباب قشمدن هر نئجه جواب گۆزله  
سه يدي ده بئله بير جواب گۆزله مه  
بيردي؛ آما مجبور اولوب، بير رأي  
آماق وعده سي قارشيسيندا بير  
يوللوق اولاراق او كندلرده نؤخود و  
يۇنجا بهره سيندن اليني اوزمه يه  
راضي اولدو و ائله بير سندي يازيب  
ايمضالايب، كندلي لره وئردى.  
نتيجه ده رعيتلر، بير آغير يۇگون  
آلتيندان قۇرتولدولار.

دويدوغوموز كي، قشم هئچ واخت  
اوزونه بير شئي ايسته مه بير، هر نه  
ايسته بيرسه خلقينه ايسته-بير، بونا  
گۆره ده خلقين اوريينه يول تاپا بيلير.  
ايسته مه ينلري نين و اونون اولدوغو  
ايله اوز يئرلريني دار گۆرنلرين و بعض  
دين آدينا آپاريلان تيليغاتلارين  
ضربه سينه معروض قاليرسا، متدين  
آما آييق خلقين يانيندا اوركدن  
آلقيشلاير. خلق ياخشى بيلير كي،  
چؤخونون ياخشىليغي سؤزونده و  
ديلينده ديرسه، قشمين ياخشىليغي  
دؤشونجه سينده و ايشينده دير.

كندينه گتيره بيليرلر. عاشيق ارباب  
ايله گۆروشور، ارباب اؤز سؤزونو اؤنا  
دئينده، او دئيبير

: - ارباب، بيز سيزه سس وئرسك،  
سيز بيزه نه وئره جكسيز؟ بو سؤزو  
ائشيدن اربابين اؤريينه اؤمود  
جالانير، اؤز- اؤزونه دئيبير

- بۇنون ايسته ديبي نه اولاجاقدير؟  
پۇل ايستر وئره رم، ائو ايستر، وئره  
رم، اوکوز ايستر وئره رم، بير كندليني  
راضي سالماق، بير اربابا چتين  
ايش دئييل، قۇي هر نه ايسته بير-  
ايسته سين، آنجاق منيم سؤزومو  
يئره سالماسين، يۇخسا رعيتلرين  
ايچينده آيرسيز اولارام. او، بير آز  
بئله دؤشوندوكدن سؤنرا عاشيغا  
دئيبير:

- عاشيق، ايسته گوروم نه ايسته  
بيرسن؟  
قشم دئيبير :

- ارباب، يۇخ دئمه يه جكسن  
كي، وئره جه ييني بۇرادا يازيب،  
ايمضالاياجاقسانمي؟  
: ارباب دئيبير

+++++

يانما گتيرسينلر  
اربابين امريله ايكي نفر او كنددن  
كۆندوره يۇللانير. اولار عاشيقي  
تاپيب دئيبيرلر:

-عاشيق، ارباب تبريزدن سيسه  
گليب و سني گورمك ايسته بير، گل  
گئدك سيسده اربابين يانينا!

: عاشيق جواب وئير  
- منيم نه ارباب ايله ايشيم واردير،  
نه ده سيسه گئديرم؛ مني گورمك  
ايسته ين گلر كۆندوره !  
: او ايكي نفر اولوب- اولاجاغي  
عاشيغا دئيدكده، عاشيق جواب  
وئير

- ايندي كي، خانين منيمله ايشي  
واردير، گوروشمك ايسته سه،  
گلسين گوروشك، قالان سؤزلري ده  
بۇرادا دانيشاريق.

: نهايت او ايكي نفر الي بوش خانين  
يانينا دؤنور و خانا دئيبيرلر

خان ساغ اولسون، مشه قشم بير آز  
خسته ايدي، گله بيلمه دي.

: خان كي بئله بير جوابي گۆزله مه  
بيردي، اولار دئيبير

- من اؤنو گورمه لي يم، آت، آرابا،  
ماشين هر نه وارديرسا، آپارين و اؤنو  
بو كنده گتيرين!

: ائلچي لر نه وسيله ايله گتمه لي  
ديلرسه، بير داها كۆندوره گئديرلر،  
عاشيغا دئيبيرلر

: - سن سيسه گلمه سن، ارباب  
بيزي اينجيده جكدير، گل گئدك  
اوريا، بيليرسن كي ياخاميزدان ال  
چكن دئييل. عاشيق قشم دئيبير

. گلرم، آما اؤنونلا بير آل- وئر ائله  
يئم؛ يعني اؤندان بير شئي آلاميش  
بير شئي وئرمم

: بو دؤنه اولار عاشيقي سيس

# اوزان گلنگلری - عاشیق قشَم



حسین م. گونئیلی

تمیز اولماق. دئمک ایشاره اندیلن بو شرطلرین هنج اولماسا بیر نجه سینه بییه لنه بیلمه ین لره اوزان دئییه بیلمریک. اوزانلارین رسالتی: ایسلام دینی بیزیم آتا- بابالاریمیز طرفیندن منیمسه ننه کیمی، قام- شامانلار و اوزانلارین داوامچی لاری اولان بو اوزانلار خلقین دینی ایشلرینی ده یئرینه ییتیریدیلر. آنجاق ایسلام دینی بابالاریمیز طرفیندن قاورانیلیقدان سونرا دینی تبلیغ لره داها چوخ ایسلام دینی چرچوبه سینده فورمالاشان روحانی لر و موللارین بونونا دوشدو؛ آنجاق چوخ درین کئچمیشدن اوزان عنعنه سی نین داوامی اولراق اوبود وئرمک، دینی شخصیت لری، میلی قهرمانلاری تبلیغ و تعریف ائتمک، حقی، عدالتی تبلیغ و مؤدافیعه ائتمک، و دینله ینلرینی، داوامچیلارینی اینسانلیق دیرلری - ایله ائتگی لندیرمک بو پئشه نین یولجولاریندا بو گونوموزه قدر ایره لی سؤروب، بوندان بویانا دا داوام آنده جک- دیر. دئمهلر قباککی سطرلرده گؤستریلن ریسالت مینلرجه ایللر داوام ائدن بو صنعتین بلیرتی لری دیر. دؤزگون اوزانلار هر هاوا گلدی چالمیر و هر نه آغزنا گلدی اؤخومورلار. اوزانلارین چالیدیغی هاوالار یالیز میلی موسیقیمیزین هاوالاری و همین موسیقی نین یئرله (محلی) هاوالای، اؤخودوقلاری سؤزلر، سؤیله-دیكلری داستانلار ایسه خلقیمیزین آرزو-ایستکلری اوغروندا، سعادت، باشی اوجالیغی اوغروندا ایشلنمیش، قوشولموش شئعلر، داستانلار، حماسه لر اولمالی دیر. باشقا

بیلمیشلر. دده لیک اوزان صنعتی نین ان یوکسک زیروه سی دیر. سؤز سوز کی، دده اوزان ایله باشقا اوزانلارین آراسیندا اوبیوک فرق لر واردیر؛ داها دؤغروسو هر اوزان دده مقامینا چاتا بیلمه ییر. عاشیق گلنگلی، عاشیق صنعتی، ائله جه ده دده قورقود کیتابیندا دا اوزانلاردا اولان شرطلرین بیر چوخونو آچیق- آیدین گؤرمک اولور. او شرطلری بئله سیرالاماق اولور. ایتیه بو شرطلر یالیز اوزان و همین آنلامدا یعنی دؤزگون عاشیق لارین شرطلری حنساب ائدیلیلر. دده اوزانلارین شرطلری داها دا آغیردیر. دؤغرو آنلامدا اوزان و عاشیق لارین شرطلری: الیف: قوپوز چالاییلمک. ب: یاخشی سسه مالیک اولماقلا یاناشی قوپوز موسیقیسی ایله اویغون هاوالاری اؤخویاییلمک. ج: بوی بویلا یا بیلیمک: یعنی داستان قوشا بیلیمک و تاریخی اولای لار تاثیرینده و داستان باغلا یا بیلیمک. د: سؤی سؤیله مک: یعنی شئعر قوشماق و قوپوز هاوالارینا اویغون ریتیمیک، دوشوندوروجو، وزن- قافییه و آنلاملی سؤز جؤمله لری یاراتماق باشاریسینا مالیک اولماق. ه: ساز هاواسی و یا هاوالاری یاراتماق باشاریسینا مالیک اولماق. و: عاشیق گلنگلرینی یاخشی بیلیمک، مثلن مجلسیسی هانسی هاوالار و سؤزلر ایله باشلاماق، هانسی هاوالار ایله بیتیرمه یی بیلیمک. ز: گؤزل اخلاق و داوارانیشا مالیک اولماق. ح: گوزو پاک، اوزی پاک، آغزی- دیلی

عاشیق گلنگلی، عاشیق تاریخی و عاشیق ادبیاتی نجه مین ایللر بوندان اؤنجه دن باشلامیش ائیشلی- یوقوشلو یوللارینی آرخادا قویاراق گلیب بو گونوموزه چاتمیشدیر. چئشیتلی دؤورلرده و چئشیتلی تۆرک میل-لرینده چئشیتلی آدلار ایله تانینمیش بو تیپلی صنعتکارلار بو گون آذربایجاندا داها چوخ عاشیق و اوزان آدلانماقدادیر. آما عالیملرین و بو هونر ایله ایلیگین بیلگین لرین سؤیله دیکلری و آبیرو ائتدیکلری کیمی هر قوپوز چالاییلن و قوپوز هاوالاری ایله سسلشه بیلن ماهنی لاری اؤخویانلار اوزان و عاشیق دئمک اولماز. بلکه اوزانلار اوزان آدلانسالار دا اصلینده اوزان صنعتی نین ایفاچیسی دیرلر. البته بو اؤ دئمک دئییل کی، بیزیم اوزان صنعتیمیزین قورونماسی، گلیشمه سی، دیری قالماسیندا بو ایفاچی لارین رولو آز اولموشدور؛ سؤز سوز کی، بونلارین دا بو صنعت و بیزیم دیلیمیز و فولکلوریک ادبیاتیمیزی ساخلانماقدا اولدوقجا اؤنملی، اونودولماز و دانیلماز امکلری اولوبدور. آما بو صنعتین تاریخینده اصیل اوزان و عاشیق اؤچون بیر سیرا اولچولر و معیارلار داسؤیله نیلمیش و قبول ائدیلمیشدیر. داها دؤغروسو ایشاره ائدیله جک بو اولچولرله اؤزلاشمایان ساز- سؤز قوللوقچولارینی عاشیق و اوزان سسله ییریکسه، داها آرتیق ایفاچی کیمی ساییلماقدادیرلر. اوزان و یا عاشیق اولچولری ایله اولچوله بیلن بو ساز- سؤز اوستالاری نین داها میسینی بیر سیرادا، بیر اولچوده، بیر گؤزده گؤرمک اولماز؛ بونا گؤره کی بونلارین آز ساید اولانی حتی دده مقامینا دا یوکسله



▲ استاد عاشق چنگيز مهدي پور

قوللوق ائتمه ين دوشونجه سي، گوزو، ديلي  
پاك اولمايان چاليب- اؤخويانين قۇپوزو  
هئچ ده مۇقدس (ع) سايلمايير. پولا گۆره،  
فيلان بۇينو يۇغونون مصلحتي و ايسته  
يينه گۆره قۇپوز چالان و سؤز اؤخويان،  
شخصي قازانجي خالقي نين قازانجيندان  
اؤستون توتان، اوستادي نين و صنعتي نين  
حؤرمتينني سينديران، بۇيوك- كيچيك  
تانيمايان كيمسه اؤزونو اوزان اولانديرسا  
دا، ايشينده نه قدر باشاري گؤسترسه ده،  
سؤزسوز كي اتل اؤنو اوزان سايمايا جاقدير.  
دئمه لي بو صنعت داها چوخ معنوي ديرلره  
باغلي دير.

دده قورقود كيتابي نين اؤن سؤزونده  
اوزان باره ده باشقا بير سؤز ده ايره لي  
سؤرولموشدور كي، اؤنوبوگؤنكوديليميز جه  
دئسك، بئله سؤيله يريك:

وطن ايگيدلريني، ميلي قهرمانلاريني  
آلقيشلامايان، خلقي نين آمالي اوغروندا

+++++

خالقلا رين موسيقي لري، داستانلاري و  
شئعرلريني بيلمك اولارلا مان سايلماسا  
دا، اولار ي چاليب- اؤخوماق بو صنعتين  
اؤلچولرينه اساسن اؤنو يۆنگول ائدير،  
كۆچه- بازار موغني لري سويته سينه قدر  
اشاغي دؤشورور.

كۆچه- بازار اؤخوماقلا ر ي، يۆنگول هاوالاري  
دؤزگؤن اوزانلاردان ايسته ينده ده اولارلا  
هن دئميرلر. دؤغرو ائلامدا عاشيق اولانلار  
سازلا ريندا، سؤزلرينده هئچ واخت ظاليمي  
خائيني، آلقيشلامايير، اؤنون ايستكلري  
اوغروندا هئچ بير كيچيك آديم بئله  
گؤتورمورلر. ائله بونا گۆره ده قۇپوز بيزيم  
آتا- بابالاريميزدا مۇقدس سايلميشدير.  
سؤزسوز كي هر نه گلدي اؤخويان،  
هر نه گلدي چالان و اوزان حريميني  
سينديران، ظاليمي آلقيشلايان، وطن و

کدر- نیفرت- لرنی، عادت- عنعنە لرنی، اوغور و سارسینتی لارینی تامامیلە دیلە گتیریر. بئله کی آذربایجاندا لاپ اوزاق یئرلرە دە آذربایجانی گۆرمە میس موسیقی عالیملری بیزیم اوزان موسیقیمیزی ائشیتمکە بو موسیقی نین یاراندىجی یئرین نئجه طبیعتی، آب- هوا شرایطینە مالیک اۆلدوغونو، یئیە لرنی نین یاشاییش دورومونو بئله سۆیلە یە بیلیرلر. باشقا سۆزلە دئسک بیزیم قۇپوز- عۆمومییتلە موسیقی هاوالاریمیز آتا- بابالاریمیزین آتالری نین آباق سسلری ایله سسلەشیر، میلی، حماسی قهرمانلیق داستانلاریمیزدان، سئوگی و محبت داستانلاریمیزدان، درین ایناملاریمیزدان، هم ده عادی سؤسیال یاشاییشیمیزدان قایناقلانیر.

قۇپوز موسیقیسی نین چاغداش گۆرکملی نۆمایندهسی اوستاد عاشیق چنگیز مهادی پور نئجه ایل اۇنجه چۆخلو اوزانلار ایله بیرلیکده آلمانیا چاغیریلیمیشدی. اۇنلارین سازینی سۆزونو سئون بیر آذربایجانلی اۇنلاری هلنده آپاریر. اۇنلار هلنده آذربایجان موسیقیسی هاوالاری ایله چیخیش ائندن سؤنرا اوردادا اۇلان بیر موسیقی عالیمی بونلارا یاخینلاشیب دئیر: «من سیزین، دۆنیانین هانسی نۆقطه سیندن گلدیگینیزی بیلمیرم، آنجاق چالدیغینیز هاوالاردان بونو دوپورام کی، بوهاوالارین یاراندىغی یئرلر داغلیق، هاواسی سۇبوق، اهالیسی آرتیق محرومییتلە یاشایان بیر یئر دیر».

بونلارا اساسن بیزیم موسیقیمیز طبیعتیمیز و یاشاییشیمیزین سسی و اۆزک دۆیونتولری دیر. بیز موسیقیمیزی قاوراماق و سئومکە اۆزوموز قاوراییب سئویریک. ۲- بو صنعتین قالارقی اۆلدوغونا ایکینجی ندن، بونون ایلاهی و یا ایلاهی لشدیریلدی و موقدس- لشدیریلدی دیر. بئله کی بیزیم بو گۆنە قدر تانیدیغیمیز و

نه دئیرسه اۇلار دیر. غایبیدن دۇرلو خبر سۆیلردی. حق تعالی انین گۆگلینه ایلهام ائدردی.» (رسول علیه-السلامین زامانینا یاخین بایات بۆیوندان (ائلیندن) قورقود آتا دئیلین، بیر کیشی چیخدی. اۆ کیشی اۇغوزون تمام بیلجیسی ایدی. نه دئیرسه اۇلار دیر. غئیبدن چئشیتلی خبرلر سۆیلردی. حق تعالی اۇنون قلبینە ایلهام ائدردی).

شامانیزم دۆشونجه سی داشییان و ایسلام دینی بۆیاسی آلمیش بو جۆملە لرده دده قورقودون کیملیینی گۆسترمک ایسته یرکن، دده اوزانلارین دا نئجه لییی گۆستریلیر.

همین کیتابدا اوزانی خوش یمن، اوغور و خئییر سیمگه سی ساییراق دئیلیر:

« ائل و گۆنده چالیب- چاغیران اوزان اۆلسون! »

دۇنیامیلت لرنی نین هئچ بیرینده اۆلمایان، بیزیم میلیمیزده اۇلان و مینلرجه ایللر بوندان قاپاقدان باشلایان عاشیق عنعنە سی، عاشیق صنعتی اۇز تاریخی بۆیو چۆخلو ائیش- یوققوشلاری آرخادا قۇباراق، کۆکل و درین اۆلدوغو اۆچون، هابئله اۇزونو خالقی، مدنییتی و هۆنری قارشیسیندا سۆرولموی بیلن اوزانلارین چالیشلارای نتیجه سینده یۆلوندان جایما یاراق، دایانمادان اۇز یۆلوندان ایره لی گئتمکده دیر. نه اۆچون بو صنعت بو قدر سۆیلیمیش، بو قدر داوام ائتمیشدیر؟ بئله بیر سۆزغونو نئجه یانیت لا (جوابلا) یانیتلاماق اولار:

۱- بو موسیقی نین چۆخ سایی هاوالاری اصلی بییه سی اۇلان خالقیمیزین یاشادیغی طبیعتدن، خالقین یاشانتیسی و احوال- روحییه سیندن آلمنمیش و بو خالقین روحو، جانی، اتی، قاتی ایله یوغورولموشدور. داها دۇغروسو بوهاوالار چالینارکن دیلسیزلییی ایله خالقیمیزین، آرزو- دیلکلرینی، سئوگی- شنلیکلرینی،

«مرد ایله نامردی، قۇلجا قۇپوز گۆتوروب ائلدن ائله، بی دن بیه گزن اوزان تانییابیلر. همین عیبارته اساسن اوزان عاریف اینسان اۆلمالی، اۇنون گۆزو، دۆشونجه سی یاخشی ایله یامانی آبییرماق اۆچون میزان اۆلمالی دیر.

همین اثرین باشقا بیر یئرینده اۇخویوروق: آت قولاغی ساق، اوزان دیلی چئویک اۆلور. بو عیبارته گۆره آت قولاغی ان کیچیک هنیرتی لری ائشیدن کیمی اوزان دیلی ده چئویک، چابک، ایتی، کسگین، یئترلی اۆلمالی، گۆجلو و باشاریلی دانیشماق قابیلیتینە مالیک اۆلمالی دیر.

اوزان هئچ واخت حقیقتی دانامالی و اۇنو اۆلدوغو کیمی، دۇغرو- دۆزگۆن و بیر امانت کیمی دیله گتیرمه لی دیر.

اۇنجه سۆزونو سالدیغیمیز دده عاشیق لار، داها دۇغروسو دده مقامینا یۆکسلیمیش اوزانلار و عاشیق لار یوخاریدا گۆستردییمیز قۇشۇل (شرط) لاردان باشقا بیر سیرا اۆزلیکلری ده اۆلمالی دیر. بو اوزانلار ایچری لری و قلب لرنی پاک ائله مک و پاک ساخلاماقلا یاناشی داها یاخشی و یاریان ایش لری گۆرمکله ائلین ایچینده داها چۆخ یئر آچمیش، حۆرمت قازانمیش، ائلین آغساققالی، یۆل گۆسترنی، معنوی اۇندری کیمی تانینمیشلار؛ بئله کی ائل بیر چۆخ ایشلرینده اۇنلارا اۆز توتموش، سؤسیال دۆیون لرن چۆزومونو، ساواشانی باریشدیرماغی و چۆخلو قاباغا دۆشمه لر و آغساققالیق لاری اۇنلاردان اومموشلار. بو کیمی اوزانلارین داسۆزو کئچرلی اۆلموش، بوپوروغوندان بۆیون قاچیران اۆلمامیشدیر. دده قورقود کیتابی نین اۇن سۆزوندە ان مشهور اوزان اۆلموش و آدی بۆتون تۆرک میلت لرنینده ساییغی ایله چکلین دده قورقود باره ده دئیلیر:

«رسول علیه السلامین زامانینا یاقین بایات بۆیوندان» قورقود» آتا دئرلر، بیر ار قۇپدی. اۇغوزین اۆل کیشی تمام بیلجیسی ایدی.



موسیقیمیزین ائل ایچینده آرتیق حورمت قازانماسینا و یتر آچماسینا سبب اولموشدور.

بونودا آرتیق کی، همین داستانلاردا هانسی قهرمان سئوگیلیسی نین آردینجا گئندنه دالینجا خئییر دوعا اولورسا، اونون اوغورنا خئییر چیخیر، مورادینا چاتا بیلیر، سئوگیلیسی نین آردینجا گئندنه آتا-آناسی، ائل آغساققاللاری و ائل آغ بیر چکلری نین راضیلیغی، خئییر دوعاسی اولمایاندا، کرم-اصلی داستانیندا کرم کیمی اوغورسولوغا اوغراییلار. بو کیمی اولای لار دا ائله بئله تصادوفی دئییل، بلکه شوعورلو، بیله-بیله اولراق، داها چوخ تربیه وی مقصددا شیماقدا دیرلار.

اوزان مکتبی و اوزان داستانلاری نین اساس مقصدی سنون لری و ائشیدن لری نین دوزگون اخلاق، اینام، یاشایش طریزی، وطن و ائل سئوگیسینه یؤنلتمک دیر. همین داستانلاردا همیشه حق ظفر چالیر، حق عدالت یئرینی آلیر، حاقلی حاقلینا چاتیر، ناحاق ایسه اؤز ایشله دییی و دوشوندویو یانلیش و خیانتین سونوجونا اوغراییر. اوزان مکتبی نین چاغداش نؤماینده لریندن بییری ده عاشیق قشم دیر. مندن سؤروشسالار عاشیق قشم کیم دیر؟- دئیهرم:

- عاشیق قشم، اؤز ائلی نین گور سسی، اؤدلو نفسی، دانیشان دیلی، آغلایان گؤزو، گؤلومسه یین اؤزودور. عاشیق قشم، پهلوی رژی می و فئودالیزمه قارشى میلی موباریزه ده خلقی نین الی نین یاتماز بایراغی، کسگین یاراغی، حق سئورلیق، عدالت سئورلیک یؤلونا ایشیق ساچان چیراغی دیر.

میشوو داغلاریندان دایانیش، دیرنیش، دیک باشلیق ایله هامی آلمیش عاشیق قشم، وطن خائینلری نین، مدنیت دوشمنلری نین، اینسانلاری نؤکر، دیلسیز، قؤلو باغلی کؤلّه ایسته ینلرین

وورولوب یاران دیقدا ایمام علی (ع) نین دادا چاتماسی و اؤنو قورتارماسی، بهرام-گؤل اندام داستانیندا بهرامین خیضر پیغمبری گؤرمه سی، کلبی-حوری زاد داستانیندا کلبی ایله حوری زادین آتالاری آلماز و سالماز ادلی سؤوداگرلرین صدقه وئرمک ایله آتا اولمالاری، محمود-نیگار داستانیندا محمود بولاق باشیندا یوخلادیقدا قنبر ادلی تبریزی جوانی حضرت علی نین اونا قارداش وئرمه سی- یعنی ایکی بارماغی آراسیندان تبریزی، اوردادا قنبری گؤستریب،- اؤنوسنه قارداش وئردیم بویورماسی، سؤنرا میصیر شهرینده حسین پاشانین قیزی نیگاری اونا گؤستریب بوت وئرمه سی و چوخلو باشقا داستانلاریمیزدا بونلار کیمی اولای لار بو ایدعامیزین جانلی شاهیدی دیر.

داها آچیق سؤز بو کی، بو عاشیق داستانلاری نین چوخ درین کئچمیشیمیزده کی ایناملاریمیزدان، شامانیزم و ایسلام دینیندن ائتگی لنمه سی، همین سؤلجکلرین خالقیمیزین موقدس سایدیغی خیضر پیغمبر کیمی شخصیتلرله باغلی اولماسی و س، بو داستانلارین، باشقا عاشیق عنعنه لری نین، بونلار یانچی اولان و تکمیللشدیرن

+++++

اؤیرندییمیز عاشیق داستانلاری اؤرنک اولراق، دده قوربانی داستانیندا اؤنون دؤنیایا گلمه سینه سبب، سؤنسوز آتاسینا تانینمایان بیر درویشین بیر آلم وئرمه سی، هابئله قوربانی یا یوخودا حضرت علی (ع) نین پرینی بوت وئرمه سی، صیدی داستانیندا عم اوغلو- عم قیزی اولان صیدی ایله پری-نین، ایکی قارداش اولان آتالاری نین نذیر-نیاز ائله مه سی ایله دؤنیایا گلمه لری، صیاد-سادات داستانیندا هرات شهری نین ملیک توجاری اولان هدایت سؤوداگرین صدقه وئرمه بی ایله اوغلو صیادین دؤنیایا گلمه سی، صیادین بیر تجارت سفرینده دریا قیراغیندا بیر آغاجا سؤیکنه رک یوخلادیقدا «سادات» کرمان پادشاهی فاروق شاهین قیزی نین اونا بوت وئریلمه سی، وراق-گؤلشن داستانیندا سونسوز اولان ایکی آتانی صدقه وئرمه سی ایله قاپی-لارینا بیر درویشین گلمه سی، درویش بونلارین هدیه سینی آلیب ایکی آلم وئرمه سی، بونلار آلملاری قادیلاری-ایله یتمکله آتا-آنا اولمالاری، عاشیق غریب-شاه صنم داستانیندا تبریزی حسین ادلی جوانین بیر بولاغین باشیندا یاتیب یوخلاماسی ایله ایمام علی (ع) حضرت لری نین اؤنون یوخوسونا گلمه سی، تیغلیس شهری نین پادشاهی اولان قهراب پاشانین قیزی شاه صنمی اونا بوت وئرمه سی، هابئله توی پولو قازانماق اؤچون تیغلیس دن حله گئتمیش غریب عاشیق حبلدن تیغلیسه قایتمالی اولاندا اؤچ ایلیق یولو ایمام علی (ع) نین یاردیمی ایله اؤچ گؤنده گلمه سی، ایمامین آتی نین آیاغی آلتی نین تۇریاغی ایله آتا-باجیسی نین آغلاماقدان گؤرمز اولموش گؤزلری نین شفا تاپماسی، ائله جه ده توفارقالی عباس گؤلگزین آردینجا گئندنه، شاه عباسین آداملاری نین یولدا اؤنو قویویا سالسا دا مؤولا علی (ع) نین یاردیمی ایله چیخماسی، دیری-دیری قویلان دیقدا،

اۆلموشدور. اوعاشيق گلبگلر نين چۆخلو يۇنلر نين بيله رك، اونا اۆزكدن باغلي ابدى؛ يعنى قوپوز چالراق، ملاحظلي سس ايله اۆخوبور، دستان قۇشور، شئعر سؤيله يير، ائله جه ده سازهاوالار نين ياخشى تانيير، يئني سازهاواسي يارادايلىيردي. بونلاردان دا اؤنملي- پاك كؤنول، پاك گؤز، خئيرخواه بير روحيه يه ماليك، سؤزونو دئمه يي ياخشى بيلن، سؤزون يئر نين تانيان بير ائل آغ ساققالي دير. بونو هم اؤنو گؤرن لردن ائشيتمك اۆلور، هم ايچريسي نين گؤرونوشو اۆلان، «ائل مني ائمان»، «وطن بؤلبولوم، ائل عاشيقي يم» و «عاشيق قشمين ياشاييش و ياراديجيلىغي» عؤنوللي كيتابلاردا باسيلان شئعرلر نين دويماق اۆلور.

بونلاردان علاوه «عاشيق قشمين ياشاييش و ياراديجيلىغي» ادلي كيتابدا اؤنو تانيانلار طرفيندن ايره لي سؤرولن فيكي رلر دن، هابئله همين كيتابدا باسيلميش «عاشيق قشم ايله اربابين حكاية سي» باشليقلى مقاله دن ده اؤنو چۆخ گؤزل اؤيرنمك اۆلار. بو دده قورقود يادىگاري و داوامچيسي نين بير پارچا اؤيودونو بيليريكده اۆخوبوروق:

بشر اؤدور يامان گؤنده دؤست داليندان قچماسين  
گيزلين سيرين بو دؤنيادا هر نادانا  
آچماسين  
تيكه دؤستي سالار گئدر، يامان گؤنده  
دايانماز  
نامرد ادام كؤرپو سالسا، اؤمود اۆلوب  
كئچمه سين.

قشم ده نه يالتاقلانماق وار، نه هر ياراماذا يالوارماق. اؤ اؤزونو يئتيشدير ميش، چۆخلو اينسانلىق و اوزانلىق ديلر نينه ماليك اۆلان، هميشه آلاها آرخالانان، هميشه اؤندان يارديم اومان بير اينساندير.

هركس بير يار ايله تاريخده ياشار  
كردگاريم كي مي يار اولا بيلمز

حقيقتدن ده ايمدادى گر كدير. عاشيق قشم دؤخسان ايله ياخين عؤمرونده چۆخلو چتينيلىكلره قارشىلاشميشدير سا، اؤز دىنجليبي و اؤزل ياشاييشي اۆچون هئچ واخت عاشيqliق دب لريني، رسم لريني اياق آلتينا قويماميش، اؤزانلىغي حؤرميتيني سيندير ماميشدير. ائله بونا گؤره ده قدير بيلن ائليميز اؤنو هئچ واخت انوتماميش گؤنو- گؤندن آرتيق ائميش و ايندي- ده ائماقدا دير. قشم اؤز ده دئبير:

ايلار دؤور وورار، ايللر دؤلانار  
بيليرم نيم ده بير دؤورانيم وار  
بولود آلتدا قالان گؤن شافان وئر  
خلقمين يانيندا اديم- سانيم وار  
اؤنجه ايشاره ائديلن كي مي هميشه ائل  
عئشقي ايله ياشايان، ائل قايعيسي چكن،  
وطني و ائلي نين ايستكلريني، خئير نين،  
اؤزونونكولردن قباق بيلن اوزان بير  
شئعرينده دئبير:

خلقي باشا سالديم، اؤزوم قوجالديم  
يانديم اؤز درديمي ايچري سالديم  
ائليمين قاداسين، بلاسين آلديم  
دئديم خوش گؤن ائلين، بو  
داغلار منيم  
عاشيق قشم دؤغرو ائلامدا اؤزانلىق  
شرطلر نين چۆخونا بيه لن بير اوزان

+++++

اؤنوده يئنيلمز، ايلمز دا يانيش و دير نيش  
هئيكلي دير. رحمتليك پروفئسور زهتابي  
هله باغداددا ياشاديغي ايلرده عاشيق  
قشمه يازديغي بير منظومه سينده بئله  
دئميشدي:

سلام ميشؤووومون اؤلولوسسي  
شاهباش ايمه دين هئچ زامان قشم  
ياشاگونئيمين اؤدلونفسى  
پيس گؤنده ائل ايله ياشايان قشم...

اؤزان صنعتي نين گؤركملي و دؤزگؤن  
نؤماينده لر يندن اۆلان، اوتوز ايل بوندان  
اؤنجه(ه ش. ۱۳۶۸، م. ۱۹۸۹)  
دؤنياسيني ديشن عاشيق قشم جعفري  
محمدعلي اؤغلساده جه ساز چالان، سؤز  
اؤخويان، مجلس يولا سالان بير عاشيق  
دئيلدير. بيليرسيز كي گئچن يوز ايلده،  
ائله بو تاي آذربايجاندا يۆز لجه عاشيق  
گليب گنديدير. اؤنلارين ايچينده ياخشى  
سس، شئعر قريجه سينه، ساز چالماق  
قابيليتينه ماليك اؤلانلارين دا سايب آز  
اؤلماييدير؛ اؤنلارين داها ميسي نين امه  
يي تقديره لاييقدير؛ آجاق بيز بو گؤن  
اؤنلارين ايچيندن هله ليك عاشيق قشمه  
عزيمه تؤرني كئچيريريك. بونون ندي  
ندير؟

بونون سببي عاشيق قشمين عاشيق ليق  
شرطلر نين هاميسيني دئيه بيلمه سك  
ده، داها چۆخونا ماليك اؤلماسي، ائل  
ايله اؤلماسي، ائل ايله ياشاماسي، ائل ايله  
اغلالماسي، ائل ايله گؤلمه سي دير.  
ائل ايله اغلاليب، ائل ايله گؤلوب،  
ائلي نين درديني اؤز دردي بيليب،  
اؤزو اخيرده بير ائله چئور يليب  
نه قدر ائل وارسا، قشم ده واردير.

عاشيق قشم اؤز ده دؤغرو معنادا عاشيق و  
اوزان اؤنلاردا اؤلمالي بير سيرا شرطلر ي  
بير شئعرينده ترنوم ائدير:

بیر کامیل اوستاددان درسيني آلا  
ائل ايچينده پاك دؤلانا، پاك قالا  
تجنيس، ديواني دن خبردار اؤلا

- عاشيق اۋزو اسكي بير كيتاب ايدي؛  
دئمك اولار اۋز عصرينده گونئي  
ماحالي نين جانلي تاريخي ايدي.  
تدقيقاتچي عاليم و شاعير اوستاد يحيي  
شيدا عاشيق قشم باره ده بير مقاله سينده  
ياز ميشدي:

- هر گاه دئسك كي، او تايلى - بو تايلى  
عاشيق صنعتي عاشيق قشم سيز  
تشكىللىشه بيلمز - يالان دئيل.  
توركبه لي عاليم و فولكلور شوناس پروفئسور  
ياووز آك پينار عاشيق داستانلاريني  
تويلاياركن بير نئجه تورك اولكه سينه  
باش وورور. چوخلو داستانلاري بيلنلردن  
اۋيره نير و قلمه آير، توفارقانلي عاباسا  
يئتيشنده، او تايلى فولكلور شوناسلار  
دئيلر:

- «هنچ كيم اۋنو گونئيلي عاشيق قشم  
كيمي ياخشى بيلمير». عاليم همين  
داستانى قلمه آلماق اۋچون تبريزه گلير  
و سۈروش - سۈروش گلير، عاشيق قشمي  
كۈندور كندينده تاپير. اۋنون قوناغي  
اۋلور، سۈزو گئند داستانى و چوخلو باشقا  
سۈزلري سۈروشور، قلمه آيب گئدير.

بيز بو گۈن آدي - سانى، سۈزو - ساوي  
يۈزلرجه ايل اۋنجه دن گليب بيزه چاتان  
حاق عاشيقى و آدينا داستان باغلانميش  
دده قوربانينى، حلال روزو آردينجا  
تيفليس دن حله گئند عاشيق غريبى،  
ناموسونو، شرفيني قوروماق اوغروندا شاه  
عاباسلا دۈيوشن و ناموسونو اۋنون ليندن  
قورتاران توفارقانلي عاباسى، سالى - سۈزلو  
دده علسگري، درين معنالى قوشمالاري،  
اۋبودلري اۋلان خسته قاسيمي، چوخلو  
اۋلوب - گئتميش ساز - سۈز اوستالاريني -  
ياشاييشى داستانلاشميش، حلال روزو  
اوغروندا جلالي وطن اۋلموش، كيميلىنى،  
وطنىنى، ديلينى، مدنيتىنى ميلي ناموسو  
بيلن، وبونلارين اوغروندا جانيني اسيرگه مه  
ين عاشيق قشمده تاپيريق. يۈلو داۋاملى،  
روحوشاد اولسون، مزارى نورلا دۈلسون.

اۋزلره و سئون لرينه بير قوللوقجو، زحمت  
چكيب - ميئتسىز خيدمت ائدن ساياراق،  
اثل، وطن خائين لرينه، اۋنون هۈنرى،  
دۈشونجه سي، آزادليغي و تودوغو يۈلا  
پيس باخان لارا، آچالدىن - لارا دا اۋلدوقجا  
زهرلى اۋلدوغونو دئمك ايسته ميشدير.  
دئمك او ياخشى لارا اۋلان مۇناسيبتىنى  
هر يترده بيلديره - بيلديره، يامانلارا اۋلان  
مۇناسيبتىنى ده گيزلتمه ميشدير. اۋنون  
بو كيمي فيكىرلري اشاغيدا كي «جىغالى  
تجنيس» شئعر پارچاسيندا داها آرتيق  
دويولماقدادير.

قشم گۈلبوم قۇشو گيره گۈلشانه  
شئيدا بۈلبول اۋچا، گيره گۈلشانه  
ائليم گيره گۈلشانه  
بۈلبول گيره گۈلشانه  
گۈروم وفالى يارين -  
تئلرينده گۈل، شانه

حقيقى دۈست ايله گيررم گۈلشانه  
اۋزوم گۈلمز باخيب ياغي گۈرونجه.  
او خئييرلى، گۈزلىك گتيرن طبعي  
قوۋه لره خئيير دوعاۋر ميمش، اۋنلارا، هابئله  
وفالى يارينا و نهايتده اۋزونه و حقيقى  
دوستونا خوش گۈن آرزولاماقلا ياناشى،  
اۋزونو اۋنلارين يانيندا ايسته يركن، ياغي،  
ياد - يابانچيني دا آري كيمي سانجماق  
اۋچون، «اۋزوم گۈلمز باخيب ياغي  
گۈرونجه» - سۈيله ميشدير. هابئله مرد ايله  
نامرده اۋز مۇناسيبتىنى بيلديره رك، مردين  
يارما آشيني آلقيشلاماقلا برابر، نامردين  
پيلۈوندان قاچماغي دا تاپشير ميمش و بئله  
- ليكله اۋنودالاميش، زهرله ميشدير:

نامرد ايله پيلۈو بئمه، مردله يى يارما آشى  
عاقيل، نامردين بير ايچيم سۈيونو دا  
ايچمه سين!

عاشق قشمين عۈمرونون سۈن ايللرينده  
كۈندوره گئديب اۋنونلا گۈروش عاليم  
و يازيچى رحمتليك اوستاد عبدالكريم  
منظوري گۈروشونون نتيجه سيني يازاندا  
بئله بير جۈمله لر ايشلتميشدير:

بالاجاتپه نين چيسگيني اولار  
اۋجاداغلار كيمي قارا اولاييلمز  
قشم بعضى شئعرلرينده اۋزونو «زنبور  
قشم» كيمي تانيدير - اۋرنك اولراق:  
زنبور قشم، قضا سنله دۈلانير  
غمير گلير بير - بير اۋسته قالانير  
ويا:

زنبور قشم هله ياشدا جاواندى  
اۋن ايكي ياشيمدان جىگريم قاندى  
هابئله:

زنبور قشم غم ائيله مه تاريخ بۈيو وار آدين  
الله شيرى ولي الله شاه - مردان اۋستادين  
يئنه ده:

ياسين، الرحمن عزيز دير ياز بيليدير قرآندا  
قالخ آياغا زنبور قشم، بۈش قالان مئيدانه  
باخ

بيزه بئله گلير كي، عاشيق قشم بو تخلوصو  
ائله بئله و حئسابسىز - كيتابسىز سئچمه  
ميشدير. بونا گۈره كي، اۋ درين دۈشونجه  
لي، اۋنجه سۈيله ديبيميز كيمي سۈزو  
يئرینده دئين بير اۋزان ايدي. بس فارس  
ديلينده «آري» آنلامى داشييان بو كلمه ني  
تخلوص سئچمكدن مقصدنه ايميش؟

منجه عاشيق قشم بو سۈزون آنلاميني  
و آري نين - اۋزلىكله ده بال آريسي نين  
خاصيت لريني نظره آلاق، زنبور سۈزونو  
ده «گونئيلي قشم»، «كۈندورلو قشم»،  
«قلندر قشم» عيبارت لري سيراسيندا  
اۋزونه تخلوص گۈتور موشدور. نجه كي،  
«گونئيلي قشم» اۋنون هانسي بۈلگه  
دن اۋلدوغونو، «كۈندورلو قشم» هانسي  
كنددن اۋلدوغونو، «قلندر قشم» اۋنون  
دۈنيايا بئل باغلاماديغيني، دۈنيا مالينا،  
مادي بزه ك - دۈزكلرينه آلانماديغيني  
اچيقلاير. هاميميزين بيلديبي كيمي بال  
آريسي نين دا اۋز بيه سينه خئييرلى، امما  
اۋزگه لره، اۋنواينجيدن لره، ادبيت ائله ين لره  
زيبانلى زهرلى اۋدوغونونظره آيب، بعضى  
ده اۋزونو «زنبور قشم» آدلاندير ميشدير.  
اچيق سۈز بو كي، عاشيق قشم اۋزونو،

# صنعتینه عاشیق اولان، عاشیق قشم

(۱۲۸۰ - ۱۳۶۸ گونش ایل)

کوندورده او گوئی ده  
کیم منی خبر آلسا  
عزیزیم اوگوئی ده  
قبریم او گوئی ده



جواد دربندی



▲ اوستاد عاشیق قشم و اوغلان نوه سی دلبر

قشم، عاشیق محمد علی اوغلو، آذر بايجانين ميشو داغينين اتينده يئرلشن « کوندور » کندینده بیر اکیچی عایله سینده دونیایه گۆز آچیر. ایلک نوجوانلیق چاغلاریندان، یاشاییش چتینلیک لريله اوز به اوز اولان کند اوشاگی، مهاجرت مجبوریتینده قالب، اتای آذربایجانا کۆچور. اوزون مدتدن سونرا ۱۳۱۳- جو گونش ایلینده وطنه قاییدیر. عاشیقین ایلک معلمی آتاسی عاشیق محمد علی اولسا دا، بو صنعتین مکملشمه سی اوچون، شوروی سابق ده قشم اینجه صنعت خادملری مکتبینه یازیلیب، نئچه- نئچه اوستاد عاشیق لاریندان درس آلیر. بو جمله دن آدلیم عاشیق اسلام یوسف اوف (۱۸۹۳) و مشکینلی عاشیق اسد ( گونش ایل ۱۲۶۲) و باشقا شاعیر لريله ده یاخیندان تانیس اولوب آنادیلین وادیاتین کسب ائدیر. دئمک بوساحه ده استعدادینا و ماراغینا باغلی بارا گلیر.

## ● عاشیق قشمین عاشیق صنعتینده اؤز لیکلری:

قشم، دنیا گۆرموش صنعتکار، یارادیجی و بیرنجی مجلس دولانديران خلاق عاشیقدير. ایفا و اجرا زامانی مجلسده مناسب فی البداهه شئعر قوشماق هنرینه ده مالک ایدی. اؤز صنعتینی مقدس سانیبان، دده عاشیق لار قایداسیلا مجلس کئچیرردی، هنرینه دریندن حؤرمت بسله ییب، عاشیق لیک نظامیندان چیخماز ایدی. دده لرین یولونون داوامچیسسی اولان بو تعهدلی عاشیق، دئمک اولار فولکلور دونیامیزدا دا، ملی ارثیمیز ایدی. عاشیق علسکر کیمی مجلسی مفتاح المجلس ( دیوانی، استاد نامه، تجنیس، ائل هاو لاریلا باشلا ییب و مخمس یا دوواق قاپیا و دستانیلا قورتار ایدی. هئچواخت دا سازی اؤزونه چورک

آغاجی ائله مه دی، و هر یونگول و بایاگی شئعی و تصنیفی ده سازدا چالیب اوخومادی، بلکه فرصت اله دوشنده ده اکیچیلیک کناریندا اثرلر یاراتدی. بو یاراتدیگی اثر لردن، چاپا وئرلمه یین شئعر لریندن سا وای نئچه چاپ اولموش اثری خلقی اوچون یادگار قویدو.

۱ ائل منی آتماز ۱۳۵۸ گونش ایل نشر سوآلان

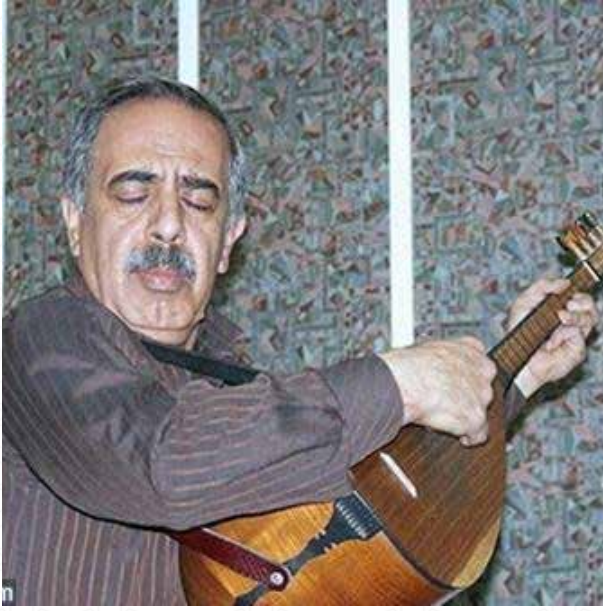
۲ وطن بولبولویم ۱۳۷۲ نشر هادی

۳ عاشیق قشمین یاشاییش و یارادیجیلیگی، اوستاد گونئیلی و عاشیق مظاهر جعفری

۴ ۱۳۹۳ تبریز تلویزیاسیندا (صدا سیما) عاشیقین

آپاردیگی مجلس لردن چکیلدیگی فیلملر

۵ عاشیق داستانلاریندان و یارادیجیلیغیندان گنجه سفری،



▲ استاد عاشیق ایمران حیدری  
نمونه فاکتلازداندی.

اورمو سفری، مشهد سفری، اربابیل حکایه سی و.. نئچه -  
نئچه خاطره سی اوغنونون دیلیندن (عاشیق قشم) کتاییندا  
گتیریلیبیدیر.

### ● عاشیقین اخلاقی و اجتماعی دورومو

عاشیق شیرین سؤزلو و سازلی صحبتلی، سفره سی هامیلارا  
آچیق، موحد و عارف، قورخماز و آینماز بیر صنعتکاریدی.  
اویندیسی بوز باشی، الوان و خان سوفره لریله دئییشمه دی.  
اوزو گولش، خلقی باریشدیران آق ساققال ایدی. ساز سوز  
میدانیندا دا آز گتیر مزیدی، دوغرودان دئییشمه میدانیندا  
آرخاسی یئره گلمه یین بیر پهلووانیدی. مختلف شئعرلره  
حکایه لره محبت و قهرمان داستانلارینا باجاریقلی، عاشیق  
شئعرلرینه داها تانیس و باغلاما بیلن ساده گئیملی، ازونو  
خلقیندن آیرمایان بیر صنعتکاریدی، بایاگی صنعتدن  
و صنعتچی دن خوشو گلمازیدی. یاشاییشیندا همشه  
کاسیبلاری سئچیب، زورا کارلیق و یارامازلیقلارینا مخالف و  
دوروشانیدی.

عاشیقین آیدینلاتما اوغروندا چالیشماسی و دانشجولاری  
ساز وسوزایله تانیشتیر ماسی و رغبت ایله منتسیز چالیب  
اوخوماسی اونودولمازایدی. نئجه کی نایب اسدالله\* نی  
آلتین و موسیقی سین اغول دان دربارا آپاردی، قشم ده  
سازلی و عاشیقی کندن چیخاریب دانشگاها آپاردی.  
اونوتمایاق کی، نئچه عاشیقین بو یولدا نقشی اؤنملی ایدی،  
از جمله، عاشیق اصلان خویلو، حسن اسکندری، رحمتلیک  
عبدالعلی نوری و رسول قربانی.

آرتیرمالیبام آذربایجانین داهی  
تاریخچیسسی، آراشدیریجی شاعیری،  
پرفسور ذهتابی عاشیق قشمه دریندن  
حورمت بسله ییب و مکاتبه و مروده  
لری وارایدی. بو شئعر اونون مکاتبه  
لریندن قیسا اؤرنکدیر.

سلام میشوومون آلولو سسی  
شاهها باش ایمه یین، هئچ زامان قشم  
پیس گونده ائیلین یاشایان قشم  
یاشا یاشاگونئییمین ادلونفسی

### ● عاشیقین یوردونا علاقه سی

عاشیق غربنده فالان چاغلاردا دا  
ائیلین سوراغینی توتارایدی. اشاغاداکی

### ● دورومو؟

باد صبا، خبر گتیر وطن دن  
خانیمانلار دورومو؟  
من گؤردویوم طرفه جانلاردورومو؟  
سینه سی ناخیشلی، قارداش باخیشلی  
منیم احوالیم قان اغلار سیرداش  
هجرا نین او دیلا یانیرام قارداش  
منی یادا سالسین عزیز و طنداش

آت اوینادان نو جاوانلار دورور مو؟  
من قشمی گؤرن حالیم اغلار  
دردلریم چوخالیب سینه می داغلار  
گؤی چیمنلی داغلار چیچکلی باغلار  
گشت ائتدیییم بیابانلار دورور مو؟  
اؤلمه میشدن قاباق دئییلن بایاتی:  
عزیزیم یولو دوشه ر قاریاغار دولو  
دوشه ر  
قبریمی گونئی ده قاز یار گلر یولو  
دوشه ر  
قشمین مختلف قوشمالارینا نغمه  
لر(هاوالار) بسته لیب مجلس لرده  
اوخونوبدور. نمونه سی اشاغادا گلن  
دورنالار شئعیریدی.

+++++



### ● دورنالار

گونش قاباغینی بولود کسنمز  
 دولانیرسیز ائلدن ائله دورنالار  
 گۆزلریز ایشیقدی بیر یاری گۆرون  
 بولبول مایل اولار گوله دورنالار  
 قاطار- قاطار نه دوزولوب گلیرسیز  
 مغربدن مشرقه ایشلر نفسیز  
 بوتون یئر اوزونه وادردیر هوسیز  
 قویمایین توز قونا تئله دورنالار  
 وورار قاطاریزی سالار فرالی (فراری) \* بیر آز قارا قوشدان  
 گزین آرالی  
 قشمی آختار ساز گونئی ماحالی  
 بیر نامه وئرسیز ائله دورنالار

### ● سون سفر:

ائل بسله یین و ائل یاشادان و ائلیله یاشایان ائلیله  
 اغلیان ائل ایله گولن، غم گونلرینده خلقینه تسلی وئرن و  
 یاس مراسم لرینده اشتراک ائدن یاس ساخلایان، یاخشی  
 گونلرده شنلیک یارادان، گلینلر کؤچوردن عاشیق بو آدلاری  
 دا، ائلدن پای آلدی:  
 عاشیق قشم، قشم عمی، قشم دایی، قلندر قشم، قوجامان  
 عاشیق، عاشیقلار آتاسی، زانبور قشم. تاسفلر کی بو خلق  
 صنعتکاری، دورنا گۆزلو بولقلاردان، قیزیل گول، ساری  
 بولبول، گۆلردن و چیمیشن سونالاردان الهام آلان عاشیق،  
 ۱۳۶۸ ینجی ایلین پاییز فصلینده، عاشیقلار کروانیندان  
 آیریلیب حیاتا گۆز یومدو، بو آجی خبر عاشیقلار دونیاسینی  
 ماتمه بورودو، رحمتلیک اوستاد عاشیق عزیزشهنازی بو  
 خبری ائشیدیبین دیزینه چالیب آغلادی:  
 ائشیتدیم گولشنه خزان یئتیشدی  
 اوچوبدو بولبولوم گولومدن گئدیب

نتجه آغلاماییم ، غمگین اولماییم

بیر لقمان کاماللی الیمدن گئدیپ!  
 روحو شاد یئری جنت، یولو داواملی اولسون. امینم کی نه  
 قدر عاشیق، عاشیق صنعتی، دو شونجه لیک، دونیادا و و  
 طنمیمزده واردیر، قشم ده اورکلرده فالمالیدیر. مقاله نین  
 سونوندا درگینین زحمتینی چکن ضیالی همشهریسی  
 مهندس صالحی حضرتلرینه و همکارلارینا دا اللرین  
 آغریماسین و سهندین بو شئعریله سوزومه سون قویوب،  
 مراسیمی قورانلارا داعشق اولسون دئییرم.  
 ...قورخما آتا، قورخما، واران یوردوندا

قویمارام قویمارام سؤنه اوجاغین  
 حایفدیر قوپوزون بییه سیز قالا  
 هله یئنی گوللر آچاجاق باغین  
 حاییف اولسون سنه آی عاشیق قشم!

آذر آبی ۱۳۹۸

\*\*بو قوشمانی استاد عمران حیدری ، ایران آذربایجانین آدلیم قوپوز اوستادی و منیم ایلک ساز معلمیم ، آغیر شریلی هاواسیندا سازدا چالیب  
 وایرانی آواز اوستادلاردان بیرى اوخوبودور. بو کاست یئتمیش اینجی ایللرده یایلدی. اما استادلارین نظرینه گۆره سازین قاری کؤکونده  
 (شاه پرده) اوخونان، بو عاشیق نغمه سی عاشیق بوغازی ( حنجره ) سی ینی طلب اندیر. ندن کی قئینتمه لر اؤزل عاشیق تحریریدی و  
 فارسی ردیف خوان بوغازیلا و تحریریه اوخونسا شیرین چیخماز و رحمتلیک عاشیق حسین ساراشلی اوخودوغو شریل هاواسیلا دا فرقی  
 چوخدور.

\* قارا قوش: عقاب

\* نایب اسداله اصفهانین اوستاد (نائی) سی ایدی. دندیک لره گۆره او گون اییلن زامان چۆلده نئی چالاندا، بیر ایلان یووادان چیخیب اونون  
 کناریندا قیوریلیب نغمه قورتولاندان سونرا یوواسینا قاییدارمیش. و بو صحنه دن شکل چکیلیب لندن موسیقی آرشیوینده ضبط اولوبدور. بو  
 هنره مالک اولان اسدالله نئی اغولدان دربارا آپاریب و تانیتدیرمیشدی. نئی اوستادلاری دئییرلر: ( نایب اسدالله نی را از اغیل به دربار برد  
 و استاد کسائی آنرا از دربار به عرش رساند.)

## داور زمانخاندان یادداشت لار

ج: داخی یوخ! سیم-میم یوخدور!  
هئچ نه یوخدور!

س: ایندی سازینیز یوخدور؟

ج: وار، سیمی یوخدور. گئندمیرم،  
تاپنمیرام دای سیم قوشوم.

س: گولگون ایسته بیر ساز چالاسینیز

ج: آه-هئی! قبر ائوینده ده او منیلن  
یولداش دیر.

س: بویوروز، سیزدن سونرا سیزین

یولونوزو کیم دوام ائده جک؟

کیم گلیب، سیز قشمین یئرینی  
توتاجاقدیر؟

ج:

یوخ عاشیغام بیر ده یاز

قلم گؤتور بیرده یاز

او، بولبول خیالی دیر

داها گلمز بیر ده یاز

\*\*\*

از دوستان او می توان به عاشیق حسن اسکندری، داور زمانخانی (نویسنده ی کتابهایش)، عاشیق کاظم قوربانی، عاشیق یعقوب چوپانیان را می توان نام برد.

\*\*\*

از اطراف و اکناف برای دیدار او می آمدند. از جمله شخصیت‌های بزرگی چون، وُمد بهرنگی، استاد شهریار، پروفئسور زهتابی، سلیمان رستم، یحیا شیدا، حسن راشدی، عاشیق عمران حیدری، عاشیق حسین جوان و فولکلور شناس مشهور ترکیه یاووز آک پینار با او دیدار و یا مراودات شعری داشته‌اند.

\*\*\*\*

مظاهر (قشمین اوغلو): استاد دئیّه ردی کی، ائل گرک بیر ائلدار ی سئچه، او نون اوتوروشون، اونون دوروشون بیلسین! اونون ائل ایله رفتار ائه دییین، ائل ایله کئچین دییینی، ائل گرک تعیین ائتسین. دئیّه لر باخ، فیلان عاشیق «ئل عاشیقی» دیر.



▲ از راست به چپ: قربان بختیاری (عکاس)، فیروز حسین زاده، میر جعفر شریف، عاشیق قشم، داور زمانخانی، مظاهر جعفری (فرزند قشم)، برق (همسایه)

شاعیر و آراشدیر جی همکاریمیز، داور زمانخانی «دؤنمز» بیر سیرا یادداشلار، و شکیل لر الیمیزه چاندیریلار، اؤنجه او سایین قلمداشیمیزدان میننت دار لیغیمیزی بیلدیره رک، او یاز بلاردان سئچلمیش پارچالار کیمی اتک ده گتیره رک، او عزیزیمیزه یورولما یاسانیز دئییب، اوغور لار دیله بیر یک.

س: نئچه یاشینیزدا سازی الینیزه آلدیز؟

ج: اون ایکی سیننیمده

س: عاشیق نه دئمک دیر؟

ج: عاشق آیری دیر، عاشیق دا آیری

دیر. عاشق اؤیرنمه بیر شتی دیر.

گؤز اؤیره نیر. اما عاشیق داییم زینه

چئشمه دیر. داییم آخیر. او آخماقدان

دریالار اله گلیر.

عاشیق گرک سؤزو اوخوسون دم دن

بولبول کیمی ایلهام ال سین چمن دن

بو سؤزلر یادگار قال سین قشم دن

خلق ایچینده تمیز آدی گرک دیر

س: بو گونلر کی، تک-تنها ائوده قالیر

سان، یوخسا ساز چالیب. اوخویورسان

یئنه؟

رادیو تبریزین آپریجی سی ایله عاشیق قشمین قونوشماسینین خولاصه سی:

س: آدینیز نمه نه دیر؟

ج: قشم جعفری

س: بورا نه کندی دیر؟

ج: بورا کوندور دور

س: سنه عاشیق قشم دئییرلر، عاشیق

قشم نئچه یاشیز وار؟

ج: ۸۵

س: نظرنیز عاشیق لیغا نه دیر؟

ج: عاشیق دندییین بولبول میثالی

دیر کی، همیشه گولوستان سئور. مند

عؤمرومده هذیان اوخومامیشام. ۶۸ ایل

عاشیقلیق ائندیم. ائله پیغمبردن، علی

دن، ولی دن، تاریخدن، حیاتدان، بئله

شتی لردن اوخوموشام.

اؤزایشینه گئت! بیلدین؟  
دئدیم: نئجه خطرناک آدم دیر، اوغرو دور؟ قاچاقچی دیر؟ نه دیر کی؟  
دئدی: بیلمه سن یاخشی دیر. اونون دؤوره سینه دولانما، بیلدین؟  
دئدیم: بعلی، اما گرک من بیلیم کی، نئجه خطرناک دیر. اوغرو دور، قاچاقچی دیر، قاتیل دیر، نه دیر؟  
دوروب، سلمانی توکانینی ترک ائتدیم. سونرالار بیلدیم کی، عاشیق قشم نه اوغرو دور، نه قاچاقچی دیر، نه قاتیل دیر بلکه او بیراینسان دیر. دوشونجه لی بیراینسان، مظلوملار طرفداری، عدالت سنور، ائل سنون، الدن توتان، اوزاقلاری گؤرن بیر ضیالی دیر.  
من چوخ چالیشدیم کی، اونو یاخشی تانیییم و یاخشی تانیندیریم، آلاها شوکورلر اولسون کی، بواسته یه چاتدیم. ائله کی عاشیق قشم سؤزلرینی منیم اختیاریمدا قویدو. و منی اؤزونه اوغول و وارث کیمی تعریف لردی. عاشیق قشم ایلک کیتابین «ائل منی آتماز» گؤردو. و من دن چوخ راضی لاشدی. تأسفلر اولسون کی، ایکینجی کیتابین (وطن بولبولو ییم- ائل عاشیقی ییم) گؤره بیلمه ییب، فانی دونیایا گؤز یومدو.  
منیم ظنیم جه عاشیق قشم اؤلمه ییب، بلکه ده دوغرو دان- دوغروسو حیاتیینی ده ییشیب دیر. اونونیا شاییشی، اثرلری، سؤز-صؤحبتی و اونون اونودولماز حؤرمتی داییم خالق ایچینده یاشاییر و یاشایاجاقدیر.  
تأسفلر اولسون کی، من ائلییه بیلمه دیم اونون کؤکونه چاتام، اونون اوچون دئییرم:  
عاشیق قشم بیر سیرر دیر، آچیلمامیش و بیراینام دیر، اوخونمامیش من عاجیزم بو عرصه ده ساغ و سالامات قالین

آندا باشیمین دالیسیندا اونو گؤردوم.  
من بیر گوزگونون اوز به اوزونده ایلشمیشدیم. گوزگوده گؤردوم دال طرفده بیر یاشلی کیشی، الینده چلیک، گؤزونده گؤزلوک، اینینده قویون دری سیندن بیر جیلیققا، اوزونو منه توتوب سوال وئریب،  
دئدی: آغا معلم، سیز بیزیم کنه تازا گلیب سیز؟  
دئدیم: بعلی عمی جان! نئجه؟  
دئدی: واللله بیزیم سوال سورغوموز اولسا بیلن یانینا گئده ریک، دئدیم سن معلم سن، یقین بیلر سن!  
دئدیم: بویور عمی جان، سورغو- سوالین نه دیر؟  
دئدی: آلاسه دان گیزلی دئییل، سن دن نه یی گیزله دیم، منیم ائویم خیردا دیر. اوتاغین آلتیندا بیر بالاجا طویله دوزلتمیشم، بیر دنه بویونزولو کئچیم وار، بیر دنه ده قوتور قویونوم. بویونزولو کئچی قویومور او قوتور قویون کؤپسون تامن ده یاتیم. بویونزویله اونو وورور، او دامله ییر. من ده یاتانمیرام، نئله ییم؟  
دئدیم: او چوخ آسان دیر عمی جان! بوردان گئت، او بویونزولو کئچی نین بویونزلارینی دیدن قوی یئره، گؤر کئچی نئجه حمیل حیوان اولاجاقدیر!  
دئدی: په هؤو! پ هؤو!دئمه لی کئچینین بویونزلاری اوینادیر! په هؤو، په هؤو... و سلمانی توکانین ترک ائدیب چلییینی یئره چالا-چالا گئندی...  
من ایسه وئردیییم جاوابدان راضقالیب، سلمانی یه باخدیم. گؤردوم او عصی لشیب دیر. بیر آز منه باخیب، بیر دن بیره دیله گلیب: سن اونو تانییرسان؟  
دئدیم: یوخ نئجه کی؟ من کی، تانیمیرام، سن نئجه؟ سن تانییرسان؟  
دئدی: بعلی کی تانییرام! او قاچاق قشم دیر. او خطرناک دیر! اولمویا اونا قوشولاسانها!  
اوندان ضرر گلر، سن معلم سن

\*\*\*

یعقوب چوپانیان: لاپ سون وقت لرایدی، گئتدیم بونو باشی اوسته، دئدیم کی، دایی دور آیاغا دانیش!  
دئدی:  
بارایلاها سن اول «پشت و پناه»-یم غم لشکری هجو چکسه نه دئییم؟  
بو دونیادا گیزلین اولان گوناھیم او دونیادا آشکار اولسا نه دئییم؟  
یازیق قشم بو دونیانین بسین دن اوخوموسان الیف، لام، میم، یاسین دن انکیر، منکیر، قیل و قالی، سسیندن قیصا؟ (بلکه سیخسا) قیریم، اودا دولسا نه دئییم؟

\*\*\*

ساغدان سولا: قربان بختیاری(عکاس)- فیروز حسین زاده- میر جعفر شریف(موسیقی هوسکاری)- عاشیق قشم- داور زمانخانی- مظاهر جعفری(قشمن اوغلو)- برقی(قشمن قونشوسو)

من قشمنی نئجه گؤردوم؟(ایلیک گؤروشوم)  
اوستاد قشم جعفری، منجه بؤیوک اوستاد، سؤز بیلن، یئر- یورد بیلن، دوشونجه لی و بؤیوک بیر عقیده یه صاحب ضیالی ایدی.  
او، مبارز بیر شخص ایدی. یورولمادان داییمی چالیشان بیر شخص ایدی.  
او یاشلی اولدوجا، آرتیق دیه رلره مالیک ایدی. زمانه نین یئنیش- یوخوشوندا، پیشیب، روزیگار کوره سینده آلولار آلیب، پولاد میثالی، قیمت لنمیش بیر «ار» ایدی.  
من ایلیک دؤنه اونونلا بیر «سلمانی» دوکانیندا گؤروش ائله دیم.  
شاه رژیمنین سون ایلاری ایدی. کوندور کندینه سورگون اولموشدوم. سلمانی توکانیندا اوتورموشدوم، تا بیر آز باشیمین توکونو یونگوللتسین. بیر



## عاشیق قشم جعفری

(بو مقاله اوتوزایل بوندان اول یاییلیب دیر. ایندی ایسه بعضی دییشیک لرله تقدیم اولور.)



ناصر داوران



عاشیق قشم ائلمیزین، وطنیمیزین فخری کیمی ۱۸۸۱یل شرفله یاشادی و یوردوموزون کوتله سینه جان یاندیردی. بیر آن ائلیندن آیری دوشمه ییب، سازیللا، سؤزوبله اؤز آنایوردونا، آنا دیلینه حورمت قازانماغا چالیشدی. اونون سؤزو سرحدلره سیغما ییب، واختیلا قونشو تورپاق-لاردا دا یاییلدی. چوخ شاعیرلر اونون حاقیندا شئعیر یازیب، کمالاتیندان دانیشدی. سلیمان رستمین عاشیق قشمه یازدیغی قوشمانین بیر بندینی اؤرنک اولاراق گتیریرم:

سلام میشوومون آلولو سسی

شاهها باش ایمه دین هتچ زامان قشم

یاشا گونئی مین اودلو نفسی

پیس گونده ائل ایله یاشایان قشم

آذربایجان ادبیات و اینجه صنعت خادم لرینین بیر باشی «کوندور»ه باغلیدی. عاشیق قشمین کیچیک ائوینده دائما قوناق اولاردی. آذربایجانین خیلی صنعتکارلاری اؤز مارقا لارین بیلدیریب، عاشیق قشمین ساز- صحبتیندن دؤوق آلماق اوچون اونون ائوینه گلدریلر. اونون معاصر تاریخیمیزدن یاخشی بیلگی سی واریدی و اؤز یارادیجیلیغیندا بو معلوماتدان فایدالاناردی. عاشیق قشم یاشلی اولسایدی دا، چوخ روحیه لی و حاضر جواب ایدی. من دفعه لرله عاشیق قشمین ساز مجلس لرینده اولموشام. لاکن اونونلا یاخین مناسبتیم یوخ ایدی. یالنیز عاشیقین حیاتینین سون ایل لرینده ایکی دؤنه اونونلا گؤروشوب، خصوصی دانیشیق لار آپارا بیلیمشیم. بو گؤروش لر و دیگر قایناق لاردان الده ائتدیمیم معلوماتین خلاصه سی بئله دیر:

عاشیق قشم جعفری گونش ایلی ۱۲۸۰د شبتترین گونئی ماحالیندا یئرله شن کوندور کندینده، اکینجی بیر عایله ده آنادان اولوب. سکیز یاشیندا آتاسی،

دوققوز یاشیندا ایسه آناسینی الدن وئریب. ۱۲-۱۳ یاشیندا قوزئی آذربایجانا کؤچور، ایییرمی ایل او تایدی حیات سورور، او تاین یارادیجی لاریندان، بؤیوک عاشیق لاریندان فایدالاناراق، معاش اوچون کان کان لیک ائدیر. نهایت ۱۳۱۳ده بو تیا قاییدی، کوندورده هم عاشیق لیک ایشینی دوام ائدی، هم ده اکینجی لیبه باخیب.

عاشیق قشم مبارز و یارادیجی بیر عاشیق ایدی. اونون مترقی افکارینا دؤزه بیلمه یین رضا خانین آدم لاری اونو جلب ائدیب دوققوز آی زنداندا ساخلاییرلار. عاشیق قشم رضا خانین اوغلو دؤورونده و انقلابدان سونرا دا یورولماز بیر عسگر کیمی، ائلینین و صنعتینین یولوندا چالیشاردی. عاشیق قشمدن اونون عاشیق لیغی حاقدا دانیشماق ایسته ینده بئله دئییه ردی: «عاشیق لیک بیزیم قانیمیزدادیر. آتام دا، آتامین آتاسی دا عاشیق ایدی لار. ایکی قارداشیم دا عاشیق دیر. بیزیم

فايدالی عؤمرونو باشا وئردی. اونون وفاتیندان قیرخ گون کئچه نه دک آذربایجانین خیلی یئرلرینده، خصوصیه تبریزده و کوندورده هنر سئوه رلر آذربایجانلی لار طرفیندن طنطنه لی مجلس لر قورولوب، عاشیق قشمن خاطریره سی عزیز ساییلدی. عاشیقین مزاری اوستده، تبریزین گؤی مچیدینده و آیری - آیری مجلس لرده ادیب لر و یارادیجی عاشیق لار طرفیندن چوخلو شئعیرلر اوخونوب، خاطریره - لر دانیشیلدی. گؤی مچیدده گئدن مراسیمده چیخیش ائدن لردن بیرى عاشیق عزیز شهنازی یدی. آشاغیدا وئریله ن میصرع لار اونون اوخودوغو قوشمانین باشلانیش بندیندن عبارتدیر:

**اښیتدیم گلشنه خزان گلیبدی**

اوچوبدو بولبولوم، گولومدن گئدیب

**نئجه آغلاماییم، غمگین اولماییم**

**بیر لقمان کمالیم الیمدن گئدیب**

بو مجلس لرین ماراقلا قارشیلانماسی، عاشیق صنعتی و بو صنعتین قوروقچولارینین ائل ایچینده درین حورمته مالک اولماسیندان حکایت ائدیر.

عاشیق قشم ائل ایچینده یاشادی، ائل ایچینده ایسه یاشایاجاق. اونون خاطریره-سی اونودولماز ناغیل کیمی دیل لرده دولاشمالی دیر هله.

سون سؤزوم عاشیقین بیر قوشماسی:

**صیادایدیم، دوردوم اوو بره سینده**

کئچدیم شکاریمی، آتا بیلمه دیم

مهمان اولدوم نازلی یارین کویونا

حنییف کی مطلبه چاتا بیلمه دیم

\*\*\*

**فلک ظلم ائیلهدی نوجوان لارا**

هنج فرصت وئرمه بیر مرد اوغلان لارا

راست گلیمش ناشی بازرگان لارا

تؤکوب ماتاهیمی ساتا بیلمه دیم

\*\*\*

**قشم دئیر بو دونیادان اوساندیم**

فلکین قوردوغو قورغونو قاندیم

گئجه لر آیشدیم، گوندوزلر یاندیم

ایکی اوزلو قویمادی، یاتا بیلمه دیم.

حیاتیمیز ساز موسیقی سیله تعریف اولور. اؤزوم ده ۱۵ یاشیمدان ساز اؤیره نیب، عاشیق لیق ائله میشم. سازی قوزئی آذربایجاندا اسلام یوسف اوف آدلی بیر عاشیقدان اؤیره نمیشم. عاشیق حسین جوان ایله یاخین یولداشلیغیم اولوب. بو تایددا دا اونونلا برابر بیر چایخانادا چالیب اوخویاردیق.»

عاشیق قشمن سلیمان رستمه یازدیغی جوابیه ده همین یاخینلیغی، حسین جوانین آیریلیغی نیسگیل لرینین حسرتله بیان اولماسیندان دوشونمک اولور:

**... چوخداندیر آیری یام حسین جواندان**

**اؤلونجه دؤنمه رم آذربایجاندان**

**یئ بولاق یئریندن، شکی شیرواندان**

**قشمی سورسالار، دئی ایراندادیر**

عاشیق قشم الینه ساز آن گوندن شئعیر ده یازیر. اونون ۱۷۰ ایلیک شاعیرلیییندن اوچ جیلد کیتاب بیزه یادگار قالیب. بونلاردان «ائل منی آتماز» و «وطن بولبولیم»، ائل عاشیقی یم» آدلی ایکی کیتابی عاشیقین وفاتیندان قاباغا عاید دیر، «عاشیق قشمن حیاتی و یارادیجیلیغی « آدلی سون کیتابی ایسه سونرالار، گونئیلی نین تشبوتو ایله ایشیق اوزو گؤروب دور. موختلف موضوع لاردا شئعیر یازان عاشیق قشم اؤز یارادیجی لیغینین مایاسینی هر شئی دن اول ائلیندن و وطنیندن آلیر. او اؤز دوغما دیاری گونئی ماحالینی بئله ترنم ائدیر:

**یازدیم تاریخ لرده قالسین جهاندا**

بهار گونئی ده دیر، یاز گونئی ده دیر.

همی یایلاغی وار، همی آرانى

«قوبا» گونئی ده دیر، «قاز» گونئی ده

دیر

عاشیق قشم قایغی کش بیر انسان

کیمی آیریلیقدان

شکوه لنه رک، گؤزون تیکیر

گله جک لره:

**باد صبا سحر تئزدن اسنده**

قلیم گاه یایلاقدا، گاه آراندادیر

گئجه لر قیسالیر، گونلر قارالیر

کونلوم گاه اوپاندا، گاه بوپاندادیر

عاشیق قشم گونش ایلی ۱۳۶۸ین

مهر آییندا دوخسان ایله یاخین

## يولو قشمين

ناصر داوران

(بو شعر عاشيق قشمين گوروشونه گنتديكده يازيلميش دى، قشم در حال (اضير جاوابليقلا سازينى اليه آيب، جاواب سؤيله ميشدى. يازيقلا اولسون كى، او جاواب اليميزه يوخدور)

گوروشه گلميشم گونئي ماحالي  
سندە دير هر نه يي اولو قشمين  
ياز بولودو كيمي سؤز اينجي سيندن  
سينه سي، باخيشي، دولو قشمين

اودلار ديباري نين شؤهرتي - شاني  
او تايين، بو تايين شاعير اوزاني  
بير آن اؤنوتما دي اذربايجاني  
باشينا ياغسا دا دولو قشمين

سؤنمه ييب چيراغي هله ده يانير  
هله ده ائلينه حورمت قازانير  
كيم دئير قشمين ديلي اوسانير  
چوخداكي باغلي دير قولو قشمين

ايريليق نغمه سين دانيشير سازي  
بير عؤمور حسرتله آختاريب يازي  
هئچ اينصافمي دئيين، هر زادين آزي -  
كدرين، نيسگيلين بولو قشمين؟

قؤيمارام فله يي بئله فيرلانا  
آرازين حاقي يوخ اود سالا جانا  
يا گرک حياتين چرخي دايانا  
يا گرک آچيلا يولو قشمين

## قشم

عاشيق احد ملكى عليشاه



عاشيق قشمين عزيزلمه تؤرني ايشلري اوچون  
كؤندوره گندنده اونون مزارى اؤسته يازديم شعر:

گلدیم مزاريني زيارت ائدم  
گؤردوم كي قبريني تۆز آيب قشم  
گزديبين داغلارا گؤزوم گزديرديم  
گؤردوم كي، داغلار دا قوجاليب قشم

تئللي ساز چيييننده رقيبيلر يوردون  
قوچ كوراوغلو كيمي مئيدانلار قوردون  
ظاليم قارشيسيندا ار كيمي، دوردون  
ايندي سندن تكجه آد قاليب قشم

خياليملا دؤندوم اؤتن چاغلارا  
چيخديم سيرالانميش اوجا داغلارا  
دئديم داغلارداكي بوز بولاقلارا -  
عؤمور بؤيو سوزه ساز چاليب قشم

عليشاهلي احد گلدي فريادا  
دئدي حئييف سنين كيمي اوستادا  
بيليرم ائل سني سالاجاق يادا  
چؤنكي ائل يولونا نور ساليب قشم



## عاشيق قشمين ياشايش تحقيقاتيندا اوچ قونو

عبدالعلی مجازی «آسلان»

وطندن چيخديغيم خئيلي زاماندي بۇلبول اولان ماييل اولار گۇلونه «عاشيق قشمين ياشايش ياردايجيلىغي» عۇنوانلي كيتابين ۱۱۴- جو صفحهسي نين سۇن سطرينده قئيد اولوبدور: «قشم بير نامه يازيب، محمد يار اۇغلو آلايه يار واسيطه سي ايله اۇز قۇھوملارينا گۇندرير».

بو نامه ني يازاندا آذربايجاندا عرب اليقباسي ييغيشيلىب و كيريل اليقباسي ايله يازيرديلار، اۇ، مۇھاجيرلر ده كي ايرانا گلّميشديلر، قۇرخودان اۇ اليقبادا يازميرديلار، چۇنكو اۇ خطي دۇولت آداملاري گۇرنده، مۇھاجير تامغاسي ووروب توتوردولار، اۇ سببه ايرانا گلن مۇھاجيرلرين هئچ بيريسي كيريل اليقباسيلا يازميرديلار و عرب اليقباسي ايله ده ياخشي يازا بيلميرديلر، اۇناگۇره ايراندا نامه لري آيريلارينا يازديرديلار. بونلاردان كئچنده، سبز تصوور ائدين كي، بير نفر فدائي، نيظامي پالتاريندا، تۇفنگ چيييننده، آت اۇستونده گئدرسه بير نفري كميته يه گتيره، اگر اۇ حۇكمو اۇخويا بيلمزسه، نئجه اۇ آدامي، اۇ يئري تاپاييله جك؟ و مۇمكون دوركي، آختاردغيي آدام، ائله جه ده اۇ حۇكمو اۇخوتدوردوغو آدام اۇلموش اۇلا. بس بو يوخاريدا يازيلان دليل لره ديقت يئتيرك و اۇ سۇوزو ايصلاح ائدك.

ايكينجي قونو «عاشيق قشمين ياشايش و يارديجىلىغي» كيتابيندا يازيچي لاردان بيرى، بير يانليش سۇز يازيب و اۇردا چاپ اولوبدور. تأسفله اۇ كيتابين بير ائديتورو دا من اۇلموشام. آنجاق اۇ زامان بو سۇزو من ده باشا دۇشمه ميشم كي، آرازين او تاييندا و ايران عاشيقلاري آراسيندا و اينجه صنعت مقاملاريندا «مغني» كلمه سي موسيقي صنعتكارينا دئييلير و تۇركجه ادبيات ساحه سينده ده مغني سۇزو موسيقي ايشلري ايله چالیشان صنعتكارلارا و اۇخويانلارا دئييلير، بو يازاريميز هاردانسا، مغني كلمه سيني توركلر، عربجه «مقنى» كلمه سي ايله بير فورمادا تلفوظ ائديكلرينه

لطفاً عاشيق قشم جعفري نين ياشايشيندا يازانلار، بو آشاغيدا قيد اولونان قۇنولارا توجه بويورسونلار و ديقتله ياناشسينلار. بيرينجيسي عاشيق قشمين ساوادسيزليغي و يازيب اۇخوماق بيلمه دبيي دير. يازيلاردا يازيرلار:

- عاشيق قشمين يازيب- اۇخوما ساوادي يۇخ ايدى. دئمّه ليمم كي، عاشيق قشمين آتاسي، عاشيق محمدعلي ايللر بۇيو شمالي آذربايجاندا (آذربايجان جمهوريتينده) عاشيqliق ائديب و گنجه شهرينده تانينميش بير عاشيق اولوب، اۇنون اۇغلو دا «قشم» بو اوستاددان سۇنرا ۲۰ ايل اورانين چۇخ شهرلرينده و اۇزليكله گنجه ده بۇيوك شاعيرلرله بير يئرده ياشاييب، شئعر يازيب و عاشيqliق ائديدير. اۇنلاردان علاوه ۱۶ ايل شوروي دۇورونده و اوكتوبر اينقبلاييندان سۇنرا اۇنلارين قانونلاري-ايله ياشاييب و بۇيوك شاعيرلر و عاشيقلارلا شئعر سۇيله ييب و موغني ليك ائديدير. بونلارين هامى سينا باخماساق دا، ميلى حۇكومت زاماني تحصيل ايجباري اولدوغونا گۇره لازيم ايدى كي، هامى مكتبه گئده، ائله اۇ مۇناسيبتنه منى مدرسه يه قويدولار و من اۇ بير كيلاس درس ايله تهرانا گلديم و جيزما قارا بيليرديم و كيتابلاري، مجله لري اۇخويا بيليرديم و اۇخويوردوم، عاشيق قشم ده تقريبن دۇققوز يا اۇن آي منيم قارداشيملا شبسترده «اكبير» (ياشلي لار) كلاسيغا گئديرديلر و ۱۶ نفر شبستر فدائي لري نين هاميسي روزنامه و كيتاب اۇخويابيليرديلر. آنجاق چۇخ سۇزو بازار بيلميرديلر و عاشيق قشم ده اۇنلاردان بيرى ايدى. بئله بير استعدادلي آدام اۇلا بيلمزكي هامى دان دالي يا قالا و هئچ نه ساوادي اۇلمويا و حتي اۇخويا بيلمه يه. بورادا بير بند شئعريني و بير خط يازيني تانيق گتيريرم:

بير نامه يازيرام گنجه شهريندن

آپاريب وئرسيز گۇنئي ائلينه

## عاشيق قشم جعفرى نين شرفينه



عبدالعلى مجازى «اسلان»

«ساري چشمه»، «برک دره لر»، «جان ائوي»

ائله بيل كي دوزه ليبيدير خان ائوي

«ميشوون داليسي»، «دوغلاق»، «قانلي يورد»

باشي دومان، اوجا، ادلي- سانلي يورد

«كالار» دان، «ايري يولدان»، «ماجين» دان،

بو داغلاردا غريب اولمز آجيندان

قشم قاليب بو داغلاردا آلتى آي

سالميش ايدي ذيره لرده هاي-هاراي

داغلار سسين قايتايردي گور-ها گور

آز قاليردي دوشسون اوندان وور-ها وور

سانماين كي قشم ياندي يوخلادي،

او، گوج گلدي ظولمون كوكو لاخلادي

اونا گوره هنج واخت ائل اونو آتماز

اتيني ده يئسه قانيني ساتماز

او زاماندا قشم دئييب چاتا- چات

كمان گوتور اوخلاريوي آت- ها آت

ياغي لارين قاباغيندا دورها دور

قولدورلارين بويونلارين بورها بور

گوره، مغنى (اوخويان) سوزونو، «مقنى»، قوبو قازان (كنكن) آنلاميندا گوتوروب و قشمين او تايدا كنكن ليك ايشينه باش قاتماغيني سؤيله بيلر. حال بو كي، ۱۴ ياشيندا بير نفر كوندورده ساز چاليب عاشيqliق ائدن، گنديب گنجه شهرينده «عاشيقلارين مركزينده» و عاشيق محمد علي نين دوستو كربلايي عبدالله نين حيمايه سينده عاشيqliق ائدن بير گوزو آچيق عاشيق داها كنكن ليك ائتمز. اگر كنكن ليك ائتسه ايدي تقريبا ۲۵۰ يا ۳۰۰ قطعه شعرينده تامام داغلاردا داشلاردا شعر دئيه ن شاعير اوز كنكنليك ايشيندن ده بير كلمه يازاردي. آما عاشيqliغيندان يوز يترده و حتي قالاچي ليغيندان دا يازبيدير.

اوچونجو قونو: اوچونجو قونوكي، اولاردان موهوم دور وهاميميزين ياديميزدان چيخيدير. عاشيق قشمين حيات يولداشي نين زحمتلري دير. بيزهاميميز عاشيق قشمين داغلاردا- باغلاردا قالماسيندان و حتي جيريقي چاريغيندان يازيريقي؛ آما هنج واخت فيكي رلشمه ميشيك كي، آيا بونون حيات يولداشي دا بئش اوشاقلا ايلر بويو او زحمتلره و او ظولوما دوزوب، گنجه لر- سحره قدر مامورلارين قورخوسوندان و اوشاقلارين قوروماسيندان، قاپي دؤبولنده تيتره ييب و اوره يي نين ياغي ارييب و تامام او تصوره كلمه ين چتينليك لره دوزوب و عاشيق قشمين آبيريسي ني، اوزونو و اوشاقلاريني ساخلايبيدير.

عاشيق قشمين حيات يولداشي دا تامام او اسيرليك لره اونولا چييين به چييين بو عاييله يوكونو تك جانينا داشييب، و قاچاق نبي نين هجر خانيمي كيمي حيات يولداشي نين اوزونو و آبيريسي ني حيفظ ائدركن اونون مۇباريزه سينه مانتع اولماييب، داغلاردا- باغلاردا اونونلا گوروشمه يه و بير تيكه چوره يي ايكي بولوب بيريني ارينه وئرمه يه چالشيبيدير.

بئله بير قادينين آدي عاشيق قشمين ياراديجي ليغيندا گلمه سه، اينصافسيزليق دير. من اؤميد ائديرم، دوستلار بو دونه عاشيق قشمين بيوقرافياسيني الده ائندنه بو اوچ قونويا ديقتله و اولدوغو قدر ياناشسينلار.

# گونئی بولبولو، ائل عاشیقی

آخری یوخ، آخری بی انتها

اولی یوخ، اولی بی ابتدا

محمد علی نقابی



ایکینجی خاطیره:

بیر نچه ایل اول ایدی کی، زینوو(زینه آب)-ا یولوم دوشدو. یول اثناسیندا بیر یاشیل چیمنلیکده دینجه لرکن، اورتایاشلی بیر چوبانلا راستلاشدیم. سلام و علیک دن سونرا، آرامیزدا بیر نچه سوال-جواب رد و بدل اولدو کی، آشاغیدا قیده آلیرام.

-باغیشلایین آدینیز نه دیر؟

-منیم آدیم <قشم> دیر

-شوخلوق ائله مه، اؤز آدیوی دئینه

-شوخلوق ائله میرم، منیم اول آدیم «قشم» دیر.

-من بیله لی گونئی منطقه سینده، فقط بیر نفر کوندورلو عاشیق قشم واردیر. آیری قشم آدی ائشیتمه میشم.

-دوز بویورور سونوز، ولی منیم آدیمین احوالاتی بئله اولموشدو کی، بیر نچه ایل اون ایل بوندان اول زینوو کندینده بیر توی مراسیمی واریدی. کوندورلو عاشیق قشمی ده عاشیق عونوانیندا تویا دعوت ائتمیشدیلر کی، سازيله- سؤز بيله توی مجلسینی داها چوخ رونقلی و اوره یه یاتیم ائله سین. منه بویلو اولان آنامدا دامداکی خانیملارین آراسیندا اوتوروب، عاشیقین سؤزلرینه، سازینا قولاق آسیرمیش. ائوه گلدیکدن سونرا، عایله عوضولریندن بیر سوره شور کی، عاشیق نجه ساز چالیزدی؟ آنام دئیییر: او قده ر گؤزل چالیب و عاشیق ماهنیلارینی اوخویوردو کی، گل گوره سن! دوزون سوروشساز من عاشیق قشمین سؤزلرینی و سازهاوالارینی او قده ر به یه ندیم کی، بو قارنیمداکی

هر محیط ده ساوادلی و یا آز ساوادلی شخصیتلر عرصه یه گلیر کی، اونلارین یارادیجیلیق و خلاقیت گوجلری چوخ دیه رلی اولور. او جومله دن، کوندورلو عاشیق قشم دن سؤز آچماق اولار. بو آدلی سانلی ائل عاشیقی عالی تحصیلات گؤرمه دییی حالدا، حاضر جوبابلیق استعدادینا مالیک اولوب. و بیر نوع سؤز داغار جیغی ایدی. ها بئله ظرافت زمینه سینده ده بؤیوک مهارت صاحبی ایدی. دئمک اولور کی، ایندیکی شمسی عصریمیزین ایلک یاریسیندا، ایران آذربایجانلی نین ساییلی و آدلی-سانلی ائل عاشیقلا ریندان بیر ایدی.

ایندی یه دک عاشیق قشم حقیقده بیر چوخ کیتاب، مقاله و مطالب ادبیاتچیلار طرفیندن یازیلیمیش و چاپ اولموشدور. او جومله دن، شاعیر و یازچی داور زمانخانلی جنابلاریندان تشکور ائتمک گره کیر کی، عاشیقین ایلک شئعر کیتابینی «ئل منی آتماز» آدی آلتیندا چاپ ائتدیر میشدی.

آشاغی سطرلرده اوستاد عاشیق قشم حقیقده ایکی خاطیره نی قیده آلیرام.

بیرینجی خاطیره:

ایراند اسلامی انقلابدان بیر نچه ایل سونرا، حؤرمتلی دانشیار «یاووز آک پینار» جنابلاری، گزمک و ادبی آراشدیرمالار اوچون ارزوروم دانشگاهیندان تبریز شهرینه تشریف گتیر میشدی. بئله قرارا گلدیک کی، بیر گون عاشیق قشمین محضرینده، دادلی-دوزلو اوره یه یاتیم سؤزلرینه قولاق آساق.

ایاق اوسته، ساغدان سولا: محمد علی نقابی- عاشیق قشم- حبیب ادریسی

یترده اوتوران: یاووز آک پینار

او گون، گلدی چاندی. یاووز به ی، یولداشی حبیب ادریسی جنابلاری و بوسطیرلری یازان، شیستر دن ماشین سواری ایله کوندوره گتدیک. و عاشیقین سنتی ائوینده متکایه دایاناراق، سازلی سؤزلرینه قولاق آسدیق، داها سونرا آذربایجانلی فولکلوریک ناغیللاریندان بیرینی کاستت نوارینا ضبط ائدیب، قوناغا تقدیم اولوندو. بیر نچه ساعات سونرا ساغوللاشارکن، یاووز به ی چوخ درین حؤرمتله ۵۰۰ تومنلیک بیر پاکتی اوستادا اتحاف ائتدی. داها سونرا یاووز به یی تبریزده و شیبسترده، تاریخی یئرلری گزدیکدن سونرا ارزوروم ساری اوغورلادیق.

سی آلتی  
چارداق: گوندن و یاغیشدان قورونماق اوچون قورولموش مکان، «  
اللی قدم بیر-بیریندن آرالی چارداقلارین آشاغی طرفینده آغاجدان  
بیر چارداق تیکیلیب.» مفتحعلی آخوندوف  
چاغ: وقت، زامان «بوزامانا قده رهارد قالیبسان؟ نه چاغا جان سنس  
گۆزله یک؟» صنوبر هدایت  
حلم(حتلم): طبیعت یاواشلیغی، طبیعت ده یومشاقلیق و صبر و  
تحمل، حدت و غضبین عکسی  
داشقیق: چای ودریانین ائشیه داشدیقد آلدیغی صیفت  
دالاشما: ساواشماق، ووروشماق، دعوا ائتمک  
دالغا: موج، سوبون اوزونده حرکت نتیجه سینده عمله گلن بؤیوک  
لپه(شپه)  
دورنا: دیمدی، بوغازی و آياقلاری اؤزۇن، کؤچری وایری باتالیق  
قوشو  
ساز: عاشیق قشمین دئدیسی سازدا، اون اچ پرده، دوققوز سیم  
واریمیش.  
ساناماق: گمان ائتمک، حنسابا گتیرمک، سایماق، حنسابا سالماق  
ساواک: «سازمان امنیت و آگاهی کشور» بین موخفقی  
سرت: چتین، برک داش-تورپاق-آعاج، تیز، شدید، خشین، توند و...  
سؤنا: گۆزل، ارکک اؤردک، وحشی مرغابی، قشنگ  
سئز یاغیب: سگ رقیب کلمه سینین تحریف اولونموشو  
سین: «س» تشبیه، بوکولموش دال(د)ین قارشیلیغی  
ترلان: گۆزل قوش، شاهین، عقاب  
قایا: بؤیوک داش پارچاسی  
قشمر: اله سالماق ایله ادیبتچی، مودی، قشمر آدم، مودی لیک،  
معذب لیک  
قلندر: دونیادان ال چکیب در به در درویش، حقیقت بین گومان  
ائدیلهن آدم.  
کهلیک(ککلیک)، کبک، گۆیر چین بویدا، الوان توکلو، اتی دادلی  
چؤل قوشو،  
«ککلیک چؤل برابری،  
بیر اوغلان دوغوموشام  
بوتون ائل برابری» بایاتی(خدیجه طیب قیزی)  
موخنث(مخنث): قورخاق، پست، آچاق، نامرد  
ئیسان: لئیسان، باهارین شیددتلی یاغیشی. «لئیسان یاغیشیندان  
سونرافطما آنا گۆیده حناسینی، آنام دالئیوانداساجینی آسمیشدی.»  
س. رحیموف  
«قاری ننه نین ایشیغی(ایشی): گۆی قورشاعی، رنگین کمان، قوس  
قرح»

اوشاغیم، اوغلان اولای قیز اولای، آدینی قش قویا جاغام. بئله لیکله آد  
قویما گونونده منیم آدیمی «قش» قویموشلار.  
سوم سؤز لیمی عاشیقین بیر بایاتیسسی ایله سونا چاتدیریرام:  
عاشیقین هاراییندان  
ائل یاتماز هاراییندان  
گونده بیر کرپیچ دوشور  
عؤمرومون ساراییندن  
اوستاد نقابی ائل منی آتماز کیتابیندا بیر نئچه معناسیز و یا  
معناسینی ناپمادیغی سؤزلردن باشقا، بیر چوخ یئر و انسان آدلارینی  
آچیقلا دیقدان سونرا، انک ده گلن سؤزلره آچیقلا ما یازیب و گۆنده  
ریبلر:  
آری: تمیز، صاف، خالص. «آیدان آری، گوندن دورو» آتالار سؤزو.  
آل: قیرمیزی، آل قان، آل شفق-  
«آل یانقلارین ساناسان کی، قیزیل گول خرمنی،  
تر زخندانین باخدیقجا جنون ائیلر منی»  
واقیف  
ائل-اؤبا:  
ائل: جماعت، خلق، آدمالار. «ائل ایچینه آغلايان گۆز سوز قالار»  
آتالار سؤزو  
اؤبا: چادیر، چادیر آچیلان یئر. ائو، مسکن، آبادانلیق، ائل قرارگاهی  
اسکی: قدیم، دیرینه، کهن، قدیم آدمالار، سابق، پیشین  
اؤسانماق: تنگه گلمک، بنزار اولماق، یورولماق  
اؤو: شیکار، صئید، اؤو اؤولماق  
اویلاق: منیدان، آچیق هاوا، جولانگاه، یاشاییش یئر، ماوی  
ایگیت: بیر ایشده، دؤیوشده قوچاقلیق، جسارت، قهرمانلیق،  
مردلیک گۆسته رن. جسور. اوغلان ایگید قیز قشنگ... ائل ماهنیسی  
ایلقار: سؤز وئر مگ، عهد باغلاماق «ایلقاریندان دؤن نامرد دیر» آتالار  
سؤزو  
اینجه بئل: بئلی نازیک، ظریف، «نیگار خانیم قیرخ اینجه بئل قیز ایله  
گلیردی» کور اوغلو  
اینجه صنعت: گۆزل صنعتلر، نفیس صنعتلر، بدیعی یارادیجیلیق  
فعالییتی(صنایع مستظرفه)  
بار: میوه محصول، «آغاجلار بار وئر دیکجه باشینی آشاغا تونار» آتالار  
سؤزو  
بره: اؤو گۆزله نیلن یئر، کمین کمینگاه. «اؤوؤ بره ده وورمالی.» آتالار  
سؤزو  
بوز ات: قاچاق نین نین مشهور اتی  
بولاق: یئرین آلتیندان سیزیب چیخان سو منبعی، «بولاق باشدان  
بولانار» آتالار سؤزو  
تای-توش: باب، مونسایب، برابر(هم سن و سال)  
توتک: نئی، قمیشدن وساییره دن قایریلمیش نفسلی خالق موسیقی



اکبر صالحی «قاداش»

## عاشیق قشم

### عاشیق نه دئمکدير؟

تۆرك دۇنياسيندا يئددى يۆز ايلى ياخين بوندان اۇنجه، عاشیق پاشا، يونس امره و آذربايجاندا ايسه آغ قۇيونلو- قارا قۇيونلو و آردینجا شاه ایسماییل ختایی دان بو اله عاشیق آدی ایله تانیلمیش اینسانلار حاقدا نئجه دۆشونوروك؟ بونلاری یالینیز چالیب- اؤخویان، لیریک و حیماسی حئکایه لر سؤیله ین می تانیریق؟ اؤنلرین سؤزلرینده گئدن اخلاق، بئسیکولوژی، دین- آیین جهتلرینه دیقت ائتمیشیک می؟

آراشدیریجی لارین الده ائتدیکلرینه گۆره، اسکی دؤورلرده، قام - شامان اینانجلاری، اۆلكه میزده یاشایان اینسانلارین چۆخلوغونون اینانجی ایدی. دین باشچی لاری اۆلان قاملار و شامانلار، موقدس قۇپوزو دؤشلرینه آلیب، خالقین دوغو، دیلکلرینی شئعره چکیب، اؤخویاردیلار. اؤسطوره لری، اوزاق کئچمیشده باش وئرمیش، افسانه لشمیش واقعه لری جانلاندیراردیلار. اؤ دین آداملاری، بیر سۆج(روند، گئدیش) ده اؤز یئرلرینی اؤزانلارا وئریلر. اؤزانلار، بیر باشا دؤشلرینده قۇپوز، سینه دۆلو سۆز، اوزاق گۆرن، مصلحتچی، هابئله دین حاقدا بیلگین، اؤبود- خئیبر دوعا وئرن، عادت- عنعنه لری بیلیب یئرینه یئتیرن و ائل آرا ان حؤرمتلی اینسانلاردیلار. عاشیق لار دا اؤزان لارین آردینجا گلیب، آیاقلارینی اؤزانلارین آیاق یئرلرینه قۇیوب، زامان ایسته یی ایله ایره لی گئدیبلر. عاشیق لارین ان یوکسک مقاما چاتانلاری، خالق طرفیندن ده عؤنوانی قازانمیشلار. آرتیق آراشدیریجی لارین چۆخو اؤزان لا عاشیقی بیر گۆرورلر و قونشو تۆرك خالق لاریندا گئدن

باخشی، یانشاق آدلاری ایله سینونیم(یاخین آنلاملی سۆزلر، هم معنی) سایا گتیریلر. تۆركلر ایسلام دینینی قبول ائتدیگدن سؤنرا، دین آداملاری، اسکی دین لرین، ائشیک دوروملارینی(ظاهیرلرینی) آرخادا قۇیوب، ایسلام بویاسینی توتسالار دا، عادت ائتدیکلری، اسکی اینانجلارین(باور) کۆگونو یاشادیلار. دهه قورقود کیتابی بو حاقدا دانیلماز بیر نؤمونه دیر. آرتیق شاه اسماییل ختایی، قوربانی، خسته قاسیم، ساری عاشیق و بونلار کیمی عاشیق لارین اثرلرینده آرا- سیرا بو مسئله ایله توشلاشیریق. میثال اۆلاراق دهه قوربانی دئییر:

وزیر سنی قارغاییرام،

حاق دیله یین یئتیرمه سین!

گۆیدن مین بیر بلا یاغسا،

بیری سنی اۆتورمه سین!

بو پارچایا باخاندا دهه قوربانی نین قارغیشی، سئمانتیک(معناتانیتمی) باخیمدان، دهه قورقود کیتابیندا گئدن قارغیشلارلا یان- یانا قۇیولا بیلیر. اؤرنک اۆلاراق:

قازان آیدیر(دئدی): آغزین

قوروسون، چۆبان! دیلین چۆروسون،

چۆبان! قادیر سنین آلتینا قادا یازسین،

چۆبان!

قازان بی بؤیله دئگچ(دئجک)، چۆبان

آیدر(دئییر): نه قارقیرسان(قارغاییرسان)...

ایسلام دان سؤنرا اؤزانلار روحانی کیمی آنجاق

موسیقی آلتلریندن یارارلانا راق(فایدالانیب)،

شئعر، داستان و کۆنول اؤخشیان سسلری ایله

ایسلام جارچیسى رؤلوندا دا تظاهور ائده

بیلیلر. اؤنلار، خالقین اینانجینا گۆره، آغام

منه باده وئردی،- دئییه، مولی علی(ع)

نین الیندن باده ایچمکلرینه اینانیرلار.

میثاللار:

خسته قاسیم:





باي و بيري بيرينه وور آنلاميندا؛ قوپوز سوز بيرلشمه سينه گلنده، سس يايان، سس داغيدان آنلاميندا گئدير. (سوز بيرلشمه سي = كلمه ي ترکیبی)  
عاشيق قشم و عاشيق صنعتي:  
«عاشيق علعسگر» دئيير:  
عاشيق اولوب ديار- ديار گزنین  
ازل باشدا پوز کمالی گرکدير.  
اوتوروب دورماقدا ادیبین بيله  
معريفت عنلميدن دولو گرکدير.

دده علعسگرین، باخيشي ايله، بيريني عاشيق تانيماق ايسته بيریکسه، عاشيق قشم بؤتون اولو عاشيق دير. چؤنکي عاشيق، اؤنجه بير باشا ائلين بؤيوک باشي دير. اؤبا- اؤبا کند- کند دؤلانان دير. حکيم، اؤيود وئرن، شئعر قوشوب، ساز چاليب، اؤخويان دير. ليریک- حيماسي داستانلار سؤيله ين دير. دؤيوش مئيدانلاريندا دؤيوشچولره اؤرک وئرن دير. اوتوروب دورماغيني باجاران و حؤرمتلی دير. سايدیغيميز اؤزليکلرده اولان عاشيق لاريميز، تانيدیغيميز دده قورقوددان باشلايلاراق، يونس امره و دده عاشيق لار: قورباني، خسته قاسيم، والته، توفارقانلي عابباس، علعسگر و بير چؤخ بونلار کيمي آدلاريني چکمه-ديييميز اؤزانلارين سؤن بئشيبی دير عاشيق قشم. چؤنکو اؤ، ايراندا فنوداليتته گؤجدن دؤشن چاغدا دؤنيايا گلير. مشروطه اينقىلابي، خياباني نين قيامي، بيرينجي دؤنيا ساواشي و آردینجا قؤنشو اؤلکه لرده اؤکتوبر اينقىلابيني باشدان آشيرير؛ هابئله ايکينجي دؤنيا ساواشيني گؤرور. قشمين اؤيوندويو و آرخالانديغي قهرمانلار ديقت ائدک:

شئخ سلیم، باقيرخان، حئيدر عم اؤغلو  
بابک، ستارخان هم باغبان ائل اؤغلو  
قاچاق نبي، هجر، نيگار، کؤر اؤغلو  
خياباني کيمي بير روحانيم وار.  
قشم، دين سيمبوللاريندان عادي  
ياشامدا بير چؤخ يارارلانيرسا، آنجاق،  
شئعردا آدلاري چکيلن قهرمانلار،  
چاغداش دئموکراسي اوغروندا  
جانلاريني قۇيان اينسانلار و يا خود  
اؤنلارين دؤيوش بايراقلارينا دؤنموش و  
قشمين ايلهام منبعي اؤلان، افسانهوي  
- تاريخي اينسانليق و آذربايجان  
سيمبوللاري ديرلار.  
اولو اؤزانيميز بير ياندان، دده  
عاشيق لاريميز ايله معنوي ايلگيني

خسته قاسيم دئيير: دست-ي دست اؤلدوم  
شاه اليندن باده ايچيب مست اؤلدوم...  
عاشيق قشم:

...مولامين اليندن باده ايچميشم.  
...رؤياده درسيمي وئريدي مولام  
ايسلام ديني نين مخصوص روحانيتي شكيل توندوقجا،  
عاشيق لار آرتيق، ديني مرجع کيمي يوخ، توي- دؤيون،  
ايلنجه (تفريح) ده، ساز چالان و داستان دئيه ن، سئوگی -  
محبته، طبيعت گؤزليکلرينه ماهني قوشوب اؤخويانلار کيمي،  
يارامازلار و يارامازليقلارلا دؤيوشورلر و بو يولدا، جانلاريندان  
دا مايا قويماعي لاييقينجه يئرینه يئتيرنلر کيمي گؤرونورلر.  
حتا ايسلام مبلغي کيمي فورمالاشميش روحاني لرين بير  
سيراسي، آرا- سيرا عاشيق لارين، ساز (قوپوز) لاريني دا  
ياساقلاييرلار. آنجاق بونلار باخميايلاق، قوپوزو باجاريقلي  
بير اؤزگؤنچو کيمي، هردن سويون اؤزونه چيخيب نفس الماقلا  
ياشادان عاشيق لار دير. بو عاشيق لارين ان گؤزل، آدليم،  
اينسانليق اؤزليکلريني داشييانلاردان بيري ده اولو عاشيق  
قشم جعفري اؤلموشدور.  
قشم دئيير:

دؤز گئتميشم دينيم دئيه ن يوللاري  
يانديرمازلار بو ساز توتان اللري  
قوپوز (ساز): عاشيقين ان تانينميش گؤستريجيسي قوپوزدور.  
دئمک عاشيقی قوپوزسوز گؤسترمک اؤلماز. آراشديريجي لارين  
باخيشينجا قوپوزون نئچه مين ايلليک تاريخي واردير. آنجاق  
داها يايغين گؤرونه رک، دده قورقود کيتابيندا قوپوز آدي ايله  
توش گليریک. دده قورقودون قوپوزو، آغاج، سؤرئيي (صراحي)  
قباق، دوه بؤيره يي نين دريسي و آت  
قوبروغونون تتلاريندن دؤزلميشدير.  
«آقايار شوکوروف» - ون باخيشيجا  
سايدیغيميز عؤنصورلرين ميتولوژي  
باخيمدان اچيقلامالاري نين ماراقلی  
يئري واردير. آنجاق قوپوز سؤزجويو،  
ائتيمولوژي اچيدان (ريشه شناسی زاويه  
سيندن):

+++++

قوپوز = قو + پوز  
قو (سس) - قولاق، اؤرنک: قو ورورسان  
قولاق توتولور. (منجه فارسجا «گوش»  
کلمه سي ده، قولاق لا اورتاق کؤک  
داشيير. ) (اورتاق کؤک = هم ريشه)  
پوز (پوزماق مصدری نين کؤکو)، داغيت،



اۆره يېمې سۆيدو، گنتدي.  
يۇخسا مندن دۆيدو، گنتدي؟  
گلمه دي جاوان، گلمه دي.  
او قاشي كمان گلمه دي.

فېرقه دئورليپ، آذربايجان، قولدورلوق و جينايته معروض  
قالديقدا، عاشيق حسين جاوان مجبوريت قارشيسيندا،  
بالالاريني:

سه سنگ- برادر پير-ي حقيقت وطن امانتي، ائل امانتي  
- دئيه قاراداغا اۆچ قارداش داغينا تاپشيريپ، ايران- شوروي  
سينيريندان (سر حديندن) كنجديسه، عاشيق قشم، يۇلداشي  
حسين جاواني سئوه- سئوه تنقيد ائدير:  
گنجه- گۆندوز حسرتيني چكديييم  
عاشيق جاوان گندر- گلمزه گنتدي ...  
... او ائله بيليردي اورددا حالو وار  
قاچدي، گنتدي، اولدو بلايه دۇچار...  
گۆنئي بۆلبولويم «گلدیم ها گلدیم» - دئيه، ميشوو داغلارينا  
سيغينير.

ائي اولو آتامين سيرداشي ميشوو  
ائي آغري داغي نين قارداشي، ميشوو،  
بو «زامبور قشم» - ين يۇلداشي، ميشوو،  
پونهان ساخلا مني، گلدیم ها گلدیم.

يئري گلميشكن، آچيقلامالي يام، عاشيق قشمين او آغير  
شرابطده قورونماغي نين اساس سببي گۆنئي لي لرين يۇكسك  
كۆلتور- مدنيت لريندن آسيلي ايدي. دئمك، قشم ميشووا  
و اونون اته يينده ياشابان اينسانلارا سيغينميشدي. فېرقه  
دئوريلديكده، آذربايجاندا ۲۵۰۰۰ نفر هلاك اولورلارسا،  
آنچاق گۆنئي اهالي سيني آييقليق و اوزاق گۆرنليبي

ساخلاييب، اولاردان پاي آپارا بيليب دير، او بيروي ياندان،  
جوشار بولقدان سواقايناياي كيمي، دؤشوندن سؤز قاينايبدير  
واؤنلاري اوستادليقلا چالديغي قۇپوزونون هاواسي ايله، گۆزل،  
كۆنولر آچان و سئحيري سسي ايله بيلرشديريپ، اؤركلري  
اؤخشايبدير.

او، دؤيوش مئيدانيندا سارلي كؤراؤغلو كيمي دؤنمزدير.  
سئوگي گؤروشلرينده لاپ كر مين اؤزودور. عدالتدن دانيشاندا  
ايشچي لرين كندلي لرين بايراقلاريني قالديريپ. ديني  
وظيفه لره چاتديقدا بيلن و كۆنول وئرن دير. آنچاق قشمي دينله  
ينلره بئله گلير كي، قشمين هر زادي گۆنئي و آذربايجاندا دير.  
آرتيق او، اؤز دؤورونون بالاسي و اؤزوندە جمع لشن قشم دير.

مدني شاعيرم بۆتون جهاندا،  
آنم مني دؤغوب آذربايجاندا،  
قشم ساكيم گۆنئيسستاندا،  
آيا، اولدوزلارا يول سالان منم.  
باشقا يئرده دئير:

قشم، ياتميش بختين بير گۆن اؤبانار  
يۇخسوللار مدني حوقوقون قانار،  
فرهنگين چيراعي كندلرده يانار ...

دئمك قشم حياتيندا خانلارين چاپا- چاپيني گؤرور. آرازين او  
تاييندا سؤوت حوكومتيني سيناير، كاپيتاليسم دن دؤغولان  
ميلي تاريسمي هابئله ايفراط درجه ده اولان ناسيوناليسمين  
بالاسي، نازيسمين شاهيدي اولور. قودوز جاسينا اينسانلارين  
بومباردومان اولماقلا ريني و ائله جه ده زؤراكيليق قارشيسي  
گئند مۇباريزه ني دويور و تۆپلوم آرا، بيره بيرليك (برابريك)  
ياشام شكلينه سئوگي بسله- يير. صؤلحه سس وئير. او،  
ايراندا گئند ايجتيمايي - ايقتصادي شكلين ديشيلمه  
سي نين دؤنگه سينده ياشاير. ائله اؤنا گؤره ده عاشيق قشم،  
كلاسيك، اولو عاشيق لاريميزين سون بئشيبدير. ائله اؤنا  
گؤره ده اؤندا، اوزان بابالاري ايله فرقلي ايستكلر و داورانيشلارلا  
توشلاشيريپ. اؤرنك:

... ديدرگين اولدولار خانلار ايراندا  
... ظفر سرودونو چالانلار بيزيك  
عاشيق قشم حاقددا باشقا قونولار:

۱) عاشيق قشم اؤز چاغيندا زيروه ده دايا نير. آذربايجان  
دئمكرات فېرقه سي دؤوروندن حسين جاوان لا بيرگه، خالقين،  
اؤلكه نين ايكي سئوگيلي بۆلبولو كيمي سس سسه وئيرلر.  
آيري دؤشوكلري ايللرده ده گۆنئي بۆلبولونون جهجه سي  
يالقيز شئيدا بۆلبول كيمي كۆندورون باغلارينا ياييلير:  
عاشيق حسين قويدو گنتدي،

چوخ داكي باغلي دير قولو قشمين.  
«اوستاد داوران»- ين دئديينه گوره، قشم آرا وئرمه دن سازي  
باغرينا آليب و اونون شئرينه بير گوزل جاواب وئريدير. آنجاق  
اوشئره ده اولو قشمين بير چوخ كاغيذا كئچمه ين شئعلري  
كيمي اونودولوبدور.

۳) عاشيق قشمين بير سيرا تانيلاريني دئديينه گوره،  
اونون يازيب اوخوما ساوادي يوخوموش. آنجاق عاشيق قشمين  
شئعلرينده يازي باجاريغيني اينديعاسيندا اولان عاشيق  
قشم، بيزي شاشيرير (تعجوبلنديرير). اؤرنك اولاراق:

-قشم يازير، يئر يم گؤنئي سؤزلريم محك داشي

-اؤن يئددي ياشيمدان كيتاب يازاديم.

-بونامه ني گؤنررسن نازلي يارا ائي حكيم

-چوخ سؤزلري يازانماديم قالدي اؤنلار پؤنهاندا

-الده قلم بودفتر يازانام

-دفتره يازيرام عابباس، علمدار

و...

وئرديمييز اؤرنكلره گوره، ان آزي اولو عاشيق قشم، اؤز  
شئعلريني يازيلماسينا مئيل و چابا(جهد) گؤسترميشدير.  
اولو عاشيقيميزين، بو بئيتيني گؤزدن كئچيرسك:

منيم كي، بير ذره يوخودور ساواديم

اگر چي ياييلميش اولكده اديم...

دئيه ييلريك: اولاييلر يازماغي بير تامارزي كيمي، عؤمور  
بؤيو اؤزو ايله داشيميشدير. اولاييلسين ده، اوخوماغي

باجاراميش، يالنيز يازماقدا چتتين ليك

چكيرميش و يازي - پوزو بيلن اوغلان -

قيزلاريني اؤز الي و قلمي حنساب

انديرميش. يئري گل ميشكن بؤتون

قشم سنورلره و اونون بالالاريندان كي،

قشمين سؤوزلريني لئنته، دفتره يازيب

و قارلارغي اندييلر، قدير بيلن ليك

انديك؛ هابئله يازيلاري تؤپلايب،

باسديرماق ايشلرينده چاليشيب و

اغير زحمتلره قاتلانانلار: ايسرافيل

جعفري (رحمتليك) و عاشيق مظاهير

جعفري عاشيق قشمين اوغلانلاري و

سايين دوست و قلمداشلاريم اوستاد

داور زمانخاني (دؤنمز)، اوستاد صمد

چايي، اوستاد ايدين تبريزلي و اوستاد

جيناييتين قاباغيني آلماغي باجاردى. شاهيدلرين دئديينه  
گوره شبسترده يالنيز بير مۇهاجير نئچه ساتقين كيمسه نين  
الي ايله قورشونلانميشدي. دئمك گؤنئيلي لر باشقا يئرلره  
گوره، اؤز ايگيد، قهرمانلاريني، شرفلي بالالاريني قورويابيلمه  
بي ده باجارميشدي.

۲) - آذربايجان عاشيق لاريني بير چوخو كؤندور كنديني  
قشمين ياشاديغينا گوره، اوجاق بيليب، قشمين مکتبيندن  
درس آلماغا گلير ميشلر. قوجامان عاشيق حسن اسكندري نين  
اؤز فخر ائتديينه گوره، دفعه لرله قشم ين گوروشونه كؤندوره  
گنديدير. او، بؤتون بؤيوكلويو ايله، ادبلي اؤيرنجي كيمي،  
قشمين قارشيسيندا باش ايه رك: «بيز گنجلر سيز اوستادين  
سنسينزيك» - دئميشدي.

-هابئله اورمونون قوجامان عاشيقي، عاشيق دهقانين  
باخيشيجا، قشم سازين بؤتون هاوالاريني بيلر، سؤزده كاميل  
اوستاددير .

-واقتيله، عاشيق قشم ايله عاشيق شهنازي نين دئيشمه سي  
اورمودا، تبريزده خالقين ماراغيني قازانميشدير.

- اولو زهتابي اؤنا اؤچ دنه اوزون شئعر حصر اندير. بغداددان  
يازديغي منظوم مکتوبدا، عاشيق قشمي، ميشووون آلولو  
سسي، گؤنئيين اؤدلو نغسي، شاها باش ايمه ين، دار گؤنده  
ائليني تك قويمايان و ... تمثيل اندير. اولو زهتابي قشمين  
وفاتي گؤنو يازديغي شئعري بير پارچاسيندا يازير:

بزه دين تويونو هر زامان ائلين

اغير گؤنؤنده ده سوسمادي ديلين

نه قدر ايديلر، سينمادي بئلين

بو ائللر اونوتماز قشمين بير آن

-هابئله بير چوخ عاشيق لار، شاعيرلر

اورك دؤيونتولريني دويغوسال و منظوم

شكيلده سؤيله بيلر. او شاعيرلردن

بيري ده، سؤيولمي شاعير، مونتيقد

و آراشديريجي دوستوم « اوستاد ناصر

داوران» دير. او، ۱۳۶۲ - جي ايلده

قشمين گوروشونه گئتديينه پاي

آپارديغي شئعري نين بير بندينده بئله

دئير:

سؤنمه ييب چيراغي هله ده يانير.

هله ده ائلينه حؤرمت قازانير.

كيم دئير قشمين ديلي اوسانير،



▲ عاشیق حسین جوان

- ائله جه ده بو طنز شئعینده:  
- بیرتلسین کوتون، شالوارین  
- منیم کیمی لوت قالاسان  
- سؤز لریم خطرینه دیسه  
قاپیدان قاوالا فلک!  
سؤز سوز عاشیق لاریمیز و شاعیرلریمیز، ائله جه ده عادی  
اینسانلار فله بی چئشیتلی دوروملاردا تاپدالابارلار. بو دا بیر  
دورومدور.  
سؤن سؤز:  
بو سؤز لر قشمدن قالسین یادگار  
ائل ایچینده تمیز آدی گرکدیر.  
- دئیهن قشمد، اوبالاردا، کندلرده، شهرلرده، تویلاری، دویونلری،  
شنلیک ییغینجاقلارینی، ساز، سؤز، داستان و داوارانیشی ایله  
آپاران قشمد، اینسانلارین دویغولارینا یاز یاغیشی چیله ین، ائله  
جه ده اؤنلارین یاشیل روحلارینی جیلالاندیران، خالقین  
گئرچک دانیشیق دیلی ایله دانیشان قشمد، دده قورقود  
کروانی نین سازلی- سؤزلو یولچوسو قشمد، بیر داها دؤغولماییب  
و دؤغولا بیلمز ده.

حسین محمد خانی (گۆنئیلی) جنابلارینا اللرینیز آغریماسین  
دئیک.

### قشمد نئجه دؤشونورموش؟

قشمدین دیلینده گزن سؤزلر و سؤز بیرلشمه لری اؤنون، ایچ  
دورومونو آیدینجا اؤزه چکیر. اؤرنک اۇلاراق: چتین گۆنون  
دوستو اؤلماغی اَلقیشلا بیر، اؤزگه فئلینه اؤیماغی وورغولایبیر،  
اؤزونو و دینله ینلرینی دؤز ایلقارلی، شؤجاعتلی، مرد ایگید  
اؤلماغا چاغیریر، تیکه دوستو، مجازی دوست (قوندارما  
دوست) اؤلماغی قینایبیر، هابتله عئل اؤیرنمه یه، حقیقته  
چاتماغا، اینسانلیق اندیب، درده دؤزمه یه و چتینلیکلرده  
دؤزوم گؤسترمه یه بیر پئیغمبر کیمی دعوت اندیر.  
قشمدین گؤللو- چیچکلی دویغولاری نین، خوراسان سفینده،  
نیشابور شهریندن کئچنده، بئله قوخوسو گلیر:

... کیتاب قۇلتوغوندا قیزلار گلیری  
اۇغلان- قیز اۇخویور معرفت تاپیر  
... عئل مسیز آداملار اۇلار بی موراد

اؤ، اؤزو محروم قالدیغی یازی- پوزونو اؤیرنلری گۆرنده،  
قیسقانمیر کی هئچ، قانادلانیب اوچور. اؤ، گۆنئیلی،  
کۆندورلودورسه، دوغوم یئری نین وورغونودورسا، بۆتون  
اینسانلارا و اینسانلیغا سؤگی بسله بیر. آنجاق یئرلی یئرینده  
آنادیلی نین قایغیسینا قالیر:

- هئچ وعدہ دئمہ دیم بوغدا یا گندوم  
اؤز دیلمین آرخاسیندا دایاندیم  
- آنام منه لایلائی دئییب،  
ائلیم تۆرکدور، من ده تۆرکم.  
سؤد وئریب منی بسله ییب،  
دیلم تۆرکدور، من ده تۆرکم.

اؤ، درس آلدیغی اوستادلاری کیمی هرهارادا دیکتاتور  
حاکیم قووه لره قارشى سؤزلرینی آیدین دئییه بیلمه ینده،  
عدالتسیرلیکله توشلاشاندا، سؤزلرینی باغلی یا چولقاییب، بو  
کیمی عیبارت لرله خالقا چاتدیراردی:

- فلک طولم ائیله دی نوجوانلارا («نوجوان سؤز جویو قشمده ده  
» خسته قاسیم » و «عاشیق والته» کیمی ایگید آنلامیندا گئدیر.)

- راست گلیمیشم ناشی بزیرگانلارا (بازرگان)  
تۆکوب ماتاهییمی ساتا بیلمه دیم

هئچ وفا گۆرمه دیم من قیزیل باشدان (دؤولت آدامی  
دئمک دیر).

## ماھنی لارلا اۆز ائلینی سیلکله

عاشیق قشم دورساز یوی آل اله  
کۆوشنه سال تازادان بیرولوله  
ایگیدلر آدیوی سالیسنلاردیله  
شۆهرتین یاییلسین وطنه، ائله  
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

گونئی ماحالینین گۆلو سن ایدین  
تورک ائلی نین شیرین دیلی سن ایدین  
وطنیمین شوخ بولبولو سن ایدین  
چال وطنین قوشو گل سین بیردیله  
ماھنیلارلا اۆزائلینی سیلکله

اوزان باغچاسینی گوللندیر قشم  
ساز یوی مجلسیده دیلندیر قشم  
چیلچراغی یوردومدا یاندیر قشم  
قوی مللتین اغلارگۆزو بیرگوله  
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

میشوودا قشمن ایزی گۆرونور  
داشلاریندا شیرین سۆزو بورونور  
ساز سسییله کوچ قوزولارسورونور  
قشم دئینه گونئی ائلیم هابئله  
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

ده ده قورقورد مجلسینده اوتوروب  
خسته قاسیم بوردا قورغوسون قوروب  
عاشیق علعسگرده اورتادا دوروب  
عاشیق حسن سازی دیلندیر هله  
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

عاشیق قشم یوردوموزون گۆزودور  
اونون سۆزواتلیریمین سۆزودور  
عاشیق لارین پارلاق بیر اولدوزودور  
قوی سسینله اورکلره قان گله  
ماھنی لارلا اۆزائلینی سیلکله

آدین یاییلیب دیر بوتون وطنه  
بولبولریغیشیب باغا، چمنه  
شرف وئریب سسین گۆزل وطنه  
نغمه قوش بولبول تک چیچه به، گوله  
«رونق» تک ایگیدلر قدرینی بیله

## قشم

اکبر صالحی «قاداش»

دئسه لر بو یئرده یوخلایان کیمدیر؟  
سؤیله بین ائل ایچره عالی شان قشم!  
سئودی بی تۇرپاغین باشین اوجالیدی،  
اولدوزدور گۆیلر ده ساییشان قشم!

بورادا سۆز دولو سینه یاتیب دیر.  
اوچوبدور، چاتیب دیر گۆنه، یاتیب دیر.  
سانمایین حیاتی سونا چاتیب دیر،  
یاشاییر ائلیله اؤلوشان قشم!

ائلینه، یوردونا آغ گۆن دیله یین  
شیرین قوشمالارلا سئوینج اله یین  
یانان اۆرکلره یاغیش چیله یین  
آنجا ق اۆز ایچینده آلیشان قشم

هئچواقت ساتیلما دی، پولا، مقاما  
قناعت ائیله دی سوواقلی داما  
گنج ده دن سحره، صوبح دن آخشاما  
قؤلونون گۆجویله چالیشان قشم

آی «قاداش» چالیش کی، اوزون آغ اؤلسون

دایان ائلیرینه، آرخان داغ اؤلسون  
سینه دفترینده بیر واراق اؤلسون،  
آریسی چیچکده، بالی شان قشم

## گزارش مراسم تشریح و اهدای لوح به یابنده ی نسخه سوم کتاب «دده قورقود» در انجمن ادبی صابر

(بخشهایی از گزارش مشروح از طرف مجله پیام شبستر خلاصه گردیده است)



▲ از راست به چپ: اکبر صالحی - مهندس صرافی - دکتر صدیق - ولی محمد خوجه

مهندس ولی محمد خوجه؛ کاشف نسخه خطی دده قورقود حضور داشتند. دکتر مرتضی مجدفر برگزاری این همایش از طرف انجمن ادبی صابر را نقطه عطفی در فعالیت‌های این انجمن ادبی آذربایجانی‌ها دانست. این پژوهشگر کشورمان نیز بر اهمیت نسخه خطی نویافته اشاره کرده و خواهان توجه مسئولین مربوطه به آن شد. شایان ذکر است در این مراسم با حضور دکتر حسین محمدزاده صدیق، مهندس علیرضا صرافی و آقای اکبر صالحی از آقای ولی محمد خوجه تقدیر شد.

**نسخه سوم دده قورقود در تهران یافت شده است**  
دکتر حسین محمدزاده صدیق با اشاره

دکتر صدیق در یک پانل پرسش و پاسخ و مهندس صرافی در قالب سخنرانی و با ارائه برخی گرافها و نقشه و... به ایراد سخنرانی پرداختند. ذیلا شمه‌ای از سخنان این دو محقق برجسته ارائه می‌گردد:

در این جلسه، دکتر حسین محمدزاده صدیق؛ استاد دانشگاه، محقق و مترجم رسمی قوه قضاییه، مهندس علیرضا صرافی؛ محقق و مدرس فولکلور در دانشگاهها، دکتر مرتضی مجدفر؛ روزنامه‌نگار، نویسنده و پژوهشگر و

روز چهارشنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۸ به همت انجمن ادبی صابر، همایش علمی تحت عنوان «حماسه‌های دده قورقود و نسخه‌های خطی آن» با حضور آقای دکتر حسین محمدزاده صدیق و مهندس علیرضا صرافی در فرهنگسرای اشراق برگزار شد، مجری این برنامه آقای دکتر مرتضی مجدفر بود. در این مراسم ضمن رونمایی از نسخه سوم دده قورقود و تجلیل از ولی محمد خوجه به عنوان یابنده آن، ویژگی‌های این نسخه خطی تشریح شد.

گزارشگر: ایلدار محمدزاده صدیق

مجری مراسم: دکتر مرتضی مجدفر



فراهم آورند.

### یک رویداد بزرگ فرهنگی در ایران

مهندس علیرضا صرافی، محقق و پژوهشگر معاصر کشورمان نیز در این نشست تخصصی گفت: کشف یک روایت متفاوت شامل یک داستان و بیش از بیست قطعه شعر از دده قورقود طی ماه‌های اخیر در ایران یک رویداد بزرگ فرهنگی بود و به تعبیر استاد کریم مشروطه‌چی یک معجزه‌ی فرهنگی بود.

علیرضا صرافی ادامه داد: پرفسور فواد کوپرولو، محقق برجسته‌ی کتاب دده قورقود می‌گوید که اگر کتاب دده قورقود را در یک کفه ترازو قرار دهیم و سایر آثار ادبیات کلاسیک ترکی را در کفه‌ی دیگر، باز کفه‌ای که در آن کتاب دده قورقود قرار دارد، سنگینی خواهد کرد. اکنون یک داستان و بیست و چند شعر که همگی با یافته‌های قبلی متفاوتند، کشف شده‌اند که عینا به کفه دده قورقود علاوه می‌شوند و ثقلت و سنگینی آن را دو چندان خواهند کرد. این پژوهشگر معاصر کشورمان ادامه داد: قراین بسیاری وجود دارد که می‌توان استدلال کرد، این کتاب در آذربایجان نوشته شده است. گفته می‌شود سال‌ها در یک خانواده منسوب به قاجار نگهداری می‌شده و چندماه پیش توسط یک هموطن فرهیخته ترکمن ولی محمد خوجه خریداری شده و اکنون در کتابخانه شخصی او در کنار ده‌ها جلد کتاب خطی دیگر نگهداری می‌شود.

علیرضا صرافی گفت: داستان‌های حماسی و سروده‌های دده قورقود در زمان قدیم طبق سنت‌های شفاهی از استاد به شاگرد و از پدران و مادران به فرزندان خویش سینه به سینه منتقل می‌شده است و ریشه‌ی آن در اعماق

کتابی که در اوایل قرن حاضر در آلمان و واتیکان یافت شده عنوان «کتاب دده قورقود علی‌لسان طائفه‌ی اوغوزان» نام دارد. اما صفحه‌ی نسخه‌ی نو یافته مفقود شده است و فعلا این اثر مجهول المؤلف به‌شمار می‌رود.

دکتر صدیق گفت: این جانب را ولی محمدخوجه یکی از مجموعه‌داران محترم ساکن شهرگنبد قابوس از وجود این نسخه‌ی خطی که آن را از دستفروشی در تهران خریده بود مطلع ساخت و با سعی صدر جهت مطالعه و تحقیق در اختیارم گذاشت که از این جهت خود را رهین منت او می‌دانم.

### از ولی محمد خوجه قدردان هستیم

این استاد دانشگاه که مراحل تصحیح این کتاب را به پایان رسانده و آن را آماده نشر کرده است، گفت: این جلسه صرفا جهت قدردانی از نیت خیر ولی محمد خوجه و اهتمامی که به تهیه و حفاظت از نسخ خطی و به‌خصوص نسخه‌ی ترکمن صحرای دده قورقود به خرج می‌دهند، تشکیل شده است. امیدوارم مسئولان میراث فرهنگی به اهمیت موضوع پی ببرند و امکانات دولتی برای نشر و معرفی این اثر عزیز اسلامی و ایرانی را

به نسخه جدید یافت شده دده قورقود گفت: اخیرا یک نسخه‌ی جدیدی نیز در شرح حالات و مناقب دده قورقود در تهران یافت شد که علی‌رغم آن که این جانب روگرفتی از آن را در اختیار مسئولان سازمان میراث فرهنگی گذاشتم و شرح مبسوطی نیز در این باب نوشتم، وقعی ننهادند و برعکس در یکی از کشورهای همسایه در سطح وسیعی انتشار یافت و این اثر ایرانی نیز مصادره گردید

استاد زبان و ادبیات فارسی و ترکی دانشگاه‌های ایران، گفت: مناقب و مقامات‌نویسی و تقریرنگاری یکی از سنت‌های حسنه‌ی جاری در تمدن اسلامی ایران بوده است که پس از وفات هر یک از اولیا از سوی علاقه‌مندان وی به قلم می‌آمده است. مثلا بعد از وفات ابوسعید ابوالخیر، کتاب اسرارالتوحید و چند کتاب دیگر در حالات او نوشته شد و یا پس از رحلت مولانا جلال‌الدین کتاب مناقب‌العارفین و چند اثر دیگر تألیف گردید.

### ویژگی‌های نسخه ایرانی دده قورقود

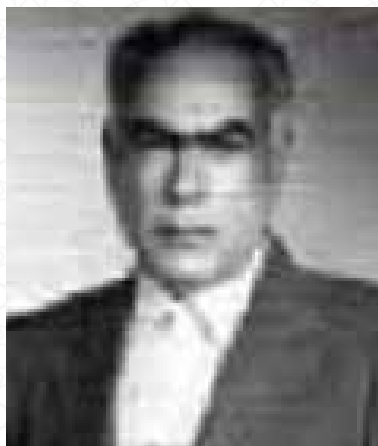
استاد صدیق افزودند: این رساله‌ی کم‌حجم و پُرارزش از سوی یکی از شیعیان اوایل دوره‌ی حکومت صفویان و شاید اندکی پیش از قیام شاه اسماعیل صفوی در تبریز و یا یکی از جاهای نزدیک به این شهر تألیف شده است. نسخه‌ی خطی سرشار از مواعظ ادعیه و مطالب مربوط به تبلیغ معارف شیعه است و هر صفحه از آن ۱۴ سطر دارد و به خط زیبای نستعلیق ایرانی نگاشته شده است. این اثر را این جانب در ۳۰ بخشی سازه‌بندی کرده‌ام که هر بخشی از آن در موضوع خاصی با انشایی بسیار سهل و ممتنع و سرشار از صنایع ادبی و نکات بدیعی به صورت نثر و نظم نگاشته شده است. او ادامه داد:

+++++

به تشکیل یک هیئت علمی ۱۵ نفره نموده و نتیجه کار خویش را طی یک ماه آتی به انجام رسانده و آماده چاپ خواهد کرد.

### در ایران تنها NGOها اهمیت این نسخه را منعکس کردند

مهندس علیرضا صرافی گفت: در ترکیه خبرگزاری‌های رسمی و دولتی و دانشگاه‌ها و موسسات و نهادهای علمی با هیجان وصف‌ناپذیری درباره این اثر برنامه‌های معارفه، مصاحبه و بزرگداشت و غیره برگزار می‌کنند و اخبار مربوطه را منتشر می‌سازند. اما در ایران تنها شبکه‌های مجازی بودند که خبر را به نحو گسترده‌ای منتشر ساختند و NGOهایی همچون موسسات ائل بیلمی در تبریز، میراث در گنبد کاووس و اخیراً انجمن ادبی صابر در تهران مراسمی در حق این اثر برگزار کردند و البته چند مجله و روزنامه محلی مطالبی درباره آن نوشتند. او ادامه داد: من به سهم خود، از همتی که جناب آقای محمد خوجه در تهیه و محافظت از اثر مذکور نموده‌اند، تشکر می‌کنم و همچنین از انجمن ادبی صابر به خاطر اهمیتی که این موضوع دادند، تشکر می‌کنم. آقای ولی محمد خوجه نیز در این همایش گفت: اهمیت این نسخه‌ی خطی را در ملاقات با دکتر صدیق و هم اکنون در این همایش و پیش‌تر از این در تبریز متوجه شدم. تاکنون نمی‌دانستم که این نسخه‌ی خطی از چه اهمیتی برخوردارست و میراث ایرانیان محسوب می‌شود. همچنین در این همایش منصور طبری، غفار اخگر و صوفی راد، سه شاعر ترکمن حاضر در برنامه شعرهای ترکمنی خواندند که با استقبال حاضرین مواجه شد.



به یافته‌های فوق به این نتیجه می‌رسیم که این اثر از زبان یک اوزان آذربایجانی در اوایل دوره‌ی صفوی به رشته تحریر در آمده و واریانت آذربایجانی یک داستان حماسی و چندین سرود از سروده‌های منسوب به دده قورقود است.

صرافی ادامه داد: ایرانی بودن این اثر ترکی وجه ممیزه آن است، هر چند که این اثر بومی از ترکان ایرانی اعم از آذربایجانی و قشقایی و غیره است. اما در عین حال یک ثروت فرهنگی مشترک برای تمامی ترکان جهان است. مهندس صرافی ادامه داد: جالب اینکه تاکنون سهم دانشمندان ایرانی در پژوهش روی آن نیز چشمگیر بوده است. از سه کتاب منتشره در ترکیه به جز یکی که آقای دکتر متین اکیجی کار کرده‌اند، مولف دو اثر دیگر ایرانی‌اند. یعنی دکتر یوسف آزمون، سارا بهزاد، شهروز آق آتابای، نعمت اله یعقوبی و ناصر شاهگلی.

### این اثر به زودی در ایران منتشر خواهد شد

مهندس علیرضا صرافی تأکید کرد: همزمان آقای دکتر حسین محمدزاده صدیق نیز کتابی تهیه نموده‌اند که متن آن را در اختیار موسسه ائل بیلمی قرار داده‌اند تا مورد استفاده قرار گیرد. او گفت: موسسه‌ی ائل بیلمی نیز طبق یک موافقت‌نامه با آقای خوجه اقدام

تاریخ قبایل ترکان اوغوز است، ترکان اوغوز شامل ترکان غرب یا ترکان آناتولی، ترکان ایران و قفقاز، شامل آذربایجانی‌ها و ترکان عراق عجم و عراق عرب، قبرس و بلغارستان و یونان و کوزوو و ترکان قشقایی و خراسان و ترکمنان و ... می‌باشد.

**کشف اخیر متعلق به ترکان ایران است**

صرافی تأکید کرد: کشف اخیر هرچند متعلق به ترکان ایران است، اما بخشی از ثروت مشترک همه ترکان جهان محسوب می‌شود. مهندس علیرضا صرافی ادامه داد: هرچند اغلب پژوهشگران زبان به کار رفته در داستان‌های دوازده‌گانه (نسخه درسدن) را حد واسطی بین زبان‌های آذربایجانی و شیوه‌های موجود در آناتولی می‌دانند. اما زبان این اثر جدیداً کشف نشانگر دوری بیشتر از شیوه‌های رایج در عثمانی و نزدیکی هرچه بیشتر با ترکی آذربایجانی است. او گفت: اگر بخواهیم تعیین کنیم مابین لهجه‌های شمالی و جنوبی آذربایجانی کدام‌ها در این اثر تفوق بیشتر دارند، چنانچه پرفسور احمد بیجان ارجیلاسون نیز می‌گوید، ارجحیت با شیوه‌ی جنوب به‌خصوص شیوه تبریز است.

علیرضا صرافی درباره‌ی جغرافیای نسخه ترکمن صحرا گفت: تاکنون حدود ۹۷ نام مکان را در این اثر تثبیت کرده‌ام (البته با حذف تکراری‌ها می‌شود ۷۵ نام)، ۶۱ نام در اراضی تاریخی آذربایجان قرار داد. ۶ نام جغرافیایی فعلاً برای ما نامکشف است، ۳۱ نام در سایر جای‌های جهان (به جز اراضی آذربایجان) قرار دارند. او گفت: حدود بیش از دو سوم نام‌ها مربوط به آذربایجان تاریخی (منظورم بزرگترین حدود متصوره برای آذربایجان طبق نظر مورخین از همدان تا دربند) است. این پژوهشگر معاصر ایرانی گفت: با توجه



## ائللری آتمازلار اؤنو هئچ زامان

(عاشیق قشمین اولومونون قیرخینجی گؤنو مۇناسیبتیلله)

باھاردا گۆلشنده آچیلار گۆلر  
باغلاردا گۆلدرده اؤخور بۆبولر  
زامانی چۆخ آزدیر سؤلار او گۆلر  
شاعیرلر گۆلشنی قالار هر زامان

\*\*\*

عاشیقلر گلیبدر معشوق یوردونا  
گۆنئیلی قشمین کۆندور کندینه  
شاد اولسون دئسینلر او پاک روحونا  
ائللری آتمازلار اؤنو هئچ زامان

\*\*\*

سؤزلرین زنده دیر قالار دیلدرده  
اثرین چاپ اولوب، نشر اولار گۆنده  
عاشیقلار اؤیرنیب اؤخور هر یئرده  
عاشیقلر زنده دیر اولمز هئچ زامان

\*\*\*

گۆنئیدن، تبریزدن گلیب عاشیقلر  
مزارین دؤورونه بیغیشیب ائلر  
جلاللی مقاما سلام وئرلر  
تعظیم و احترام اولار هر زامان

\*\*\*

شبسترلی شاعیر یازیب بو شعری  
ادب گۆلشنینده قالار هر زامان

یازان: رحمتلیک شبسترلی میرصمد ربّانی

۴/۸/۱۳۶۸

ادب باھاری نین خزانی اولماز  
اؤخویار بۆبوللر اوردای هر زامان  
عاشیقلر، عاریفلر فنایه گئتمز  
تاریخده اولدوز تک پارلار هر زامان

\*\*\*

حقیقت یوللارین گئدن عاشیقلر  
معرفت گۆلرین درن عاریفلر  
سعادت بحرینه یئتن عاشیقلر  
قیمتلی بیر لعلدیر پارلار هر زامان

\*\*\*

جهالت ظۆلمتین آتلایب کئچدی  
دره لر، تپه لر طیّ اندیب کئچدی  
طریقته یولوندا چۆخ زحمت چکدی  
حقیقت گۆنشدیر پارلار هر زامان



۲۰/۴/۱۳۵۸ - تاريخينده شاعير بهرام ائلچين و نئچه نفر دوستو كۆندورده عاشيق قشمة گۆرمه يه گۆدېرلر. آشاغيداكى شئعري شاعير ائلچين اوستاد قشمة ائتخاف ائدير. همين شئعري اليازماسيني بير مدت اؤنجه عاشيق احد ملكي، و باشقا دوستلار اوستادين ائويندن فيلم چكركن، اوستادين كۆركنى و قيزى اؤنون سانديغيندان تاپيرلار.

## گۆنئي

بهرام ائلچين

ميشوو تك مهربان آنان وار سنين

دؤشمندن قۇرويان قالان وار سنين

سازيندا، شأينه چالان وار سنين

سارسيلماس آسلانين اورماني گۆنئي!

گۆلشن - رازيندا گزن شئخ محمود

ائلينه قايعي چي معجز تك اومود

بير آتا، اؤچ قارداش، صورتده داوود

يئددي نسل آرخادان سؤز كاني گۆنئي!

بئش يولداش گۆرمه يه گلدك قشمة

اونوتدوق غوصه ني، محو ائتديك غمي

«ائلچين» بير غريبدير يوخ شاه صنمي

اونوتما جفاكئش مئهماني گۆنئي!

## تقديمي قشمة

(۱)

باد- صبا خبر گتير وطندن  
آغير ائللر، خانمانلار دورورمو؟  
سينه سي ناخيشلي، قئيقاج باخيشلي  
من گۆردويوم طرفه جانلار دورورمو؟

منيم احوالما قان آغليز داشلار  
بير خبر گتيرين گۆيده كي قوشلار!  
سئيرانگاه يولداشلار، عزيز قارداشلار  
دانيشديغيم نوجوانلار دورورمو؟

من قشمة گۆرن هر جايي چاغلار  
درديم چوخ اولوبدور، سينه مي داغلار  
گۆي چمنلي داغلار، گۆلشن لي باغلار  
گشت ائتدييم خييابانلار دورورمو؟

(۲)

قيرخ سگگيز هفته ده، اؤن ايكي آيدا  
چهار فصلي، باهار چاغي گۆنئين  
آچيلار گۆللي، سبز اولار بوستان  
شن گولونو اچار باغي گۆنئين  
بير ياني تسي دير، بير ياني صوفيان  
ميثال-ي جنت دير / بو / آذربايجان  
يئتميش ايكي كندي وار گۆنئيستان  
آلماسي، هئيواسي، ناري گۆنئين

شبستر، دريان دي، خومناباد باغدي  
قيله سي دريادي، شمالي داغدي.  
آچيلير گۆللي، درمه لي چاغدي  
آينا بنددي، اؤتاقلاري گۆنئين

قشمة نامه يازير قلم الينده  
قومرو تك آوازي آنا ديلينده  
بۆلبول جهجه وورار قيزيل گۆلونده  
يئمه لي دي پنيير، ياغي گۆنئين

## یاشایا جاقدر



رحیم گۆزل

قوي قۇرخسون اۆلومدن سولطانلار، شاهلار  
صنعتكار صنعتله ياشاياجاقدير  
خلقين اۆره بينده كيمين يئري وار  
گۆزل بير عيزتله ياشاياجاقدير.

ائلرين درديني بيلن هؤنرمند  
ائل ايله آغلاييب- گۆلن هؤنرمند  
وطن قايعيسيلا اؤلن هؤنرمند-  
وطنله، ميلتله ياشاياجاقدير

عئشقدن سؤز آچيب سئوگيدن يازان  
حقه جيلوه وئريب، باطيلي پوزان  
ايستر شاعير اول، ايسترسه اوزان  
بير تميز شؤهرتله ياشاياجاقدير.

داغيلدي قارونون ثروتى، مالى  
پوزولدى فيرعونون جاهى- جلالى  
صاير گئديديسه، مرامى قالى،  
شاعير شئعريتله ياشاياجاقدير

وطن قارا گئيب اؤغول ياسيندا  
«ميشؤو» دالغا وورور غم درياسيندا  
«قشم» ين خاطيري ائل آراسيندا  
ساز ايله، صؤحتله ياشاياجاقدير.

## گۆزو قشمين

خليل چوپانيان

حقين درگاهيندان ايلهامين آدى  
جنگى كور اوغلو دا سازيني چالدى  
محمد، على نين قولامى اولدى  
ابدى سؤنمه ين گۆزو قشمين

ابتدا بسم الله ، سؤزون اولى  
حسن، حسين دئدى، فاطمه، على  
عؤمور اونوتمادى، زينب گۆزلى  
مولايه باغليدى ديزى قشمين

اكبرى، اصغرى سسله دى هر آن  
صوبح و شام سسله دى شاه- خراسان  
رقيه نامينه واربيدى ايمان  
غريب آغايىدى اوزو قشمين

ائل عاشيقى وارسان سازيني ديندير  
دؤيمه كرمى چال، مظاهى گولدور  
آنا سؤز- صحبتين عالمه بيلدير  
تاريخيم اونودماز، يازى قشمين

«خليل» دونيا فانى هر قوناق اوچور  
بابالار اكديين، آتالار بيچير  
دئمه بين گؤننى دن صنعتكار كؤچور  
قالير تاريخلرده سؤزو قشمين

## عاشیق قشم

دوکتور زهتابی دن

ياز کی، گرک آزاد اولسون ائلمیز  
چیچک لنسین، دوغما شیرین دلیمیز  
اؤزانیبدر دائم دوستلوق ایلمیز  
قارداش میلتره هر بیر آن قشم

يازکی، سردارایله سالار باغیریر  
حقینی آماغا ائلین چاغیریر  
ياز کی، اوفوقلردن دؤمان داغیریر  
قوی اولسون بیر ستار، هر جوان قشم

ياز کی، یاتانلاری ازه جک زامان  
حقینی آلاماز سؤساندا اینسان  
آنجاق ایگیدلره باش ایر دؤوران  
اویانسین قوی سههند، ساوالان قشم

ياز کی، حق وئرلیمز، آلارلار اونو  
شرفسیز حیانتدیر سؤسماغین سونو  
دؤیوشده گئیرلر شرافت دونو  
بو یولو گنتمیشدیر ستارخان قشم

ایگیتلر آزماسین قوی اؤز یولونو  
تانیسین ساغینی، هم ده سولونو  
سالیب بیر-بیرینه پولاد قولونو  
اولسونلار قارداش تک مئهربان قشم

نه ارباب قویسونلار، نه بیر قان سوران  
قورسونلار موستقیل، آزاد بیر ایران  
قارداش تک یاشاسین بلوچ، کوردوستان  
فارس، عرب، هم ترک و ترکمان قشم

اؤلدن میلتمی ظولمتی یاریب  
ظولمتی یاراراق گونش اختاریب  
یاخیندیرایشیقلی حیاتا واریب  
گرک چیرمالانسین قیز-اوغلان قشم

عاشیق قشم، سازین تئلی ساز اولسون  
شنلییین چوخ، دردین، غمین آز اولسون  
وطنیمیز خزان بیلمز یاز اولسون  
سن اول توپلاریندا ساز چالان قشم

سلام میشوومون آلولو سسی  
شاها باش ایمه ین هئچ زامان قشم  
ساغ اول گونئییمین اودلو نفسی  
پیس گونده ائل ایله یاشایان قشم

ائشیدیرم درین سؤزون اؤزاقدان  
خاطیرلیرام شیمشک سسین عراقدان  
بو داغلارا سسین دوشوبهاچاغدان؟  
سنی تانیر هر ائل، هر بیرین قشم

باشدان ائل کئچیتدی آغیرایلری  
اسدیردی شاه خلقه قارا ینلری  
کیریدنده چووغون، سازاق تئلری  
گونئییه سن اولدون نغمه خوان قشم

بابکلر نسلی نی سؤسدورماق اولماز  
ختایی گونش دیر بولوتدا قالماز  
ستارین اؤولادی بنده وورولماز  
بونو تاریخ دئیر هر زامان قشم

دیک باشلیق اؤیرتمیش بیزلره میشوو  
معجزلر یاندیریب سؤنمه ین آلوو  
ائلیم باش ایمه میش، ائتمه میش خینوو  
دیندیکجه سازینان بالابان قشم

قوربانام کوندوره، گؤزل سیسیوه  
دریانا، مئشینه، تبه، تسیوه  
یاتانلارا دؤرون دئین سیسیوه  
نغمه قوش، چال-اوخو، دؤرمادان قشم

قارا گونون عؤمرو دائم آز اولور  
کفن قار اریبیر، بهار - یاز اولور  
یاواش - یاواش ائلین کئی ساز اولور  
هرگون سندن ایستیر بیر داستان قشم

قییم باس دؤشووه کؤکلو سازیوی  
خلقه وار گوجونله یای آوازیوی  
قاینان یاز عاشیق، پیتی-یازیوی.  
گرک سینه لرده جوشا قان قشم

## آیری

++++

عاشیق قشمین اوغلو عاشیق مظاهر جعفری

آخریندا اوزو دوشر

هر قویونو قازان آیری

یوز مین درده توش گله جک

حقی بوروب، یازان آیری

فلک قویمور گولم بیر آن

دئییر قال بو هیجراندا یان!

گؤیو آلا قارا دومان

گر سؤیله سه اوزان آیری

مظاهر یاندیم طولومد

مین اوزلو دوردو یولومد

کرم کیمی ارزومدا

چولقالادی بوران آیری

از دوستان و خوانندگان محترم اهل فن که در املاي کلمات بخش ترکی دوگانگی میبینند، پیشاپیش عذر خواهی میگردد. چه به علت تصمیم هئیت تحریره با مد نظر قرار دادن نظر برخی از مخاطبین صورت گرفته است.

پیام نوهی عاشیق قشم  
«آلاهیین گوزل آدی و یادیینان»

دلبر جعفری

خدمت مسئولین محترم زحمتکش و دلسوز مجله پیام شبستریین زحمتکش مهربان مسئوللاریندان و عزیز اوخویوب ائشیدنلره سلام و عرؤ ادب

حقیر دلبر جعفری آتام مرحوم غضنفر جعفری، اوستاد عاشیق قشمین ارشد اوغلونون قیزی، اوشاقلیقدان آتام و آنامدان آیریلدیم و بابام اوستادین یانیندا گونئی ماحالیندا کوندور کندینده، آذربایجانین شمال طرفینده میشوداغینین اته یینده، بخش صوفیان و شبستر اولور. ادامه تحصیل وئریب و بابامدان پرستار و شئعرلرینی ثبت و قلمه گتیرمیشم. نئچه ایلر بابامین مونسسی و همدمی ایدیم و باخمایین کی، اوشاغیدیم، اما بابامین یانیندا بیر قهرمانیدیم. بابامین خسته لیک حالت لرین ده، مشتی ننه م، بابامین خانمیسی، اونون زحمتینی چکیب و پرستارلیغینی ائیلردی.

و بیرمهم مطلب ده کی، یئری وار مطرح ائله ییم. اوایل، آتام مرحوم غضنفر و اوستاد عمیم مظاهر جعفری؛ اوستاد بابامین شئعر و اثرلرینی قلمه گتیریب و جمع آوری ائله ییب لر. من سو... سرمقاله و متن خدمت شما بزرگوار؛ اگر نواقصی داشت به بزرگی خودتان عفو فرمایید. چون خیلی وقتی میشود که به زبان مادری قلم نزده ام. هر جا متن مشکلی داشت بی زحمت رفع کنید. باتشکر از شما بزرگوار و مسئولینی که برای پدر بزرگم زحمت کشیدید.

## خاطره‌ای از عاشیق قشم: احمد اشرفی زاده

همه را سرگرم کرده و باعث شادی آن‌ها و رونق مجلس می‌شدند. مرحوم پدر من، سخت مذهبی متعصب و مقید به امور دینی بود. لذا در ابتدا با هرگونه ساز و آواز حتی حضور عاشیق‌ها در مراسم عروسی مخالفت کردند. من از پدرم خواهش کردم که اجازه فرمایند از عاشیق قشم بخواهم بیایند؛ چون می‌دانم ایشان در هر مکان مناسب آن شعر و آواز می‌خوانند. و حتما شئونات خانواده و میهمانان ما را هم رعایت می‌کنند با عنایت خاصی که مرحوم پدرم به من داشت پذیرفت که عاشیق قشم بیاید ولی هیچ سازی با خود نیاورد. من با خوشحالی به کنرود رفته عاشیق قشم را پیدا کردم و موضوع را با ایشان در میان گذاشتم. با نهایت محبت خواهش مرا پذیرفت و گفت تو کاری نداشته باش من پدرتان را خوب می‌شناسم و خودم با ایشان کنار می‌آیم. بلافاصله رفت و سازش را برداشت و با هم به شبستر آمدم. وقتی وارد منزل ما شدیم عصر بود. عاشیق قشم سازش را قایم کرد و خودش دست خالی پیش پدرم که در اتاق طبقه بالا نشسته بود رفت. بعد از سلام و علیک مقدماتی و صرف چای صحبت‌هایشان شروع شد؛ مدتی نگذشته بود که دیدم پدرم چنان تحت‌تأثیر صحبت‌های گرم عاشیق قرار گرفته که خوشحال و خندان است. شب شد و بعد از صرف شام همه میهمانان منتظر هنرنمایی عاشیق قشم بودند. ایشان با اجازه میهمانان و پدرم بدون ساز برنامه خود را شروع کرد. همه میهمان‌ها یک‌صد گفتند که عاشیق سازت کو؟ گفت: «کربلایی اجازه نداده من با ساز بخوانم. لذا به احترام ایشان بدون ساز خواهم خواند.» همه رو به پدرم کردند و گفتند: «عروسی بدون ساز نمی‌شود، اجازه دهید عاشق سازش را بردارد.» با توجه به صحبت‌های عصر عاشیق و به احترام میهمانان پدرم راضی شد و عاشیق سازش را برداشت و چنان شور و حالی به مجلس داد که همه حتی پدرم مفتون ساز و آواز و صحبت‌های شیرین عاشیق قشم شدند. تا پاسی از شب برنامه ادامه داشت تا این که معمرین مجلس، یعنی بزرگسالان فامیل و همسایگان قصد ترک مجلس را کردند. مرحوم پدرم هم با آنان برای استراحت به منزل یکی از اقوام نزدیک رفتند و به من تأکید کردند که مواظب باش شلوغ نکنند. بعد از رفتن آنان عده‌ای از جوانان حاضر در حضور عاشیق قشم شروع به اجرای برنامه‌های شاد کردند. عاشق بعد از مدت کوتاهی تحمل، یکمرتبه پا شد و ساز خود را برداشت و گفت شما بنشینید، داستانی را شروع کرد و تا اذان صبح با تمام شور و حال به داستان سرایی و آواز پرداخت. و تحسین همه را برانگیخت و من به هنرمندی و هنرنمایی ایشان آفرین گفتم که با این مهارت برای همه اقشار از پیر تا جوان از مذهبی متعصب تا مردم عادی و معتدل حرفی برای گفتن داشت.

آبان ۱۳۹۸

در مهرماه سال ۱۳۳۷ بعد از فارغ‌التحصیل شدن از دانشسرای مقدماتی تبریز از طریق اداره فرهنگ (آموزش و پرورش) شبستر مأمور خدمت در دبستان فروغ سرکنندیز شدم. این دبستان در حد فاصل سه روستای کنرود و گل‌آباد و سرکنندیزج در بهترین موقعیت قرار گرفته بود و چون به نوآموزان هر سه روستا سرویس می‌داد همیشه هر شش کلاس اول تا ششم آن تعداد دانش‌آموز کافی داشت و در نتیجه مورد توجه مسئولین اداره نیز بود. تعداد کل دانش‌آموزان ۱۸۰ نفر بود.

مدیر دبستان آقای محمد ترکمانی، اهل همان محل (سرکنندیزج) بود و محلی‌ها آن را شاممدخان (شاه‌محمد خان) صدا می‌کردند. ایشان مدیر مقتدر و منظمی بود و به اسکان و حل مشکلات زندگی معلمین روستا نیز کمک می‌کرد.

خدمتگزار مدرسه، مرد میانسالی به نام اسدآقا بود و معلمین آن سال عبارت بودند از:

آقای نظامعلی نامخواه که اهل محل و انسانی شریف و مهربان و معلمی باتجربه بود. و آقایان: علی ممقانی، علی جعفر پور، محمد شیر محمددینی، احمد نصیری زیبا که غیربومی بودند و آقایان: محمد جوانی و احمد اشرفی-زاده (اینجانب) که هر دو اهل منطقه شبستر و در واقع بومی بودیم.

از جمله دانش‌آموزان آن سال مرحوم غضنفر جعفری فرزند مرحوم عاشیق قشم، بود و به همین دلیل خود مرحوم عاشیق قشم هم به عنوان ولی دانش‌آموز با مدرسه در تماس بود و رفت‌وآمد مستمری داشت در نتیجه با هم آشنا شدیم و با توجه به خصوصیات اخلاقی و فردی ایشان یک رابطه صمیمی بین معلمین و عاشیق قشم برقرار بود.

در همان سال برادر بزرگتر من مرحوم مغفور حمید اشرفی زاده در شبستر ازدواج کرده بود و قرار شد مراسم عروسی به روال معمول در منزل خودمان برگزار شود. در آن زمان رسم بر این بود که عروسی‌ها در دو شب متوالی انجام می‌شد که شب اول آقایان در منزل داماد و خانم‌ها در منزل عروس جشن می‌گرفتند؛ البته جشن اصلی شب اول مربوط به آقایان بود که تا صبح ادامه داشت و بعد از اذان صبح نزدیکان داماد بخصوص جوانان، همراه داماد به حمام می‌رفتند که خود آن‌هم در واقع ادامه مراسم شب و یک جشن کوچک دیگری بود و هزینه حمام و صبحانه همه میهمانان در آن روز به عهده خانواده ساقدوش یعنی کسی که در مراسم همان شب سمت راست داماد بر تخت نشسته و نزدیکی خود به داماد را به رخ دیگران می‌کشید.

مجلس آرای این شب‌ها اکثراً گروه عاشیق‌ها مرکب از عاشیق اصلی یک نفر بالابان زن و یک نفر دایره‌زن که آواز نیز می‌خواند بودند و از اول شب تا صبح با ساز و آواز و قصه‌های شیرین خود



## جناب آقای صالحی مدیر مسئول محترم مجله «پیام شبستر»

آلهین آدینه

اینجانب به عنوان خواننده دائمی آن نشریه به شما و سایر همکاران گرامی آن خسته نباشید گفته و موفقیت شما و سایر همکارانتان را از خداوند منان مسئلت دارم و به عنوان یک نفر همشهری، دوستدار شما و نشریه گرانقدر پیام شبستر مطلبی را به عرض می میرسانم: - در شماره ۲۰ صفحه ۵۲ «نظرات مخاطبین با مسئولین ...» مطلبی با قلم جناب آقای «فتح اله کمالی اصل» در باره بخش ترکی مجله با این کلمات «... فقط قسمت نوشتاری ترکی دیرفهم بوده به ترکی امروزی نیست در این مورد تجدید نظر شود» درج شده است. در مورد نظر آقای کمالی باید بگویم: قسمت نوشتاری ترکی دیرفهم نیست. ولی از آنجا که ما به زبان خود درس نخوانده ایم، برای بعضی ها دیرفهم می نماید. بنابر این باید مقداری بیشتر همت کنیم و زبان ادبی خودمان را که آقای کمالی «زبان غیر امروزی» به حساب می آورند، یاد بگیریم. اگر اینکار را بکنیم، فهم همه آنها آسانتر و در نتیجه شیرینتر خواهد شد. اگر دوستان مقداری به خودشان زحمت بدهند، در آینده نزدیک خواهند دید. که مشکلی برای خواندن و فهم صفحات ترکی ندارند.

و اما اینکه در جواب ایشان نوشته شده: - از اظهار نظر شما سپاسگزاریم در این مورد اقدام شده، امیدواریم نظر آنجناب تأمین شده باشد. - امیدوارم منظور مجله برای تأمین نظر ایشان، درج درسهایی برای شناساندن آواها، حروف صدا دار، حروف صامت، طرز نوشتاری این زبان، (حتی با توضیحات فارسی) در شماره-های آینده باشد و از این طریق نه تنها نظر آقای کمالی تأمین می شود، بلکه تعداد زیادی از خوانندگان، بویژه خوانندگان جوان نیز از آن بهره مند خواهند شد. ما جوانان سالهاست که آرزوی داشتن چنین مجله ای با صفحات ترکی بودیم که الحمدالله با همت شماها به آرزوی خودمان می رسیم. از طرف خود و دوستانم که خواننده مجله هستند، از مدیریت و مسئولین صفحات ترکی هم تشکر می نمایم.

حسین علیزاد

پیام شبستر درگیسینین حورمتلی امکداشلارینا، مدیر مسئول و یازچیلار هئیأتینده زحمت چکنلره، خصوصن تورکجه صحیفه لرینی یازیب، دوزه لیشه سالان دوستوم، اکبر صالحی جنابلارینا سالاملار و سایغیلار دئمه لی یم کی، درگی (مجله) نین تورکجه حیصه سیندن چوخلو فایدالاناراق، دیلیمیزی، عنعنه لریمیزی، فولکلور، ناغیل و شئعرلردن اوخویوب، اؤیره نیب و باشا دوشوروک. آنا دیلیمیزده مدرسه و ساییرایمکانلار اولمادیغی اوچون نهایت پیام شبستر بیر اؤیرتمن (معلم) کیمی، دیلین یازماق- اوخوماق طرزینی ایسته ینلره اؤیره درک، بو یولدا چوخ یاردیم ائدیر. ایستردیم، دها بارلی، دیه رلی و زنگین دوام ائده سیز. بیر دها میننت دارلیغیمی بیلدیریرم.

شبستر- عزیز امجدی (ائلدار) پاییز ۱۳۹۸

## آلهین آدینه



## تلقین چیست و افراد تلقین پذیر چه ویژگی‌هایی دارند؟

تهیه و تنظیم / ابوالفضل هدایتی آذری

دکتر مصطفی ملکیان در باب امور غیر معرفتی درباره تفاوت «تلقین» و «القاء» می‌نویسد: گاه القائنات عقیده آفرین است. در روانشناسی، القا با تلقین متفاوت است. گرچه این دو بسیار هم افق اند. در القا، تکرار یک امر سبب می‌شود ما آن را باور کنیم. یعنی همان کاری که تبلیغات می‌کند. صدبار می‌گویند «سیو همان سیب است» و باور می‌کنیم که «سیو همان سیب است» (ملکیان، ۱۳، ۷۳) القاء و پروپاگاندا (تبلیغات) در امور تجاری، سیاسی و دینی کاربرد دارد و صرفاً با تکرار موضوعی، بدون دلیل و استدلال، سعی می‌شود باورهای را در ذهن مخاطب به وجود آورند و به منافی دست یابند. رژیم‌های دیکتاتوری معمولاً از این شیوه برای همراه کردن توده مردم با خواست‌های خود استفاده می‌کنند و امری خطرناک در امور سیاسی است.



اما تلقین را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: پذیرش یک فکر یا یک باور بدون چرایی. تلقین نیز از امور غیر معرفتی و غیر استدلالی است و به تعبیر ویلیام جیمز (سال تولد - وفات)، فیلسوف آمریکایی، می‌تواند خلاء معرفتی را پر کند و در امور تربیتی و درمانی کاربردهای مثبتی داشته باشد اما نباید در میزان به کارگیری آن راه افراط پیش گرفته شود.

یکی از عناصر مهم هیپنوتیزم تلقین است. گفته می‌شود هیپنوتیزم، دارای سه عنصر اساسی است که این عناصر عبارتند از:

۱- تلقین (suggestion)؛

۲- تمرکز (concentration)؛

۳- آرامش (relaxation).

در تلقین، سوژه بدون اینکه در مورد القائنات انجام شده چون و چرا کند آنرا می‌پذیرد، رابطه تلقین و پذیرش آن شبیه رابطه بین عاشق و معشوق است؛ عاشق دستورات معشوق خود را بی‌چون و چرا می‌پذیرد و اجرا می‌کند که نمونه‌های آن را در داستان‌ها و افسانه‌های عاشقانه بسیار شنیده‌اید.

برخی از روی ناآگاهی تلقین را چون تلقین است بی‌اساس می‌دانند؛ در حالی که از مفهوم اصلی و علمی تلقین اطلاع ندارند، مثلاً در حرف‌های روزمره گفته می‌شود: «چیزی نیست، تلقین!» غافل از اینکه بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی

تلقین‌پذیری افراد افزایش می‌یابد و در مشاغلی، مثل فعالیت‌های خلاقانه و هنری که تخیل و تجسم نقش زیادی دارند، میزان تلقین‌پذیری یا هیپنوز پذیرگی کمتر است. افراد تلقین‌پذیر به محض دریافت اطلاعات جدید، آن را جایگزین اطلاعات قبلی می‌کنند. در واقع، آنها انتخاب نمی‌کنند که کدام اطلاعات جایگزین کدام برنامه و دستورالعمل قبلی شود، آنها مغلوب اطلاعات هستند. اگر یک آگهی تبلیغاتی، یک فیلم سینمایی یا یک ملاقات بلافاصله انتخاب‌های ما را تغییر دهد، این ممکن است نشانه تلقین‌پذیری بالا در ما باشد. آنچه این حالت را در شخصیت‌های سالم از یادگیری متمایز می‌کند، فرایند تأمل و انتخاب

انسان حاصل تلقین است. ما از کودکی تاکنون در معرض انواع تلقینات والدین و اطرافیان خود بوده‌ایم لذا خود پنداره‌ای که از خودمان داریم در واقع همان تلقیناتی است که دیگران به ما داده‌اند. بنابراین عمده شخصیت ما حاصل تلقین است.

### چه افرادی تلقین‌پذیری بیشتری دارند؟

همه انسان‌ها به یک اندازه تلقین‌پذیر نیستند. میزان آن به عوامل ارثی و ویژگی‌های شخصیتی و نیز میزان سلامت روانی آنها وابسته است حتی شغل ما نیز در میزان تلقین‌پذیری ما اثر گذار است مثلاً مشاغلی، مثل نظامی‌گری که در آن فرد بی‌چون و چرا باید اطاعت کند، میزان

است. افراد بالیده در نقطه تعادل میان شخصیت‌های متعصب و شخصیت‌های متلون قرار دارند. (سرگلزایی، ۱۳۹۷)

### می‌توان با تمریناتی تلقین پذیری افراد را افزایش داد:

دکتر امیل کوئه (۱۹۴۴-؟؟؟)، داروساز و روان‌شناس فرانسوی، قوانین تلقین را پایه‌گذاری کرد. وی روزی در داروخانه خود مشغول کار بود که یکی از بیمارانش با عصبانیت وارد داروخانه شد و با همان حالت شروع به اعتراض کرد و گفت: آقای دکتر تمام داروهایی که به من داده‌اید بی‌تأثیر هستند.

در زمانی که او داشت اعتراض می‌کرد انگار چیزی یا کسی در ذهن دکتر کوئه گفت: داروی قبلی بیمار را بگیر و با کیسول و رنگ دیگری به بیمار بده و به او بگو که این دارو، داروی جدیدی است که بیمارانش زیاده را درمان کرده است. او چنین کرد داروی قبلی را با پوشش و رنگ متفاوتی به بیمار داد و به او گفت که دارویی که به تو می‌دهم تازه دستم رسیده است؛ مطمئن باش که این دارو بیماری تو را معالجه خواهد کرد. بیمار دارو را با این ذهنیت که حتماً بیماری‌اش با داروی جدید بهبود پیدا خواهد کرد، داروخانه را ترک کرد.

پس از چند روز بیمار دکتر کوئه با خوشحالی برگشت و به دکتر گفت: آقای دکتر از شما به دلیل داروی جدید ممنونم. داروی جدید بیماری مرا معالجه کرده است. دکتر امیل کوئه از اینکه داروی قبلی توانسته بود بیماری او را معالجه کند بسیار متعجب شد. این همان داروی قبلی است؛ چگونه قدرت درمان بیماری با تعویض کیسول دارو زیاد شده است؟ حتی خودش به دارو مشکوک شد و آن را دوباره آزمایش کرد.

بعد از اینکه مطمئن شد دارو همان داروی قبلی است به این نتیجه رسید جملاتی که به بیمار گفته است باعث معالجه بیمار گردیده است. این اولین جرعه‌ای بود که در ذهن دکتر امیل کوئه خورد.

ولی اتفاق دیگری هم افتاد که باعث شد دکتر کوئه این نکته را به صورت جدی‌تری

پی‌گیری کند.

### زمان برنامه ریزی ذهن ناخودآگاه

در یکی از روزها در هنگام صبح موقعی که پسر دکتر کوئه از خواب بیدار شد، دکتر کوئه به دلایلی شروع به پرخاش کرد و با عصبانیت به سر پسرش داد زد و او را سرزنش کرد. پس از این کار او پسرش را زیر نظر داشت و متوجه شد که تا چند روز شخصیت پسرش به هم ریخته و حال او دگرگون شده است. او در روزها و ساعات دیگری هم فرزندش را با عصبانیت سرزنش کرده بود ولی حال او را اینگونه دگرگون نکرده بود. برای اینکه مطمئن شود در روز دیگری و همان ساعت یعنی اول صبح موقع بیدار شدن پسرش دوباره این کار را تکرار کرد و به همان نتیجه رسید. یعنی مشاهده کرد که تا چند روز پس از این ماجرا حال پسرش دگرگون است و این جرعه دوم بود که در ذهن کوئه خورد.

دکتر کوئه پس از اتفاقی که افتاد به این نتیجه رسید که هرگاه در اول صبح موقع بیدار شدن از خواب و یا در آخر شب موقع خوابیدن جملات مثبت و یا منفی به کسی گفته شود ذهن او تا چند روز درگیر آن جمله خواهد بود. او متوجه شد که در این ساعات ذهن ناخودآگاه افراد در بیشترین حالت برنامه‌پذیری است. در این ساعات‌ها می‌توان با تلقین‌های مثبت ذهن را برنامه‌ریزی کرد.

### هیپنوتیزم بهترین حالت برنامه‌ریزی ذهن ناخودآگاه

کوئه پس از پی بردن به اینکه ذهن انسان می‌تواند در ساعات و لحظه‌های مذکور، بهتر و مفیدتر برنامه‌ریزی شود؛ با این ذهنیت او به بیمارانش می‌گفت: هنگام صبح در موقع بیدار شدن و یا آخر شب موقع خوابیدن جملاتی مثبت به خود بگویند و با این کار می‌توانند ذهنیت مثبتی را نسبت به درمان بیمارانشان ایجاد کنند.

مشکل دکتر کوئه این بود که در این لحظه‌ها نمی‌توانست کنار بیمارانش باشد و ذهن آنها را برنامه‌ریزی کند، لذا دنبال پدیده‌ای می‌گشت که بتواند ذهن ناخودآگاه

افراد را به بالاترین حالت برنامه‌پذیری وارد کند. او پس از مدتی با پدیده‌ای به نام هیپنوتیزم آشنا شد و متوجه شد ذهن انسان در هنگام هیپنوتیزم بالاترین موقعیت برنامه‌پذیری و تلقین‌پذیری را دارد. پس از آن بیمارانش را هیپنوتیزم می‌کرد و جملات و کلمات مثبتی را به آنها تلقین و آنها را معالجه می‌کرد.

### قوانین تلقین

دکتر کوئه پس از تحقیقات فراوانی که انجام داد به قوانین زیر رسید:

#### ۱- قانون توجه تمرکز یافته

دکتر کوئه بیان کرد که اگر کسی چیزی را در ذهن خود مرور کند و به آن بها دهد این ذهنیت کم‌کم جزئی از شخصیت او می‌شود و در وجود او نمود می‌کند پس اگر کسی پیش خود فکر کند که می‌تواند کاری را انجام دهد و به آن توجه کند آن کار را انجام می‌دهد و به نتیجه‌ای که در ذهنش به آن باور داشته است می‌رسد.

و اگر کسی خلاف این ذهنیت عمل کند، یعنی این ذهنیت را داشته باشد که توانایی انجام کاری را ندارد، در نتیجه به ذهنیت خود جامعه عمل می‌پوشاند و قادر به انجام آن کار نخواهد بود.

#### ۲- قانون اثر متضاد

این قانون می‌گوید: اگر کسی به عملی نبودن کاری ایمان داشته باشد ولی برای انجام دادن آن کار اقدام کند، هرچه بیشتر تلاش کند کمتر نتیجه می‌گیرد.

#### ۳- قانون اثر عاطفی و هیجانی

معنی این قانون این است که اگر تلقینی با عاطفه و هیجان همراه باشد آن تلقین قدرت بیشتری می‌گیرد و در نهایت با شدت زیادی انجام می‌گیرد. مثلاً اگر پدر یا مادر شما و یا کسانی که شما علاقه و عاطفه زیادی به آنها دارید انجام کاری را از شما بخواهند شما هر چند که دوست ندارید آن کار را انجام دهید ولی به خاطر اینکه این کار خواسته کسی است که شما او را به شدت دوست دارید این کار را انجام می‌دهید. نمود این قانون در نامزدها و همسران به خوبی قابل لمس و مشاهده است.

دارید و به زندگی خود اهمیت می‌دهید باید ارتباط خود را با افرادی که می‌دانید جزء افراد منفی‌گرا هستند کم کنید؛ در عوض افرادی مثبت‌نگر هستند که همیشه دوست دارند نیمهٔ پر لیوان را ببینند. ارتباط با افراد خوش بین و مثبت‌نگر می‌تواند روی ذهن و جسم شما هم تأثیر گذاشته و انرژی و توان شما را افزایش دهند.

### داستان مردی که تلقین منفی باعث مرگ او شد

تلقینات در زندگی و کار افراد تأثیرات شگرفی می‌گذارند. برای درک بیشتر این موضوع به داستان زیر توجه کنید: شخصی در اواخر ساعت کاری درون یکی از یخچال‌های گوشتی بزرگ اسیر و گرفتار می‌شود. با توجه به اینکه این یخچال از بیرون قفل شده بود و کسی متوجه حضور او در درون یخچال نشده بود، این شخص هیچ کوششی برای نجات خود از درون این یخچال نکرد. در آن زمان تلفن همراه هم نبود که او بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند، او در ذهن خود مرگ را پذیرفته بود و به اینکه در آن یخچال خواهد مرد ایمان و باور داشت، با این اوصاف او چنین کرد. کاغذ و خودکاری در جیب خود داشت و باین باور که خواهد مرد شروع به نوشتن خاطرات آن شب خود کرد، او ماجرای زندانی شدن خود را می‌نوشت و در آخر هر جمله، جمله من در حال یخ زدن هستم را اضافه می‌کرد. او خاطره آن شب خود را نوشت و هر بار اضافه کرد من دارم یخ می‌زنم، این نوشتن همچنان ادامه یافت و صبح زود همکاران او در یخچال را باز کردند و جسد او را یافتند. دکتر علت مرگ را یخ‌زدگی تشخیص داد اما وقتی کارگران یخچال را واریسی کردند و متوجه شدند یخچال اصلاً کار نمی‌کرده است! آنچه باعث یخ‌زدن فرد گرفتار شده بود تلقین‌های منفی او و جملهٔ من دارم یخ می‌زنم بود.

### فهرست منابع

برگرفته از کتاب "شخصیت سالم" نوشته دکتر محمدرضا سرگلزایی (ملکیان، ۷۳)

شاید بارها برای شما هم اتفاق افتاده باشد که با تمام توان خود برای انجام کاری اقدام کرده‌اید. در آن زمان پیش خود گفته‌اید که این کار را می‌توانم انجام دهم و همهٔ انرژی و قدرت خود را متمرکز کرده‌اید که آن کار را انجام دهید. در آخر هم چون که خواستهٔ ذهن و جسم شما انجام آن کار بوده است و تلقین مثبتی هم پشت این کار بوده است، شما آن کار را با موفقیت انجام داده‌اید. برعکس این هم صادق است؛ یعنی شما با تلقین‌های منفی به ذهن و جسم خود از انرژی و توان جسمی و ذهنی خود کاسته‌اید و برای انجام آن کار اقدام کرده‌اید. اقدام کردن برای انجام این کار با اقدام کردن برای انجام کار در شرایط قبل بسیار تفاوت دارد، شما با تلقین‌های منفی انگیزه و انرژی را از خود می‌گیرید و در نهایت نمی‌توانید آن کار را انجام دهید. این است تفاوت تلقین مثبت و تلقین منفی.

گاهی اوقات تلقین‌های منفی افراد دیگری که با آنها در ارتباط هستیم باعث کاهش توان ما می‌شوند. ما با افراد زیادی ارتباط داریم. این ارتباطات می‌توانند انرژی‌بخش باشند و یا اینکه انرژی و توان ما را بگیرند. تلقین‌های دیگران، مخصوصاً کسانی که با آنها ارتباطات نزدیکی داریم دقیقاً ما را برنامه‌ریزی می‌کنند.

اگر این تلقین‌ها مثبت باشند توان و انرژی ما را افزایش می‌دهند و اگر نه باعث کاهش انرژی و توان درونی ما شده و اجازه موفقیت در کارها را به ما نمی‌دهند.

بهترین راه برای مقابله با تلقین‌های بد نزدیکان کم کردن ارتباط ما با آنهاست. زیرا اگر هم بخواهید به صورت آگاهانه از تلقین‌های آنها متأثر نشوید به صورت ناخودآگاه، تلقین‌های منفی آنها کار خود را می‌کنند. شاید پیش خود بگویید مگر می‌شود ارتباطمان را با نزدیکانمان کم کنیم؟ جواب این سؤال را با طرح پرسشی به شما می‌گویم: شما خودتان را بیشتر دوست دارید یا افراد دیگر را؟ کافی است که عزت‌نفس داشته باشید اگر اینطور باشید جواب شما را می‌دانم. اگر خودتان را دوست

حال که دانستید تلقین چیست و چه کاربردهایی می‌تواند داشته باشد، می‌توانید زندگی خود را طوری برنامه‌ریزی کنید که از آنها در پیشبرد اهداف مثبت زندگی خود استفاده کنید.

اکنون می‌دانید که درگیری و پرخاش کردن در اول صبح کاری است که ذهن شما را تا چند روز به هم می‌ریزد، پس به احتمال زیاد این کار را انجام نمی‌دهید. این را می‌دانید که برای انجام کاری باید باور انجام آن کار در ذهنتان پرورش یابد.

متوجه این نکته شده‌اید که اگر مادران و یا پدرتان و یا هرکس دیگری که به او علاقه‌مندید کاری را از شما بخواهد به طور قطع آن کار را انجام خواهید داد. اینها همه قدرت بی‌کران ذهن ناخودآگاه انسان را به نمایش می‌گذارند.

بسیارند افرادی که نمی‌دانند تلقین چیست. آنها نمی‌دانند که تلقین‌ها چقدر می‌توانند بر زندگی آنها تأثیر بگذارند. آنها از این که تلقین‌ها می‌توانند زندگی آنها را نابود کنند و یا بسازند بی‌خبرند.

اگر آنها بدانند تلقین چیست و چگونه می‌توان از قدرت بی‌کران تلقین برای پیشبرد کارهای خود استفاده کنند هیچگاه در زندگی خود تحت تأثیر کلام منفی خود و دیگران قرار نمی‌گرفتند.

### تأثیر تلقین در زندگی افراد

گاهی اوقات خود ما هم در زندگی خود با قدرت تلقین‌ها به صورت ناخواسته درگیر هستیم. زمانی که به خودمان می‌گوییم نمی‌توانیم و توان انجام فلان کار را نداریم دقیقاً به خودمان تلقین می‌کنیم؛ آن هم تلقین منفی.

بسیاری از روانشناسان معتقدند کلمات تأکیدی مثبت می‌توانند به عنوان تلقین استفاده شوند و انرژی‌بخشی این کلمات می‌تواند طوری باشد که ذهن و جسم را درگیر خود کند، چرا باید از کلمات منفی و انرژی‌بر برای تلقین به خود استفاده کنید در حالیکه کلمات تأکیدی مثبت می‌توانند توان و قدرت جسم و ذهن شما را چندین برابر کنند؟

## شوری دریاچه ارومیه از اشکهای افراسیاب در اسطوره ایران باستان



گزینش و نگارش: فاطمه فرهودی

دریاچه ارومیه نه تنها دریاچه‌ای وسیع و مأمونی کم نظیر برای جانوران و گیاهان کمیاب است که برای مردم ایران بالاخص آذربایجان خاستگاه قصه‌ها و ترانه‌ها و خاطراتی تکرار ناشدنی است. دریاچه چیچست (درخشان) با لایه‌هایی عمیق از فرهنگ مردم گره خورده است و مرگ آن فقط مرگ یک زیستگاه نیست که مرگ رؤ یاها و قصه‌هاست. به خواست خداوند و همت دوستداران محیط زیست علایمی از زندگی به این بانوی نمکین باز گشته است که جای شکر دارد. تداوم این حیات نیازمند عزمی ملی است و شایسته است در باره احیای آن با همه توان کوشید و سال‌ها نوشت و خواند..

اما آنچه در این نوشتار بدان خواهیم پرداخت دلیل شوری دریاچه چیچست در اسطوره است. اسطوره‌ها قصه‌هایی کهن با منشاتاریخی نامعلومند و مضامینی چون منشا جهان، آفرینش انسان، جنگ خدایان و قهرمانان دارند. برای اقوام اولیه اسطوره‌ها اساس باور و اعتقادات مذهبی به شمار می‌رفته. اما با پیشرفت دانش و آگاهی بشر اسطوره رفته رفته جنبه اعتقادی خود را از دست داد و تنها به صورت قصه باقی ماند. (برای آگاهی بیشتر\_ داد ۱۳۷۸\_۲۶\_۲۷) در شاهنامه فردوسی آمده است پس از کشته شدن سیاوش، شاهزاده راستکردار ایرانی، در توران همسر وی، فرنگیس، به سوی ایران می‌گریزد و فرزندش کیخسرو به دنیا می‌آید. کیخسرو پس از آنکه برومند می‌شود برای انتقام گرفتن پدرش به توران لشکر می‌کشد اما از پادشاه توران، افراسیاب نشانی نمی‌یابد. کیخسرو برای مشورت نزد پدر بزرگش می‌رود و پدر بزرگش چاره کار را در یاری جستن از خداوند می‌یابد:

چنین گفت. خسرو به کا ووس شاه  
جز از کردگار از که جوییم راه  
بیابان و یک ساله در یا و کوه.  
برفتیم با داغ دل یک گروه

به‌هامون و کوه و به دریای آب.  
نشانی ندیدیم ز افراسیاب  
گرو یک زمان اندر آید به گنگ.  
سپاه آرد از هر سوئی بی درنگ  
همه رنج و سختی به پیش‌اندر ست.  
اگر چندمان دادگر یاورست  
نیا چون شنیدا نبیره سخن.  
یکی پند پیرانه افکند بن  
بدو گفت ما همچنین بر دو اسب.  
بتازیم در خان آذر گشسب  
سرو تن بشوییم با پا و دست.  
چنانچون بود مرد یزدان پرست

فردوسی ۱۳۶۹: ج ۴، ص ۹۷

کیخسرو و کیکاووس به آذرگشسب (تخت سلیمان کنونی) می‌روند و نیا یش می‌کنند. دعای آنان بر رنج آوارگی افراسیاب اضافه می‌کند و افراسیاب ترسان و دلشکسته به پرستشگاهی در کوه بلند پناه می‌برد. حکیمی به نام «هوم» که ساکن آن پرستشگاه بود وی را می‌شناسد و دستگیرش می‌کند اما افراسیاب با سخنانی دل‌حکیم را به رحم می‌آورد و از دستش فرار می‌کنند. افراسیاب که جادو می‌داند ترس جان و به یاری جادو در کف دریاچه چیچست پناه می‌گیرد:  
بیچید دل هوم را زان گزند.  
بروست کرد آن کیانی کمند  
بدانست کان مرد پرهیز کار.  
بخشود بر ناله شهریار

بیچید وزو خویشتن در کشید.  
 به دریا درون جست و شد ناپدید  
 چونان بد که گودرز کشاورگان  
 همی رفت با گیوو آ زادگان  
 گرازان و پویان به نزدیک شاه.  
 به دریا نگه کرد خود با سپاه  
 به چشم آمدش هوم با آن کمند.  
 نوان بر لب آب چون مستمند  
 همان گونه ی آب را تیره دید.  
 پرستنده را دیدگان خیره دید  
 به دل گفت کین مرد پرهیزکار.  
 ز دریای چیچست گیرد شکار  
 پهلوان دلیل حیرانی حکیم ا می پرسد. هوم داستان  
 دستگیر کردن و فرار ا فراسیاب را تعریف می کند و به  
 همراهی او نزد کیخسرو می روند. حکیم خودش چاره کار  
 را می داند:  
 به آب اندرست این زمان ناپدید.  
 به دادار گیتی توان آرמיד  
 ورا گر برد. باز گیرد سپهر.  
 بجنید به گرسیوزش خون ز مهر  
 چو فرمان دهد شهریار بلند.  
 برادرش را پای کرده به بند  
 بیارند بر کتف او خام گاو.  
 بدوزند تاگم کند زور و تاو  
 چو آواز او یابدا فراسیاب  
 همانا درآید ز دریای آب  
 «مهربرادر» فراسیاب برادرش را بسیار دوست دارد.  
 گرسیوز را در کنار دریاچه شکنجه می کنند صدای ناله و فغان  
 برادر به گوش فراسیاب می رسد و او از درد برادر بسیار  
 می گیرد. از شوری اشکهای او آب دریاچه شو رو جادو نیز  
 گسسته می شود.  
 چو بشنید آوازش فراسیاب.  
 همی ریخت خونین سرشک اندر آب  
 به دریا همی کرد پای آشنه.

بیامد به جا یی که بد پایگاه  
 ز خشکی چو بانگ برادر شنید.  
 برو بد تر آمد ز مرگ آنچه دید  
 چو گرسیوز او را بدیداندر آب.  
 دو دیده پر از خون و دل پر شتاب  
 فغان کرد کای شهریار جهان.  
 سر نامداران و تاج مهان  
 کجات آن همه رسم و آیین و راه.  
 کجات آن به. سر تاج و چندان سپاه  
 که اکنون به دریا نیاز آمدت.  
 چنین اختر دیو ساز آمدت  
 چو بشنید بگریست فراسیاب.  
 همی ریخت خونین سرشک اندر آب  
 چنین داد پاسخ که گرد جهان.  
 بگشتم همی آشکار و نهان  
 کزین بخشش بد مگر بگذرم.  
 ز بد بد تر آمد کنون بر سرم  
 مرا زندگانی کنون خوار گشت.  
 روانم ز تو پرز تیمارگشت (۱۰۳)  
 سر انجام فراسیاب گرفتار می شود و کیخسرو انتقام  
 پدرش سیاووش را می گیرد:  
 چو در پیش کیخسرو آمد به درد.  
 بیارید خون بر لب لاژورد  
 شهنشاه ایران زبان بر گشاد.  
 وزان تشت و خنجر همی گشت یاد  
 به شمشیر هندی بزد گردنش  
 به خاک اندر افکند نازک تنش  
 ز خون لعل شد ریش و موی سپید.  
 برادرش گشت از جهان ناامید  
 تهی ماند زو گاه شاهنشهی.  
 سر آمد برو روزگار بهی. (همان. ۱۰۵)  
 پس می توان نتیجه گرفت اشکهای فراسیاب دلیل  
 شوری آب دریاچه چیچست است

۱- درباره اطلاق چیچست به دریاچه ارومیه مناقشاتی وجود دارد که دوستداران می توانند برای آگاهی بیشتر به مقاله زیر مراجعه فرمایند.  
 قلینزاده، خسرو (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «پیوند اسطوره چیچست و دریاچه ارومیه» سال دوازدهم، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۲۹  
 منبع

د.د.سیمما (۱۳۷۸). فرهنگ اصلاحات ادبی، تهران: مروارید  
 فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۹) شاهنامه. تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی  
 قلینزاده، خسرو (بهار و تابستان ۱۳۹۲) «پیوند اسطوره چیچست و دریاچه ارومیه» سال دوازدهم، ش ۲۳، ص ۱۱۵-۱۲۹

## دیروز، امروز و فردا



محمد رضارونقی



در روزگاران نه چندان دور، عطر عاطفه‌ها مشام انسان‌ها را نوازش می‌داد و باران صداقت و صمیمیت از آسمان آبادی‌ها می‌بارید. گل خنده در لب‌های مردم می‌شکفت و یکرنگی و همبستگی جلوه خاصی به جامعه بشری می‌بخشید.

در آن زمان انسان‌ها روابط عمیقی با هم داشتند از شادی دیگران نور سرور بر دل‌هایشان می‌تابید، از غم دیگران اشک حسرت بر چشمانشان می‌نشست. مردم همدیگر را دوست داشتند و به هم عشق می‌ورزیدند و به دور از اختلافات طبقاتی در کنار هم از زندگی لذت می‌بردند.

مردها هر صبح، با شور و امید به سر کار می‌رفتند و عصر با خستگی جسم و آرامش جان به خانه برمی‌گشتند و زن‌ها از دم سحر به شست‌وشوی رخت و لباس (در سرچشمه) و پخت و پز (در آشپزخانه‌های پر از دود) و نظافت منزل و بچه‌داری مشغول می‌شدند و عصر، حیاط و جلو خانه را آب‌پاشی کرده بساط چائی را آماده و منتظر ورود مردخانه می‌شدند تا با لبخند به استقبالش بشتابند. برایش جای بریزند و از روزگارش بپرسند. با تاریک شدن هوا و جمع شدن اهل خانه شام را که تنوع آن از چند قلم تجاوز نمی‌کرد با اشتهای می‌خوردند و دست به دعا برمی‌داشتند و بعد برای شب‌نشینی به خانه همسایه می‌رفتند و تا پاسی از شب از کسب و کار هم می‌پرسیدند. داستان‌های اسطوره‌ای می‌خواندند. از تنقلات می‌خوردند، می‌گفتند و می‌خندیدند.

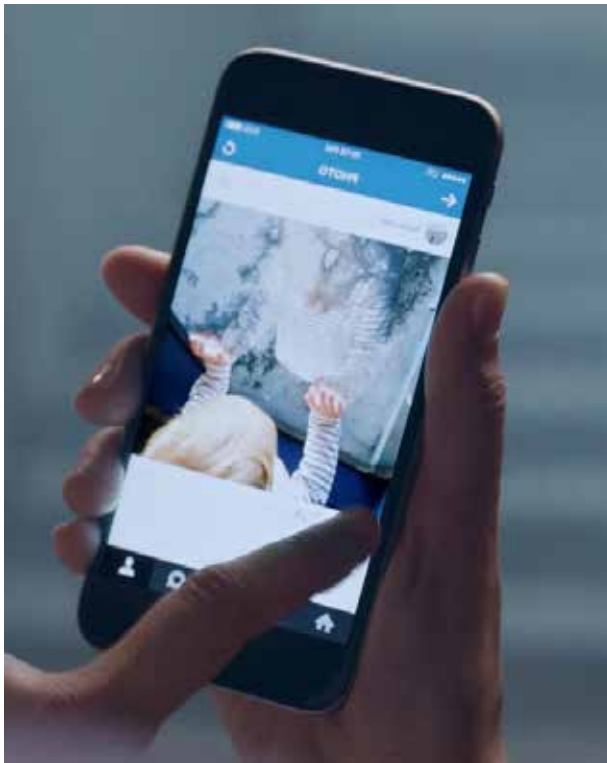
عروسی‌ها یک هفته طول می‌کشید و هر روز به یک نام و به یک بهانه به رقص و پایکوبی می‌پرداختند. با این‌که اتاق‌ها با چراغ‌های فتیله‌ای نیمه‌روشن و کوچه‌ها با فانوس‌های نفتی کم‌سو بود ولی عشق و امید به دل‌های پاک و بی‌آلایش مردم نور می‌پاشید. بچه‌ها به بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشتند و تجربیات آنان را ارج می‌نهادند. بزرگ‌ترها بیشتر هوای کوچک‌تران را داشتند و آن‌ها را تا دم پیری در پناه خود می‌گرفتند. پدر و مادر، دختر و پسر، عروس و داماد در زیر یک سقف با مهربانی و صمیمیت زندگی می‌کردند. فامیل‌ها بیشتر به همدیگر سر می‌زدند و بدون وسیله شخصی با پای پیاده یا با الاغ و اسب به دیدار آنان می‌رفتند و با شور و علاقه همدیگر را در آغوش می‌گرفتند. اهالی محل یکدیگر را می‌شناختند. در غم و شادی هم شریک بودند و بی‌منت به یاری همدیگر می‌شتافتند.

طلاق و مواد مخدر در آن روزها معنائی نداشت و منفورترین عمل در جامعه محسوب می‌شد...

### ولی امروز

امروز دوستی‌ها و مهربانی‌ها رنگ باخته و رشته محبت و مهرورزی از هم گسیخته است. عواطف در زیر چرخ‌های ماشین له شده و انسان‌ها همدیگر را فراموش کرده‌اند. همسایه از همسایه، فامیل از فامیل و دوست از دوست بی‌خبر است. کسی که سال‌ها در آرزوی تمانی زندگی می‌کند. ساکنین واحد روبه‌رو یا بغل دستی‌اش را نمی‌شناسد و اسمشان را نمی‌داند. رفت‌وآمدهای شبانه از یادها رفته و مهمانی‌ها جاذبه خود را از دست داده است. دیدو باز دیدهای فامیلی و دوستی آرام‌آرام به تماس‌های تلفنی و پیامک‌های اینترنتی رسیده. قوم و خویش فقط به عمه، خاله، عمو و دائی ختم شده است. فرزندان آن‌ها همدیگر را نمی‌شناسد. امروز عروسی‌ها به صورت گردهمایی بی‌خاصیت و صرف شام به مدت سه ساعت برگزار می‌گردد. در این مراسم فقط بزرگ‌ترهای فامیل شرکت کرده و فرزندان را

در این جهان به وجود می‌آید ولی متأسفانه به دست همین بشر وسایلی ساخته می‌شود که با فشار دادن دکمه‌ای در یک لحظه شهرهای بزرگ را به دود و خاکستر تبدیل کرده و ساکنین آن‌ها را به دیار نیستی می‌فرستد و در قبال ساخت وسایل رفاهی



وسایل مخرب و کشتار جمعی نیز می‌سازد. بلی این‌همه اختراعات و دگرگونی‌های ماشینی و امکانات مادی و معنوی و رفاهی که به ظاهر آسایش مردم را سبب گردیده و در وقت، تولید کالا، داد و ستد و مسائل علمی کارآیی‌های مهمی را باعث شده ولی نه تنها قادر به جلوگیری از انحطاط و سیر قهقهرائی حس انسان‌دوستی و مهرورزی و گسترش روح عاطفه و همزیستی مسالمت‌آمیز نبوده و بشر را به بهشت موعود و آرامش مطلوب نرسانده بلکه به نابودی خصایص انسانی نیز سرعت بخشیده است.

راستی، با این تلاشی که انسان‌ها ناخودآگاه در مسیر محو انسانیت، مهر و مهربانی و همونوع دوستی گام برمی‌دارد فردا چه خواهد شد؟ آیا گره کور این معضلات اجتماعی بازشدنی است؟ آیا دوباره آدمی به ذات خود که عشق و محبت است باز خواهد گشت؟ صفا و صمیمیت در خانه‌ها را خواهد زد؟ عطر دوستی و مودت مشام‌ها را خواهد نواخت و بشر مقام معنوی خود را دوباره خواهد یافت؟

در آن جشن‌ها جایی نیست. تلویزیون و ماهواره به جای آن که روابط انسان‌ها را گسترش دهد بین اهل خانه فاصله انداخته و اینترنت اعضای خانه را به خود مشغول ساخته است. طلاق و مصرف مواد مخدر بالای جان جوانان شده و این دو معضل پیوندهای خانوادگی و اجتماعی را با خطر جدی مواجه کرده است.

مصرف مواد مخدر در تمام تشکیلات و در همه رده‌های سنی بویژه در مؤسسات فرهنگی و علمی رخنه کرده و رگ‌های حیاتی انسان‌ها را هدف قرار داده است. طلاق به یک مسئله رایج اجتماعی تبدیل شده تا جایی که بعضی وقت‌ها بعد از انجام مراسم عروسی و به فاصله کم‌تر از یکسال جشن طلاق نیز باشکوه برگزار می‌گردد. و به جای آن ازدواج سفید و همنشینی دختران و پسران مجرد در یک واحد مسکونی رواج می‌یابد.

بلی بیرون نسیم مهربانی جسم و جان آدم‌ها را نوازش می‌داد. امروز طوفان بی‌مهری پایه‌های خانواده‌ها را می‌لرزاند. دیروز مرغان خوش‌الحن پشت‌بام‌ها ترانه دوستی می‌خواندند. امروز قارقار کلاغان گوش و هوش انسان‌ها را می‌آزارد. دیروز گل‌های یکرنگی فضای خانه باغچه‌ها را عطر آگین می‌ساخت. امروز بوی متعفن زباله‌های دوگانگی حال مردم را به هم می‌ریزد.

دیروز خنده عشق و امید در لبان زن و مرد شکوفه می‌زد. امروز اشک حسرت از دیدگان افراد جامعه جاری می‌شود.

دیروز دارا و نادر بدون احساس تحقیر و تبختر در کنار هم زندگی می‌کردند. امروز چشم هم‌چشمی و اختلاف طبقاتی مردم را از همدیگر بیگانه می‌سازد.

با این‌که جهان امروز به پیشرفت‌های شگرفی در همه امور زندگی اعم از امداد، خدمات، رفاه، بهداشت و ساخت وسایلی بهت‌آور نایل آمده و اختراعات و اکتشافات غیرقابل‌تصور در عرصه گیتی پدیدار گشته است که به وسیله آن‌ها مسافت‌های چندروزه طی چندساعت پیموده می‌شود. بسیاری از بیماری‌های ناشناخته شناسائی و راه درمان آن‌ها هموار می‌گردد.

اتوبان‌های عریض، جاده‌های طویل، پل‌های عظیم و ساختمان‌های سربه‌فلک کشیده احداث شده و جای چراغ‌های فتیله‌ای نفت سوز، لامپ‌های جیوه‌ای خانه‌ها، شهرها و روستاها را چون روز روشن ساخته است. پیام‌های خبری صوتی و تصویری در عرض چند ثانیه در دورترین نقاط جهان منتشر می‌گردد. در مؤسسات تولیدی و کارخانجات به جای دست‌ها، مغزها به کار گرفته می‌شود. تا جایی که امروز بشر، کره خاکی را برای ادامه زندگی در شأن خود ندانسته و به کرات دیگر نیز دست اندازی می‌کند و هر روز شاهد ساخت وسیله جدید یا تکمیل وسایل قدیم رفاهی، اقتصادی و تولیدی هستیم.

در حال حاضر مؤسسات عام‌المنفعه و انسان‌دوستانه زیادی

# شب اول زمستان

آیلین جلیلی / دانش آموز کلاس پنجم ابتدایی

میرویم. آنجا همه‌ی فامیل مادریام جمع میشوند. مادربزرگ و پدربزرگم در یک بشقاب انار دانه‌دانه میریزند و در دو ظرف هم آجیل شور و شیرین. آنها میوه نیز میگذارند. بعد از شام، گاهی من و گاهی دخترداییم هندوانه را میبریم. خوب خاطرات من تمام شد.

به نام حضرت دوست که هرچه هست از اوست شب اول زمستان را با بزرگان فامیل، دورهم جمع میشویم. بلی، شب یلدا یکی از بهترین فرصتها برای دورهم جمع شدن است. خوب بگذارید از شبهای یلدا خودم برایتان بگویم. ما برای شام به خانهای مادربزرگ و پدربزرگ

## داستان

آزمایش کن.»  
جوان رفت نزدیک درختی که تاندازهای سنگین بود و آن را گرفت و با یک زور از ریشه کند. بعد فرشته گفت: «حالا برو آن سنگی را که روی تپه بالای ده قرار دارد تکان بده.» جوان رفت و به تخته سنگی که فرشته نشان داده بود فشار آورد و تخته سنگ از جا تکان خورد. فرشته فریاد زد: «چه میکنی؟ مواظب باش اگر بیشتر فشار بیاوری و سنگ از جا کنده شود، ده خراب خواهد شد و به مردم آزار خواهد رسید. مواظب باش که از زورت در موقع لازم و به منفعت مردم در کارهای نیک استفاده کنی. کسی را نیازار و با کسانی که به مردم ظلم میکنند جنگ کن.» فرشته این را گفت و ناپدید شد. جوان از آن روز پهلوان پرزوری شد و پند فرشته را هرگز فراموش نکرد و تا زنده بود از زورش در کارهای مردم و آسایش اهالی ده استفاده کرد و نگذاشت کسی اشخاص ضعیف را آزار و اذیت کند.

برگ داشتند برید و آهسته سایبانی بالای سر زن درست کرد. اما چیزی نگذشت که زن فرشته صورت از خواب بیدار شد و سایبان را دید و وقتی که اطراف خودش را جستوجو کرد؛ پسر را دید و گفت: «چطور شد که به فکر آسایش من افتادی؟» پسر گفت: «چون دیدم اهل اینجا نیستی فهمیدم راه گم کرده‌ای و خسته هستی، دلم سوخت و حیفم آمد صورت قشنگ شما را آفتاب بسوزاند.» آن زن که فرشته بود از این جوان و مهربانیش خوشش آمد و گفت: «معلوم میشود که آدم خوبی هستی. حال عوض این خوبی که به من کردی هرچه میخواهی از من بخواه.»  
جوان گفت: «من احتیاج به چیزی ندارم ولی اگر میخواهی به من کمک بکنی مرا نیرومند کن تا گوسفندان خود را هرجا دلم خواست بچرانم و کسی نتواند اذیت کند.»  
فرشته گفت: «خوب هرچه خواستی شد. حالا زور خود را

پیرمردی یک پسر رنجور و ضعیف داشت. هرکس به او میرسید آزارش میداد و اذیتش میکرد چون ناتوان بود. زورش به کسی نمیرسید. بعد از مدتی پدر مُرد و چون چیزی نداشتند پسر خودش گله گوسفندان را به صحرا میبرد. چیزی نگذشت که چوپانهای دیگر او را از زمینهای پر علف بیرون کردند و او ناچار شد گله‌ی کوچک خود را در جاهای دور، در کوهها یا در جنگلها بچراند. یک روز در جنگل مشغول چراندن گوسفندان بود. ناگهان چشمش به زن زیبایی افتاد که زیر درخت بزرگی خوابیده بود. زنی بود که در میان زنان ده هرگز ندیده بود. لباس عالی قیمت بر تن، کفشهای گرانبه بر پا داشت و گیسوان مشکی و بلندش هم افشان شده بود و چون سایه درخت برگشته بود. آفتاب نیمروز بیرحمانه گونهی قشنگ او را میسوزاند. پسرک مبهوت زیبایی زن شده بود و دلش سوخت و شاخههایی از درختها که



## پدر

سولماز رزاق زاده (سرشار)

گل پژمرده در فصل خزانم  
بهارم باش توای مهربانم  
بیا کاشانه بی تو سوت و کور است  
مگر راه تو تا این خانه دور است؟  
بیا «سرشار» از درد و غم من  
بیاین درد و غم از سینه برکن

نمیدانم کجائی جان فدایت  
هزاران جان فدای خاک پایت  
پدرای باغبان یاسمنها  
بیا از من شنو شیرین سخنها  
ز تنهائی دلم پوسیده امشب  
ز ناگفته و ز نابشیده امشب  
بیا آغوش وا کن از برایم  
توئی تک ناخدای باخدایم

پدر آن تکیه‌گاه بید صحرا  
و من یک دختر تنهای تنها  
پدر آن ریشه‌ی سرو تناور  
و من یک دختر بی یارویاور  
پدر اوج نشاط و شادمانی  
سراسر شور عشق جاودانی  
به من داد آب و نان زندگانی  
مرا پرورد با شور جوانی

## هدایای خدا

درختان بلند قد کشیده  
همه‌شان را خداوند آفریده  
هوای صاف و دور از دود و دوده  
پرستوهای زیبا پر گشوده  
بیایید قدراین نعمت بدانیم  
سرود زندگانی را بخوانیم  
نیالائیم ما آب و هوا را  
بلی گوئیم این لطف خدا را  
خدا را با عمل خرسند سازیم  
به راه حق هستی جان ببازیم  
هدایای خدا را پاس داریم  
هزاران شکر درگاهش گذاریم

بیائید بچه‌ها با هم نشینیم  
محبت‌های یزدان را ببینیم  
میان آسمان پر ستاره  
ببینیم ماه را چون یک شراره  
زمینی سبز و گل‌های قشنگش  
گل سرخ و سفید و هفت رنگش  
فضای پاک و زیبای بهاران  
نوای جانفزای آبشاران  
صدای قمری و آواز بلبل  
همه‌جا سبزه، هر جا غنچه و گل  
میان آب، ماهیهای زیبا  
به ما بخشیده دادار توانا

## چیستان

۶- خواب  
۷- دوران زندگی انسانها  
۸- برف و یخ  
به دونفر از خوانندگان عزیز که  
جواب صحیح چیستان را به واتساپ  
شماره ۰۹۱۹۴۱۷۵۷۴ ارسال دارند به  
قیدقرعه یک سال مجله پیام شنبه  
رایگان ارسال خواهد شد.

آن کدام نه است که ده نمیشود؟  
آن کدام ده است که یازده نمیشود؟  
**جواب چیستان شماره ۲۰**  
۱- غاز  
۲- درخت  
۳- لاکپشت  
۴- انار  
۵- سال، ماه، شب، روز

آن کدام یک است که دو نمیشود؟  
آن کدام دو است که سه نمیشود؟  
آن کدام سه است که چهار نمیشود؟  
آن کدام چهار است که پنج نمیشود؟  
آن کدام پنج است که شش نمیشود؟  
آن کدام شش است که هفت نمیشود؟  
آن کدام هفت است که هشت نمیشود؟  
آن کدام هشت است که نه نمیشود؟

## چه باید کرد؟

جیران امینی / دبیر رسمی آموزش و پرورش

باید بدانیم کار در آموزش و پرورش، کاری نیست که یک سال یا دو سال و چند سال جواب بدهد. کار در آموزش و پرورش زمان بر است و نیاز به زمان و مؤلفه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن همراهی و همگرایی دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش برای اجرای طرح‌های کلان خود از جمله سند تحول بنیادین است.



فقط در حد شعار باقی بماند نباید امید چندانی به تحول داشت، چون یکی از زیر ساخت‌های اصلی اجرای سند تحول بنیادین فرهنگیان هستند که نیازمند توجه همه جانبه مجلس، دولت و جامعه می‌باشند. دیگر اینکه همگرایی، همبستگی، همراهی و انطباق فرهنگیان با برنامه‌های تحولی از مهم‌ترین و حساس‌ترین عواملی است که باعث ایجاد تغییر و دگرگونی در آن می‌شود. امید است با نگاه و توجه مسئولین به مطالب ذکر شده، شاهد دگرگونی در امر آموزش و پرورش و استقرار عدالت در همه جوانب آن باشیم.

نیازهای آموزش و پرورش، سوم توزیع عادلانه معلمان شایسته در شهرها و روستاها، چهارم استفاده از فناوری‌های نوین و پیشرفته، پنجم مهارت آموزی به جای آموزش تئوری صرف، ششم پرهیز از تغییراتی که هیچ تاثیری در فرآیند تحول آموزش و پرورش ندارند و باعث ایجاد مانع برای آن می‌شوند. معلم راهبر نظام آموزشی است که اگر هم از لحاظ رفاهی و مالی تامین و هم از لحاظ آموزش‌های ضمن خدمت آماده شود می‌توان به ایجاد تحول همه جانبه در آموزش و پرورش امیدوار بود. ولی اگر رفاه و معیشت فرهنگیان

مشکل آموزش و پرورش ما اکنون تغییر ساختار نیست بلکه نیازمند زیر ساخت قوی و مبتنی بر نظام جامع انقلاب اسلامی است. اینکه عنوان یک معاونت را کم و یا ادغام و تجمیع کنیم هیچ دردی از آموزش و پرورش درمان نخواهد کرد. اگر واقعاً دنبال آموزش و پرورش متحول، پویا، بروز و مبتنی بر جامعه ایرانی هستیم باید سعی و تلاش کنیم: اول تامین بودجه برای فراهم کردن زیر ساخت‌های لازم جهت اجرای کامل سند تحول بنیادین. دوم آموزش نیروی انسانی با توجه به

# بررسی اثبات خطا و تقصیر عمدی و غیر عمدی پزشکان



صوناسفیری

باید بدانیم کار در آموزش و پرورش، کاری نیست که یک سال یا دو سال و چند سال جواب بدهد. کار در آموزش و پرورش زمان‌بر است و نیاز به زمان و مؤلفه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن همراهی و همگرایی دست‌اندرکاران نظام آموزش و پرورش برای اجرای طرح‌های کلان خود از جمله سند تحول بنیادین است.



ابتدا لازم است به تعریف مختصری از واژه‌ی «تقصیر» بپردازیم. تقصیر در لغت به معنای سستی ورزیدن، کوتاهی کردن و خطا کردن است، که گاه در اصطلاح رایج، مترادف با کلمه‌ی قصور نیز بکار برده می‌شود. هر چند شاید تا حدودی بتوان این دو واژه را هم‌معنی در نظر گرفت اما در حقیقت، تفاوت اساسی با هم دارند. زیرا «قصور»، در واقع یعنی اهمال، بدخدمتی، تخلف، خبط، خطا، ناخدمتی. پس درمی‌یابیم که در قصور، نوعی جالت غیر عمدی نهفته است، در حالی که تقصیر اینگونه نبوده و در آن، عمد وجود دارد. لذا با توجه به موضوع میحث، در رابطه با عملکرد پزشکان هم، ممکن است نقش این دو واژه به وضوح مشاهده گردد.

بدین صورت که بارها شنیده و یا دیده‌ایم که اشخاصی را که به مراکز درمانی و پزشک مراجعه نموده و در صدد درمان خود برآمده‌اند ولی از طرف پزشک مربوطه یا کادر درمانی آن مرکز قصوری رخ داده که نه‌تنها این اشخاص به درمان دست نیافته‌اند بلکه مشکل یا درد دیگری هم به مسایل و دردهایشان اضافه گردیده است. در چنین مواقعی سوال مهم این است که مسئول چه کسی است؟ آیا بایستی پزشک مربوطه را متخلف پنداشت و عمل وی را جرم دانست؟ یا باید او را مرتکب قصور یا تقصیر دانست؟ اینجاست که فرق میان تقصیر و قصور در عالم پزشکی، رخ می‌نماید. بدین ترتیب که در اگر از سوی پزشک تقصیری صورت گیری در واقع نوعی عمد در آن نهفته است، بعبارتی بهتر اراده‌ی قبلی در آن

معمولاً «بیماران یا اطرافیان ایشان بیشترین میزان شکایتی که از پزشکان دارند راجع به خطا در تشخیص، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی در معالجه و درمان بیمار، و یا مراقبت‌های پس از عمل‌های جراحی می‌باشد.

تخلفات پزشکی، بر اساس قانون در برگیرنده‌ی سهل‌انگاری در انجام وظیفه، عدم رعایت موازین قانونی، علمی و شرعی، افشا نمودن اسرار و نوع بیماری، انجام اعمال خلاف شئون پزشکی، جذب بیمار بوسیله‌ی تبلیغات گمراه‌کننده و فریب دادن بیمار می‌باشد.

اما جرایم پزشکی مواردی هستند که در قانون مجازات اسلامی، برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. باین تفاوت که کسی که آن جرم را مرتکب می‌شود، پزشک و یا اعضای تیم پزشکی می‌باشد. تخلف پزشکی صرفاً «در برگیرنده‌ی عناوینی است که بیان شد ولی قصور پزشکی تحت

دخیل بوده است ولی زمانی می‌توان عمل پزشک را قصور نامید که در آن نوعی غفلت وجود داشته باشد، یعنی عمل انجام یافته بصورت سهوی اتفاق افتاده باشد. اما باید دانست که در هر دوی این حالات، مجازات وجود دارد.

برای مصادیق تقصیر پزشکی باید به بیان موارد زیر پرداخت:

۱- بی‌احتیاطی.

۲- بی‌مبالاتی.

۳- نبود مهارت.

۴- رعایت نکردن نظامات دولتی.

بامراجعه به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، می‌توانیم به وضوح مصادیق تقصیر پزشکی (خطای جزایی) را دریابیم که طبق آنچه گفتیم شامل «بی‌احتیاطی» و «بی‌مبالاتی» و همچنین عدم مهارت و رعایت نکردن نظامات دولتی، ذیل بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی قرار می‌گیرد.

عنوان یک جرم در نظر گرفته می‌شود و چگونگی رسیدگی به آن هم متفاوت است. مرجعی که تخلفات انتظامی پزشکی را تشخیص می‌دهد، سازمان نظام پزشکی می‌باشد و چون موضوعی تخصصی است، نظرات کارشناسی متخصصان مربوطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. چنانچه تخلف پزشکان، جرم نباشد صرفاً تحت عنوان تخلف انتظامی با آن برخورد می‌شود. عدم رعایت موازین قانونی و شرعی و مقررات صنفی، حرفه‌ای و شغلی و سهل‌انگاری در انجام وظایف قانونی توسط شاغلان حرفه‌های پزشکی، تخلف به شمار می‌رود و اشخاص متخلف، با در نظر گرفتن شدت و ضعف اعمال ارتكابی و نیز تعدد عمل و تکرار آن، حسب مورد به مجازات‌های تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیات‌مدیره‌ی نظام پزشکی محل، اخطار یا توبیخ کتبی با درج در پرونده‌ی نظام پزشکی محل، توبیخ کتبی با درج در پرونده‌ی نظام پزشکی و نشریه‌ی نظام پزشکی محل یا الصاق رأی در تابلوی اعلانات نظام پزشکی محل، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از ۳ ماه تا یک سال در محل ارتكاب تخلف، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته از ۳ ماه تا یک سال در کل کشور، محرومیت از اشتغال به حرفه‌های پزشکی از بیش از یک سال تا ۵ سال در تمام کشور و محرومیت دائم از اشتغال به حرفه‌های پزشکی و وابسته در تمام کشور محکوم می‌گردند.

البته باید توجه داشت که تخلف انتظامی، موارد دیگری را هم در بر می‌گیرد که به مواردی از آنها اشاره می‌کنیم: عدم رعایت نرخ مصوب تعرفه‌های پزشکی، ارائه‌ی داروهای مشابه به‌جای داروی اصلی، برخورد نامناسب کادر پزشکی با بیماران، عدم پذیرش بیماران اورژانسی توسط مراکز درمانی، و نداشتن امکانات ضروری پزشکی. توجه کنیم که اگر تخلف پزشکان و پرسنل پزشکی طوری باشد که بدوی، تجدیدنظر و عالی انتظامی نظام پزشکی، وضعیت به‌شکل دیگری است و تمام

اشخاص شاغل در این مراکز از جامعه‌ی پزشکی هستند.

ولی ممکن است این سوال پیش بیاید که وضعیت پرسنل بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های نیروهای مسلح به چه صورت است؟ در پاسخ به این سوال باید گفت بر اساس قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح افراد نظامی به چند دسته تقسیم می‌شوند که در این تقسیم‌بندی آمده است اشخاصی که در ارگان‌های مرتبط با نیروهای مسلح به طور قراردادی یا به صورت دیگری مشغول به فعالیت هستند نیز تا پایان قرارداد یا تعهدات کاری خویش نظامی محسوب شده و به تخلفات و جرایم آنها در دادسرای نظامی رسیدگی می‌شود.

همانطور که گفته شد، به تخلفات انتظامی پزشکان چنانچه مرتکب قصوری نشده باشند در سازمان نظام پزشکی و اگر مرتکب قصوری شده باشند در دادسرای جرایم پزشکی رسیدگی می‌شود.

می‌توان گفت در رابطه با پرسنل بیمارستان‌های نیروهای مسلح به لحاظ تخلفات انتظامی هم سازمان نظام پزشکی صلاحیت دارد اما در قصوری که رخ داده، همانگونه که بیان شد، افراد همزمان هم می‌توانند به دادسرای جرایم پزشکی و هم به دادسرای نظامی مراجعه کنند.

ولی چنانچه در حیطه‌ی شغل خود، مرتکب جرمی شوند، دیگر دادگاه‌های عمومی یا پزشکی صلاحیت رسیدگی ندارند و فقط دادسرای نظامی صلاحیت رسیدگی به جرایم آنها را خواهد داشت و همچون افراد نظامی مورد مجازات قرار خواهند گرفت.

لازم به ذکر است که پزشک در انجام همه‌ی اقدامات پزشکی که شامل تمامی معالجات درمانی و اعمال جراحی است، در گام نخست بایستی رضایت بیمار یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی او را اخذ نماید البته نباید فراموش کرد که در مواقع فوری، کسب رضایت، ضرورتی ندارد؛ و در گام دوم رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی ضروری می‌باشد

. حال چنانچه پزشک در حین معالجات، تقصیر یا قصوری مرتکب شود (که ممکن است ناشی از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات فنی باشد) در چنین حالتی در قبال خسارات جانی و بدنی‌ای که به بیمار وارد آمده، مسئول می‌باشد. نکته‌ی اساسی اینکه اقدامات پزشکان، حتی چنانچه در کارشان عمد نباشد و صرفاً «قصور یا تقصیر باشد، غیر عمدی به شمار می‌رود و حسب مورد به پرداخت دیه محکوم خواهند شد. با توجه به اینکه امر پزشکی کاملاً تخصصی است، احراز تقصیر یا قصور پزشک بر عهده‌ی متخصصان مربوطه در سازمان پزشکی قانونی یا نظام پزشکی می‌باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، چنانچه کسی در روند درمان یا اقدامات پزشکی با مشکلی مواجه شود، اعم از اینکه آن مشکل ناشی از جراحی‌های مختلف باشد و یا ناشی از اقدامات غیر جراحی، می‌تواند با مراجعه به یکی از مراجع زیر طرح دعوی نماید:

۱- دادسرای ویژه‌ی امور پزشکی، که از این طریق می‌توان دیه و خسارات وارد شده را مطالبه نمود و چنانچه پزشک قصوری مرتکب شده باشد، مجازات او را هم از دادگاه خواست.

۲- شورای حل اختلاف که در حقیقت به پرونده‌هایی که دیه‌ی درخواستی در آنها کمتر از ۵ میلیون تومان باشد رسیدگی می‌کند.

۳- دادسرای انتظامی سازمان نظام پزشکی که نتیجه‌ی آن برخورد انتظامی با پزشک خواهد بود که دامنه‌ی گسترده‌ای از اقدامات، از توبیخ کتبی تا لغو پروانه‌ی طبابت به شکل دائمی را در شامل می‌شود.

در پایان تأکید مجدد این نکته لازم است که در بیشتر موارد، می‌توان هم به سازمان نظام پزشکی و هم به محاکم دادگستری به صورت همزمان مراجعه نمود و هیچ کدام نمی‌تواند مانعی برای صلاحیت دیگری باشد.

## ورود دادستان آذربایجان غربی به موضوع برداشت گسترده نمک دریاچه ارومیه

است. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت آذربایجان غربی گفت: این برداشتها نیز کامل اصولی و کنترل شده است و جای نگرانی نیست و برداشت این شرکت از نمک دریاچه ارومیه تاثیر بسیاری در منطقه دارد چون بالای هزار نفر در آن شرکت مشغول کار هستند.

برداشت گسترده و نامتعارف نمک دریاچه ارومیه نظر شخصی این نماینده بوده است تصریح کرد: این در حالی است که برداشت نمک از بستر دریاچه ارومیه دارای مجوزات زیست محیطی بوده و خوراک مصرفی یکی از شرکت های همسایه استان، نمک دریاچه ارومیه است و براساس مجوز اداره کل محیط زیست، برای آنها اجازه برداشت نمک داده شده

غلامرضا بابایی ۲ آبان ۱۳۹۸ در گفت و گو با خبرنگار فارس در ارومیه، با اشاره به موضوع ورود دادستان آذربایجان غربی به مسئله برداشت گسترده نمک دریاچه ارومیه اظهار کرد: این موضوع ناشی از درخواست و نامه گلایه یکی از نمایندگان مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامی به دادستانی استان بوده است. وی با اشاره به اینکه طرح موضوع



## کلانتری: دریاچه ارومیه بدون احیا به بیابان نمک تبدیل می‌شد



دبیر ستاد احیای دریاچه ارومیه گفت: این دریاچه بدون اجرای مصوبه‌های این ستاد به بیابان پنج هزار کیلومتر مربعی نمک تبدیل می‌شد. عیسی کلانتری روز پنجشنبه (۲۳ آبان/۱۳۹۸) در دوازدهمین جلسه کارگروه ملی نجات دریاچه ارومیه که با حضور «اسحاق جهانگیری» معاون اول رئیس‌جمهوری در ارومیه برگزار شد، افزود: مصوبه‌های این ستاد باید در همه زمینه‌ها به طور کامل اجرایی شود.

سال ۱۳۹۴/۱ به تراز اکولوژیک خود برسد؛ این دریاچه از اواسط دهه ۱۳۸۰ شروع به خشک شدن کرد و بنا بر آمار بین‌المللی تا سال ۲۰۱۵ میلادی حدود ۸۰ درصد از مساحت آن خشک شد.

اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری روز ۲۲ آبان ۱۳۹۸ گذشته در سفری ۲ روزه وارد ارومیه شد و امروز علاوه بر افتتاح طرح‌های بیمارستانی در میاندوآب از تونل انتقال آب به دریاچه ارومیه در نقده و آخرین وضعیت دریاچه ارومیه بازدید کرد؛ وی در مصاحبه بدو ورود به آذربایجان غربی نیز گفت که احیای دریاچه ارومیه برای دولت خیلی مهم است و این دریاچه پس از احیا به کانون حیات و توسعه منطقه و کشور تبدیل می‌شود.

نیز در حال حاضر به ۲ هزار و ۷۷۶ کیلومتر مربع است که یک هزار و ۴۱ کیلومتر مربع بیشتر از زمان مشابه سال گذشته برآورد می‌شود.

همچنین طبق آخرین پایش حجم آب موجود در دریاچه ارومیه حدود سه میلیارد و ۲۴۰ میلیون مترمکعب است که افزایش ۲ میلیارد و ۱۷۰ میلیون مترمکعبی را نسبت به زمان مشابه سال گذشته نشان می‌دهد.

قبل از تشکیل ستاد احیای دریاچه ارومیه سالانه به طور متوسط ۴۰ سانتی‌متر کاهش می‌یافت اما در سایه برنامه‌ریزی، تخصیص اعتبار و تلاش دولت تدبیر و امید برای احیای این دریاچه، روند خشک شدن آن متوقف شد و بارندگی‌ها هم به کمک دریاچه آمد.

دریاچه ارومیه در قالب طرح‌های ستاد احیا قرار است ظرف مدت ۱۰

وی اضافه کرد: طبق برنامه‌ریزی‌ها دریاچه ارومیه با تاخیر یک و نیم ساله نسبت به پیش‌بینی صورت گرفته و تا سال ۱۴۰۶ به طور کامل احیا می‌شود. وی بیان کرد: تا امروز دولت بیش از ۹۰ هزار میلیارد ریال برای احیای دریاچه ارومیه هزینه کرده است و با ۱۵ درصد این میزان نیز کارهای سخت‌افزاری پایان می‌یابد.

معاون رئیس‌جمهوری تاکید کرد: تا زمانی که در مصوبه‌های ستاد احیای دریاچه ارومیه تجدیدنظر نشده است باید به طور کامل توسط نهادهای مرتبط اجرایی شود.

تراز امیدبخش دریاچه ارومیه طبق آخرین پایش به یک هزار و ۲۷۱ متر و ۲۳ سانتی‌متر رسیده که نسبت به سال گذشته ۹۵ سانتی‌متر افزایش را نشان می‌دهد.

مساحت نگین آبی آذربایجان

## زندگی در اطراف «دریاچه ارومیه» از زاویه دید عکاس آلمانی

نیست، اما در جریان سیل سال جاری درایران وضعیت این دریاچه‌اندکی بهتر شده و روان آب‌هایی وارد آن شده و سطح آب آن چند سانتی‌متر بالاتر آمده است.

این عکاس آلمانی در هر ۳ سفر خود به دریاچه ارومیه و مناطق و شهرهای وروستاهای اطراف آن سر زده و عکاسی کرده است. تصاویر زیر از مجموعه عکس‌های ۳ سفر ۱ سال گذشته "ماکسیمیلیان مَن" به اطراف دریاچه ارومیه است.

کوتاهی بار دیگر در نوامبر همان سال به ایران سفر می‌کند و سفر سوم او نیز ۲ ماه بعد از سفر دوم در ژانویه سال جاری میلادی (۲۰۱۹) انجام شده است. این عکاس آلمانی روایتگر تصویری زندگی بیش از ۵ میلیون نفر در اطراف دریاچه ارومیه است؛ دریاچه‌ای که طی ۲ دهه گذشته به حالت احتضار درآمده و در سال‌های گذشته به مدد کوشش‌هایی در حال احیاست، هر چند که با توجه به روند پرشتاب تغییرات اقلیمی در ایران و جهان، امید زیادی به احیای این دریاچه

یک عکاس آلمانی که طی ۱ سال گذشته ۳ بار به ایران سفر کرده است، زندگی اطراف دریاچه در حال احتضار "ارومیه" را به تصویر کشیده است. ماکسیمیلیان مَن "عکاس آلمانی ساکن شهر دورتموند برای نخستین بار در سپتامبر سال ۲۰۱۸ میلادی به ایران سفر کرد. او با سفر به استان آذربایجان غربی زندگی اطراف بزرگ‌ترین دریاچه آب شور در حال خشک شدن جهان را به تصویر کشید. این سفر برای او به قدری لذت بخش بوده که او با فاصله



## گام جدید فائو برای کمک به مدیریت خشکسالی دریاچه ارومیه



آقای رائو ماتا، مشاور ارشد فنی فائو در پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» نیز ضمن تمجید از تلاش‌های مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی، تأکید کرد: سنجش خشکسالی مؤلفه‌ای مهم برای مدیریت کلان حوضه آبریز دریاچه ارومیه است. ما نیاز داریم تا متغیرهای مختلفی را که کاربردشان در شاخص ترکیبی خشکسالی ضرورت دارد، احصا کنیم.

به گفته دکتر بهداد چهره‌نگار، مدیر بخش هیدروانفورماتیک ستاد احیای دریاچه ارومیه تدوین یک شاخص ترکیبی خشکسالی مناسب می‌تواند به سنجش آسیب‌پذیری کلی حوضه آبریز دریاچه ارومیه کمک کند تا بر اساس آن بتوانیم تأثیرات تغییرات متغیرهای اقلیمی بر معیشت و پارامترهای اقتصادی-اجتماعی ناحیه مدنظر را بسنجیم.

احد وظیفه رئیس مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی نیز ضمن اشاره به فعالیت‌های انجام شده برای دستیابی به شاخص ترکیبی خشکسالی، تصریح کرد: فرآیندی که در این پروژه دنبال شده است نه تنها این قابلیت را دارد که در دیگر حوضه‌های آبریز کشور به کار رود، بلکه به عنوان یک نمونه موفق برای دیگر کشورهای منطقه خاورمیانه نیز مفید باشد. پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» که از سوی دولت ژاپن تأمین مالی شده است و به صورت مشترک از سوی فائو و ستاد احیای دریاچه ارومیه پیگیری می‌شود، از تلاش‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه بهبود ظرفیت‌های نهادی و دانشی کشور به منظور احیای این ذخیره‌گاه بی‌همتای زیست‌کره حمایت می‌کند.

گام جدید فائو برای کمک به مدیریت خشکسالی دریاچه ارومیه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در چارچوب پروژه «برنامه یکپارچه مدیریت پایدار منابع آب در حوضه دریاچه ارومیه» و با همکاری پژوهشکده هواشناسی و علوم جو، کارگاه اعتبارسنجی «شاخص ترکیبی خشکسالی» تدوین شده برای حوضه دریاچه ارومیه را برگزار کرد.

به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه (۱۵ آبان ۱۳۹۸) سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، این کارگاه روز گذشته با حضور کارشناسان و پژوهشگرانی از فائو، وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان هواشناسی، مرکز ملی پایش و هشدار خشکسالی، ستاد احیای دریاچه ارومیه، دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف و دانشگاه علم و صنعت ایران در محل پژوهشکده هواشناسی و علوم جو برگزار شد.

مشارکت‌کنندگان در این کارگاه ضمن مرور منطق، رویه و روش به‌کار رفته برای تدوین شاخص ترکیبی خشکسالی؛ متغیرها، مؤلفه‌ها و شاخص‌های بالقوه دیگری را که در گام‌های آتی و برای بهبود شاخص ترکیبی خشکسالی می‌توانند به کار گرفته شوند را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

آقای جیانلوکا فرانچسکینی، متخصص ارشد فائو در زمینه مدیریت اطلاعات منابع سرزمین در تشریح فعالیت‌های انجام شده گفت: امروز، اولین نتایج حاصل از ارزیابی خشکسالی همچنین روش سنجش خشکسالی ارائه شده و مورد بحث و بررسی قرار گرفتند.

به گفته وی، این اولین تلاش ایران برای ارائه چنین اطلاعاتی است که از ابعاد مختلف هواشناسی، کشاورزی و هیدرولوژیک به پدیده خشکسالی می‌پردازد.





## طرز تهیه شیرینی خانگی (شکر چورنگی)

ربابه صمدی آذر

### مواد لازم

- ۱- آرد سفید: ۶ پیمانه
- ۲- پودر قند: ۴/۵ پیمانه
- ۳- روغن جامد: ۳ پیمانه
- ۴- زنجبیل و هل آسیاب شده، وانیل و بکینگ پودر به مقدار کافی

### طرز تهیه

روغن جامد را آب می‌کنیم و با سایر مواد مخلوط کرده به صورت خمیر درمی‌آوریم و دو ساعت استراحت می‌دهیم. بعد با قالب‌های مخصوص آن را به شکل‌های مختلف، ستاره، قلب، دایره، بیضی، ماه و... درمی‌آوریم و در فر می‌گذاریم. بعد از چند لحظه که رنگش تغییر کرد برمی‌داریم می‌گذاریم سرد شود. سپس با رنگ زعفران رویش را تزئین می‌کنیم و به وسیله آن مهمانان خود را پذیرا می‌شویم. در زمان‌های قدیم که قنادی و شیرینی‌پزی عمومی کم بود این شیرینی تهیه و در مراسم عروسی جشن‌ها و اعیاد مورد استفاده قرار می‌گرفت و اکنون نیز بعضی از خانواده‌ها در اعیاد نسبت به تهیه شیرینی خانگی و پذیرائی مهمانان بوسیله آن اقدام می‌کنند.

از بانوان عزیز همشهری که در تهیه غذاهای سنتی و محلی مهارت دارند خواهشمند است مقالات خود را در این مورد به فصلنامه ارسال دارند تا مورد استفاده سایر خوانندگان قرار گیرد.

## فرم اشتراک فصلنامه پیام شنبه

- ۱ فرم مشخصات را تکمیل فرمایید.
- ۲ وجه اشتراک را به شماره کارت ۳۵۴۶ ۴۹۰۳ ۱۰۱۱ ۵۸۹۲ در بانک سپه شعبه فاطمی به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها و یا شماره حساب جاری طلایی ۱۷-۳۲۳۵۴۱۲۱۲ به نام جمعیت خیریه شبستری‌ها در بانک سپه شعبه فاطمی کد ۱۷۰ (مخصوص مجله پیام شبستر) واریز فرمائید.

### فرم مشخصات:

نام و نام خانوادگی: ..... تاریخ تولد: ..... مدرک تحصیلی: ..... شغل: .....  
نشانی دقیق پستی: ..... کد پستی: ..... تلفن تماس: .....

### مراکز فروش مجله در تهران

- ۱ مجتمع اسلامی نور شبستری‌ها واقع در میدان فاطمی (مسجد نور)، تلفن: ۸۸۹۶۰۲۲۲
- ۲ هیئت عزاداران قمر بنی‌هاشم واقع در خیابان پیروزی خیابان دهقان کوچه اول، تلفن: ۰۹۱۲۳۱۱۹۲۲۰
- ۳ میدان انقلاب اول آزادی بازار ایران طبقه اول کتابفروشی گلشن راز، تلفن: ۶۶۴۳۸۵۲۸
- ۴ خیابان سپهبد قرنی چهار راه سمیه روبروی دادگستری دفتر فنی سینا تلفن: ۰۹۱۲۵۳۳۶۱۹۸
- ۵ شهرک اکباتان مجتمع تجاری نگین فاز ۳ پلاک ۵۵ فروشگاه الکترونتلفن سعید ۴۴۶۶۳۷۶۰ - ۴۴۶۳۵۶۱۵

### مراکز فروش فصلنامه پیام شبستر در شهرستان

- ۱ ارومیه: خیابان امام جنب بانک ملت شعبه مرکزی - داخل کوچه کتابفروشی بهار - احمد یوسفی، تلفن: ۰۴۴۳۲۳۸۴۴، همراه: ۰۹۱۴۱۸۶۶۵۹۷
- ۲ تبریز: خیابان امام روبروی مصلحت‌انتشارات شایسته - محمد زارع تلفن: ۰۴۱۳۵۵۶۱۹۶۱، همراه: ۰۹۱۴۱۱۴۸۹۳۳
- ۳ تسوج: خیابان مصلی امام خمینی، روبروی بانک کشاورزی، کتاب فروشی و مطبوعاتی خوش نیت تلفن: ۰۴۱۴۲۵۷۲۵۱۵
- ۴ کرج گوهردشت پایین‌تر از میدان رستاخیز روبروی بانک پاسارگاد کوچه مسجد دفتر وکالت خانم مهری شمالی تلفن ۰۲۶۳۴۲۰۵۳۴۶
- ۵ شبستر: ۱- دهکده‌های روزنامه فروشی ۲- مقبره شیخ محمود شبستری ۳- تعاونی فرهنگیان ۴- املاک کمالی اصل

## در هر تولد، حیاتی دیگر نهفته است

یادداشتی به منظور معرفی انواع سلول‌های بنیادی و اهمیت ذخیره‌سازی سلول‌های بنیادی خون بندناف در بدو تولد.



خون بند ناف که در واقع یک نوع زباله بیولوژیکی است که مملو از سلول‌های بنیادی است. به منظور بهره‌گیری از این سلول‌ها باید بلافاصله بعد از تولد در عرض ۳ تا ۵ دقیقه بعد از زایمان، پس از جدا شدن بند ناف، خون موجود در بند ناف جمع‌آوری شود. جمع‌آوری این کار بسیار ساده است و هیچ تداخلی در روند زایمان ایجاد نمی‌کند و کاملاً به روش استریل انجام می‌شود.

حجم خون موجود در بند ناف بین ۷۰ تا ۲۰۰ سی‌سی می‌باشد و

دسته اول، سلول‌های بنیادی جنینی هستند که از توده سلولی داخل جنین در مرحله بلاستوسیت گرفته می‌شوند، دسته دوم سلول‌های بنیادی بالغ که پس از تولد، از بافت‌های فرد بالغ جدا می‌شوند مانند سلول‌های بنیادی خون‌ساز مستقر در مغز استخوان، خون محیطی، مغز، کبد و در نهایت دسته سوم، سلول‌های بنیادی خون بند ناف که از ورید (رگ) بند ناف، هنگام تولد نوزاد استحصال می‌شود.

**خون بند ناف و بانک خون بند ناف چیست؟**

### سلول بنیادی چیست؟

سلول بنیادی، مادر تمام سلول‌هاست و توانایی خودنوسازی و تمایز به انواع سلول‌های خونی، قلبی، عصبی و غضروفی دارد. همچنین می‌تواند به بازسازی و ترمیم بافت‌های مختلف بدن که به دنبال آسیب و جراحت، صدمه دیده است، کمک کند و جایگزین بافت‌های آسیب دیده شده و به ترمیم و رفع نقص آن بافت بپردازد.

سلول بنیادی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عرصه با داشتن ۳۱ دفتر نمایندگی در استان‌های مختلف نزدیک به ۱۲۰ هزار نمونه در این بانک ذخیره‌سازی شده است.

### دفتر نمایندگی بانک خون بند ناف آذربایجان شرقی

نمایندگی بانک خون بند ناف در آذربایجان شرقی از اواخر بهمن‌ماه ۱۳۸۷ فعالیت خود را با همکاری جهاد دانشگاهی آذربایجان شرقی آغاز کرده و تاکنون موفق به ذخیره‌سازی بیش از ۳۰۰۰ نمونه شده است. دفتر نمایندگی این استان جزو دفاتر فعال بوده و ظرفیت بسیار خوبی در زمینه پزشکی نوین دارد و از جمله استان‌هایی است که بحث سلول درمانی، علوم سلولی و همچنین درمان ناباروری را بطور جدی پیگیری می‌کند. گفتنی است جهاد دانشگاهی استان آذربایجان شرقی علاوه بر نمایندگی بانک خون بند ناف دارای کلینیک طب پیشگیری و ارتقای سلامت جهاد دانشگاهی و تشخیص زودرس و غربالگری ناهنجاری‌های جنینی و مرکز درمان ناباروری می‌باشد که با هزینه مناسب و خدمات با کیفیت آماده ارائه خدمت به مراجعین محترم می‌باشد.

همشهریان محترم می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۳۳۳۵۴۲۱۵ و ۳۳۳۷۵۱۸۹ در ساعات اداری تماس و یا با مراجعه به سایت [www.fsct.ir](http://www.fsct.ir) اطلاعات لازم را کسب نمایند.

آدرس دفتر نمایندگی: تبریز، خیابان آزادی بین گلاباد و گلگشت، دفتر بانک سلول‌های بنیادی خون بند ناف رویان

آدرس دفتر مرکزی: تهران، بزرگراه رسالت، خیابان بنی‌هاشم، نبش حافظ شرقی، پلاک ۲۴

در زمینه کاربرد سلول‌های بنیادی برای درمان بیماری‌های صعب‌العلاج و اهمیت وجود کانونی منسجم به منظور برنامه‌ریزی برای کاربردی شدن استفاده از سلول‌های بنیادی، شرکت فناوری بنیادی، شرکت فناوری بن یاخته‌های رویان به همت محققان پژوهشگاه رویان جهاد دانشگاهی و با همکاری شرکت گسترش صنعت علوم زیستی (لیدکو) به عنوان اولین بانک سلول‌های بنیادی خصوصی کشور فعالیت خود را در سال ۱۳۸۴ آغاز کرد. هدف اصلی در این بانک، جمع‌آوری، جداسازی و ذخیره‌سازی سلول‌های بنیادی خون بند ناف برای خانواده‌های متقاضی و همچنین تأمین سلول‌های بنیادی برای استفاده مراکز پیوند کشور است. در حال حاضر پس از یک دهه فعالیت در این



جداسازی سلول‌های بنیادی از خون بند ناف ظرف مدت ۲۴ ساعت انجام می‌شود. در این حجم از خون بند ناف حدود ۵۰۰ میلیون تا ۲ میلیارد سلول بنیادی وجود دارد. سلول‌های بنیادی پس از جدا شدن بلافاصله با کیسه‌های مخصوص داخل نیتروژن مایع قرار گرفته و در دمای ۱۹۶- درجه سانتیگراد نگهداری می‌شوند. با توجه به این شرایط تقریباً عمر نگهداری این سلول‌ها نامحدود است اما مدت زمان بهینه نگهداری را ۲۸ سال می‌دانند.

بانک خون بند ناف نیز همان‌طور که از نام آن پیداست، شرایطی را فراهم می‌کند تا سلول‌های بنیادی موجود در خون بند ناف تحت شرایط خاصی جمع‌آوری و ذخیره شود تا در صورت بروز بیماری‌هایی که با سلول‌های بنیادی قابل درمان هستند، این منبع ارزشمند به راحتی در دسترس باشد و بتوان برای پیوند از آن استفاده کرد.

### بانک‌های عمومی و خصوصی خون بند ناف

۲ نوع بانک خون بند ناف در دنیا فعالیت می‌کنند. یک نوع بانک خون خصوصی یا اصطلاحاً خانوادگی است که در ازای پرداخت هزینه در زمان زایمان مبادرت به جمع‌آوری خون بند ناف نوزاد کرده و پس از استخراج سلول‌های بنیادی از آن، برای آن خانواده نگهداری می‌شود. نوع دیگر هم بانک خون عمومی است. در مورد افرادی که تمایل به اهدای خون بند ناف دارند این کار بدون هزینه و فقط با پر کردن رضایتنامه اهدا توسط فرد انجام شده و پس از آن، فرد هیچ‌گونه مالکیتی روی خون بند ناف ندارد.

### بانک خون بند ناف رویان

با پیشرفت‌های وسیع جهانی

# تنبلی

سیدمحمدوردبلی

ناخواسته می‌خواهند تنبلی و اهمال‌کاری را پیشه کنند به مقوله (جبر) اعتقاد پیدا می‌کنند و حضرت مولانا در این مورد یک موضوع روان‌شناختی جالبی را بیان می‌کند و آن این‌که آدم‌های تنبل برای توجیه تنبلی خود می‌گویند که این (جبر) است و خودشان را راحت می‌کنند. اما انسانی که به (اختیار) اعتقاد دارد در برخورد با مشکل می‌گوید درستش می‌کنم و از کنار آن رد نمی‌شود و به فردها موقوف نمی‌کند. در این مورد شاعر گرانقدر ما حضرت حافظ چنین می‌گوید:

تنبلی به معنی عدم تمایل به فعالیت و تلاش، علیرغم برخورداری از توانائی کافی است. به زبان دیگر کار امروز را به فردا انداختن و فردا را هم فراموش کردن کار تنبل‌هاست. پشت‌گوش انداختن کار در طول زمان به کوهی از کارهای انجام نشده ختم خواهد شد و افسوس و حسرت خوردن و افسرده شدن جای آن را خواهد گرفت که سودی نخواهد داشت زیرا هر کاری در زمان خودش که ایجاب می‌کند باید انجام شود و چون از تاریخ انجامش رد شود آن رضایت و بهره‌وری را نخواهد داشت و آدم‌هایی که خواسته یا

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم

دقت کنید چه نیروی شگرفی در این بیت نهفته است. ولی آدم‌های تنبل چه می‌گویند.

با پای خود رفتیم و هی گفتیم تقدیر

در گل نشستیم و به خود بستیم زنجیر

تا راحت وجدانمان بر هم نریزد

هر درد را با حکمتی کردیم تفسیر



## همایش گروه زیست محیطی یاشیل میشو

روز جمعه هشتم آذر ماه همایش باشکوهی از سوی گروه زیست محیطی یاشیل میشو شبستر در تالار سازمان محیط زیست کشور واقع در پارک پردیسان تهران برگزار گردید.

طول سال‌های گذشته .. برنامه‌های پیش بینی شده . مشکلات موجود و عدم همکاری و کارشکنی برخی از ارگانهای ذیربط سخنان مبسوطی بیان داشتند. شرکت کنندگان در این مراسم با مشتت (دویماج نوعی خوردنی محلی) و انواع میوه‌های محلی پذیرایی شدند و افراد داوطلب کمکهای نقدی خود را برای تقویت فعالیتهای گروه و ادامه موفقیت آمیز آن تقدیم داشتند.

داشتند. در فواصل برنامه‌ها موسیقی محلی ( عاشیقها) به رهبری عا شیق بهروز شجاعی و نمایش کمدی بوسیله آقای جواد انصافی کم‌دین مشهور رادیو تلویزیون و همکاران ایشان اجرا شد و دو نفر از شعرای محلی سروده‌های خود را به حاضرین ارائه داشتند و آقای عباس عادل‌نی مدیر عامل گروه زیست محیطی یاشیل میشو در مورد اقدامات انجام شده گروه. در

در این مراسم که خانم آقاپور نماینده مردم شبستر در مجلس شورای اسلامی. آقای حسن امین لو نماینده ادواری مجلس. تعدادی از مسؤولین محیط زیست کشور و جمعی از اعضای و دوستداران گروه زیست محیطی یاشیل میشو حضور داشتند سخنرانان در مورد تاثیر محیط زیست در زندگی انسانها و حفاظت از جانداران و نگهداری طبیعت سالم بیاناتی ایراد

## مراسم اعطای جایزه سفرای برتر به جناب آقای شبستری سفیر ایران در کره جنوبی



شرکت هیته جینرو ، بانک کوک مین و شرکتهای دیگر در مرکز مطبوعاتی کره جنوبی برگزار شد. از سوی انجمن مذکور جناب آقای شبستری سفیر جمهوری اسلامی ایران در سئول ، سفیر عمان و سفیر تیمور شرقی به عنوان سفرای برتر مقیم کره جنوبی در سال ۲۰۱۹ معرفی و به پاس تلاش و خدمات ارزنده جهت گسترش روابط دو جانبه ، جایزه (مدال و لوح) دریافت نمودند.

از سوی انجمن دوستی فرهنگی سفرای کره ، مراسم اعطای جایزه سفرای برتر (Top Amb. Award) (۲۰۱۹) ، در روز سه شنبه ۵ آذرماه سالجاری با حضور تعدادی از نمایندگان مجلس ، سفرای کشورهای خارجی مقیم کره جنوبی، شهرداری شهر ایئی وانگ، رئیس خبرگزاری ان دی ان (نشریه سئول) ، رئیس گروه دوستی فرهنگی سفرای کره ، رئیس افتخاری دانشگاهان سانگ، مدیران شرکتهای مختلف از جمله شرکت دارویی دانگ گوگ ،

## موافقت وزیر کشور با تاسیس شهرداری داریان



وزیر کشور در ابلاغیه ای به استاندار آذربایجان شرقی با تاسیس شهرداری در شهر داریان شهرستان شبستر موافقت کرد.

در ابلاغیه وزیر کشور به استاندار آذربایجان شرقی با اشاره به موافقت بعمل آمده در تیر ۱۳۹۸ در خصوص تبدیل روستای داریان از توابع بخش مرکزی شهرستان شبستر به شهر داریان و در اجرای تبصره ذیل ماده (۶) آئین نامه اجرایی قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران و تبصره (۱) ماده (۱) قانون شهرداری، تاسیس شهرداری در شهر داریان مشروط به ایجاد ساز و کار مناسب برای ارائه خدمات آتش نشانی بلامانع اعلام شده است.

دستورالعمل «نحوه تبدیل شورای اسلامی روستا به شهر و تاسیس شهرداری»، برشمرده است.

ابلاغیه وزارت کشور، تاسیس شهرداری یاد شده را همچنین منوط به تحقق تعهدات موضوع ماده (۹)

## معرفی شهردار جدید کوزه کنان



از سوی شهرداری در کوزه کنان انجام شده، اما کافی نیست و شورا و شهرداری باید با برنامه ریزی کارهای ناتمام شهری را کامل کنند.

حسن مستفید با اشاره به سیل خیز بودن منطقه، خواستار اجرای آب بند در بالا دست شهر کوزه کنان و اجرای کانال جمع آوری آبهای سطحی شد و این را تکلیف اعضا شورای شهر و شهردار عنوان کرد.

در این مراسم جلیل جهانپور کوزه کنانی به عنوان شهردار جدید کوزه کنان معرفی شد.

مرتضی علیخانی در مراسم معارفه شهردار جدید کوزه کنان با بیان اینکه بخش زیادی از اعتبارات شهری صرف خدمات شهری می شود، افزود: جلب مشارکت مردم در امور شهری هزینه های نگهداری شهر را کاهش می دهد.

وی خطاب به اعضای شورا و شهردار کوزه کنان گفت: مجموعه ای موفق است که اقتصاد مردم را به سمت رشد هدایت کند و این امکان در کوزه کنان فراهم است و با برنامه ریزی می توان برای مردم شهر اشتغال و درآمد پایدار ایجا کرد.

مدیرکل دفتر امور شهری و شوراهای استانداری آذربایجان شرقی با تاکید بر شفافیت عملکرد شهرداریها گفت: شهرداران گزارش درآمدها و هزینه های شهری را به طور شفاف در اختیار مردم قرار دهند.

علیخانی گفت: کوزه کنان با سفالش مشهور است و باید تلاش شود این هنر و صنعت احیا و کاربردی شود که این امر علاوه بر مشهور شدن شهر، به بهبود معیشت مردم نیز کمک می کند.

فرماندار شبستر نیز در این مراسم به کارهای صورت گرفته در شهر کوزه کنان اشاره کرد و گفت: کارهای خوبی